



مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران

تبیین الگوهای موفق مشارکت های اجتماعی و توسعه محلات در کشور انگلستان





مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

تبیین الگوهای موفق مشارکت‌های اجتماعی و توسعه محلات در کشور انگلستان

گزارش شماره ۱۶۴ - مهر ماه ۱۳۹۱

معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی مدیریت، امور اجتماعی و اقتصادی

مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی امور مناطق

تهیه کننده: شهلا اختری، دکتر حمید قربانی، دکتر یونس کاویانی

داور: دکتر جواهری

معاونت علم و فناوری

چاپ و انتشار: مدیریت فناوری اطلاعات و مرکز اسناد

گرافیک و صفحه‌آرایی: روابط عمومی

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، پل رومی، خیابان شهید اکبری، نبش خیابان شهید آقابزرگی، شماره ۳۲، کدپستی ۱۹۶۴۶۳۵۶۱۱

امور مخاطبین: ۳- ۲۲۳۹۲۴۸۴ داخلی ۳۴۹ <http://rpc.tehran.ir>

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران است و استفاده از مطالب آن صرفاً با ذکر مأخذ بلامانع می‌باشد. ضمناً متن (WORD, PDF) بر روی سایت فوق قابل دریافت است.

سخن نخست

انديشمند گرامی

باسلام

مدیریت بهینه، حفظ پویایی و ارتقاء نوآوری هر سازمان نیازمند تجزیه و تحلیل صحیح محیط، انتخاب بهترین اهداف و راهبردها، ارتقاء توانمندی های سازمان و اقدام مؤثر در جهت تأمین هدف های تدوین شده است.

بی شک دستیابی به این مهم، فارغ از مطالعه، پژوهش و تدبر و تحقیق در امور امکان پذیر نمی باشد. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران با توجه به فلسفه وجودی و ظرفیت ها و توانمندی های خود به مدیریت فرآیندهای پژوهشی و انجام مطالعه و پژوهش در خصوص مسائل مدیریت شهری می پردازد، تا انجام فرآیندهای پیش گفته را برای مدیران، صاحب نظران و پژوهشگران حوزه مدیریت شهری تسهیل نماید. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع این مرکز، تحریر و نشر گزارش های موضوعی و نتایج حاصل از مطالعات تخصصی را وظیفه خود دانسته و بر این باور است که به واسطه چنین اقدامات و گزارش هایی، زمینه دستیابی به توسعه پایدار شهری در سایه مدیریت یکپارچه ممکن می شود.

امید است با بهره مندی از نظرات ارزشمند جنابعالی، در ارائه مؤثرتر این آثار، گام برداریم.

محمود عسکری آزاد

رئیس مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران

چکیده

در این مطالعه سعی شده به سابقه مشارکت، تنوع و تکثرگرایی برای فعالیتهای مشارکتی در سطح محله در کشور انگلستان اشاره شود. در دولتهای مختلف طرحها و برنامههای ملی و منطقه‌ای برای تعمیق و گسترش مشارکت اجتماعی مردم معرفی شده است. مهم‌ترین این برنامه‌ها از ده سال پیش تاکنون در این مطالعه مورد اشاره قرار گرفته و سعی شده آن دسته از استراتژی‌های مهم مورد نظر کارگزاران در سطوح مختلف برای رسیدن به مشارکت اجتماعی محلی پررنگ شود. برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و محلی برای توانمندسازی و ارتقاء مشارکت مردم، سیاست‌گذاری‌های استراتژیک را هدف قرار داده و در همه آنها سطح وسیعی از فعالیتهای ابتکاری برای آموزش و ایجاد فرصتهای متعدد و متنوع به منظور ارتقاء مشارکتهای محلی مورد نظر بوده است. این طرحها و برنامه‌ها شامل موارد زیر هستند:

- ۱- برنامه ملی توانمندسازی برای مشارکت
- ۲- برنامه منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت
- ۳- معرفی شاخص چهارم ملی (یعنی درصدی از مردم که احساس می‌کنند در تصمیم‌گیری‌های محله خود دخیل هستند).
- ۴- برنامه استراتژیک محلی برای مشارکت
- ۵- بودجه‌بندی مشارکتی در محله‌ها
- ۶- جامعه فراگیر و مبانی آن

در دولت محافظه کار قبلی سیاست‌گذاری‌های دولتی در خصوص عملیاتی شدن برنامه توانمندسازی برای مشارکت در سه سطح (ملی، منطقه‌ای و محلی) و نیز تعیین شاخص‌های «محله‌های پررونق و قوی»، از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ تعیین و برای اجرایی کردن این برنامه‌ها تدابیر مختلفی صورت گرفت. منطقه‌ای کردن برنامه‌های عمل در نه منطقه و اجرایی کردن آنها در سطح محلی از مهم‌ترین اقدامات به منظور تحقق هدف ملی برنامه توانمندسازی برای مشارکت جامعه محلی بوده است.

نکته مهم این است که همه برنامه‌های منطقه‌ای و محلی دارای انعطاف زیادی در به کارگیری پیشنهادها و ابتکارها از سوی جامعه محلی هستند. همچنین در گزارش‌های مورد بررسی به خوبی احساس می‌شود که کارشناسان چگونه با عوض شدن سیاستها در دولت جدید نگران از دست رفتن دستاوردهای مربوط به برنامه‌های قبلی و تلاش‌های صورت گرفته پیشین هستند. بنابراین در

گزارش‌های خود سعی کرده‌اند اهمیت دستاوردهای قبلی را برای کمک به سیاست‌های جدید پررنگ‌تر نشان دهند. اکنون برنامه‌های ملی دیگری تحت عنوان طرح «بودجه‌بندی مشارکتی» و «جامعه فراگیر» در محلات، توسط دولت ائتلافی لیبرال - دموکرات فعلی در دست اقدام است.

در این مطالعه دستاوردها و نکات مهم در هر کدام از برنامه‌ها و اسناد ملی برای ارتقاء مشارکت محلی در دولت گذشته و دولت فعلی انگلستان مورد اشاره قرار گرفته است. سپس یک سری اصول زیربنایی برای تحقق فعالیت‌های مشارکتی، محورها و اولویت‌های کاری، درس‌های آموخته شده از دید کارشناسان طرح‌ها و الگوهای مشارکت محلی آورده شده است. در نهایت این گزارش به نتایج و توصیه‌های کلیدی خواهد رسید که در تحقق طرح‌های اجتماع محور و مدیریت محله در خور توجه هستند.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۹
تاریخچه	۱۲
۱- استراتژی‌های ملی دولت انگلیس برای مشارکت‌های محلی	۱۶
۱-۱- برنامه ملی توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت	۱۶
۱-۲- برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت	۱۸
۱-۳- ساختار برنامه‌های منطقه‌ای برای توانمندسازی مشارکتی	۱۹
۱-۳-۱- رشد مطالبه‌گری (افزایش تقاضا)	۲۰
۱-۳-۲- رشد منابع و امکانات (افزایش عرضه)	۲۱
۱-۳-۳- رشد شبکه‌ها	۲۳
۱-۴- اولویت‌های کاری برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت	۲۴
۱-۵- اولویت‌های اجرایی برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت	۲۴
۱-۶- اهمیت ارتباط برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی مشارکتی با ادارات دولتی	۲۶
۱-۷- اهمیت پژوهش‌ها و تحقیقات محله محور	۲۷
۱-۸- اهمیت مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری	۲۹
۱-۹- نقش دانشگاه‌ها	۳۱
۱-۱۰- جدول امکان‌سنجی برای استمرار فعالیت برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی	۳۳
۱-۱۱- درس‌های آموخته شده از برنامه‌های منطقه‌ای برای توانمندسازی مشارکتی	۳۶
۲- برنامه‌های محلی برای توانمندسازی مشارکتی	۳۷
۲-۱- شاخص‌های تعیین شده برای داشتن محلات قوی و پررونق در انگلیس	۴۱
۲-۱-۱- شاخص‌های در نظر گرفته شده برای محور اول «جامعه محلی قوی»	۴۲
۲-۱-۲- شاخص‌های در نظر گرفته شده برای محور دوم یعنی «جامعه محلی ایمن‌تر»	۴۳
۲-۱-۳- شاخص‌های محور «کودکان و جوانان» در محله	۴۴
۲-۱-۴- شاخص‌های محور «سلامت و رفاه» در محله	۴۶
۲-۱-۵- شاخص‌های محور «از بین بردن تبعیض و ایجاد تساوی» در محله	۴۷
۲-۱-۶- شاخص‌های محور «اقتصاد محلی»	۴۷

۴۹	۲-۱-۷- شاخص‌های محور «محیط زیست و توسعه پایدار» در محله
۵۰	۲-۲- ماهیت فعالیت‌های مشارکتی برای توانمندسازی محلات
۵۴	۲-۳- توصیه‌های کلیدی در سطح محلی
۵۵	۲-۳-۱- دیدگاه‌های مثبت
۵۶	۲-۳-۲- دیدگاه‌های منفی
۵۷	۳- طرح بودجه‌بندی مشارکتی
۶۱	۳-۱- مزایای بودجه‌بندی مشارکتی
۶۱	۳-۲- بودجه‌بندی مشارکتی در عمل
۶۲	۴- طرح «جامعه فراگیر»
۶۳	۴-۱- مبانی تشکیل جامعه فراگیر
۶۵	۵- چالش‌ها و موانع
۷۴	۶- راهبردها
۷۶	۷- یافته‌ها و توصیه‌های کلیدی
۷۸	۸- نگاهی گذرا به نقش سراهای محله برای ارتقاء مشارکت‌های محلی در سطح شهر تهران
۸۶	منابع

مقدمه

برای جلب مشارکت و توانمندسازی اجتماعی و محله محور، اعتماد به توانایی و مدیریت مردم اصل اولیه است. همچنین اعتقاد به لزوم تنوع برنامه‌ها و انعطاف‌پذیری عملکردها با توجه به نظرات و نیازهای مختلف مردم محلی، از مهم‌ترین عوامل موثر در بهره‌مندی جوامع از طرح‌های مشارکت محور است. تدوین چشم‌انداز بلند مدت همراه با مشارکت نمایندگان بخش‌های دولتی، تشکلهای غیردولتی و داوطلبانه، دانشگاه‌ها و نیز کارگزاران بخش خصوصی در برنامه‌ریزی‌ها از طریق تهیه دستور عمل مشترک برای همکاری، از دیگر عوامل موفقیت در انجام طرح‌های توانمندسازی محله محور و مشارکتی است. حضور پر رنگ تشکلهای غیردولتی در اجرای برنامه‌های مشارکتی ملی و منطقه‌ای و محلی از نکات مثبت برنامه‌های محله محور در کشور انگلیس است.

در مطالعه حاضر با عنوان «تبیین الگوهای موفق مشارکت‌های اجتماعی و توسعه محلات در کشور انگلستان» یک دهه فعالیت دولت مرکزی انگلیس در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی به صورت اجمالی مورد بررسی قرار گرفته و ۸ سند رسمی به شرح زیر مرور شده است:

۱- برنامه‌ریزی برای بودجه‌بندی مشارکتی در محله‌ها^۱

۲- برنامه ملی توانمندسازی برای مشارکت^۲ (NEP)

۳- فعالیت‌های مشارکتی^۳

۴- برنامه عمل توانمندسازی: بسترسازی برای موفقیت^۴

۵- نقش مهم چارچوب جدید کار در محله^۵

1- Communities in the driving seat: a study of Participatory Budgeting in England, Final report, SQW, Cambridge Economic Associates, Geoff Forham Associates, Department for Communities and Local Government, 2011

2- National Empowerment Partnership (NEP) Programme, Final evaluation report, Helen Sender, Zoe Khor and Barbra Carlisle, Communities and Local Government, Community development Foundation, July 2011

3- Participation Works, 21 techniques of community participation for the 21st century, UK Community Participation Network, 1999

4- An Action Plan for Community Empowerment: Building on Success, Local Government Association, Communities and Local Government 2007

5- Delivering improved outcomes for children, young people and their families: The crucial role of the new local Performance network, Communities and Local Government, Department for Children, Schools, and Families, What is the new local performance framework?

۶- حکمروایی فعال؛ ارزش افزوده از طریق مشارکت مردم در حکمروایی مبتنی بر مشارکت استراتژیک محلی^۱

۷- گزارش برنامه‌ریزی محله محور در شرق با حمایت آژانس توسعه شرق انگلستان^۲

۸- گزارش نهایی توانمندسازی مشارکت ملی و ارتقاء مشارکت منطقه‌ای در شرق انگلستان^۳
 طی این مطالعه تلاش شده نکات مهم اسناد بالا که مربوط به سیاست‌های دولتی و راهکارهای اجرایی برای عملیاتی کردن جلب مشارکت مردم در دو دولت گذشته و کنونی انگلستان است، استخراج و منعکس شود.

روند برنامه‌های مشارکتی در انگلستان البته مانند بسیاری از کشورها با چالش‌ها و مشکلاتی روبرو بوده است و تغییر دولت‌ها سبب تحولات و گاه دل‌نگرانی‌هایی میان کارشناسان شده است. به همین دلیل برنامه‌های دولت قبلی در تغییرات انجام شده توسط دولت جدید دچار تحولات اساسی شده است.

لازم به ذکر است به دلیل معانی متفاوتی که واژه «توانمندسازی» معادل با کلمه «Empowerment» در بردارد و به منظور روشن شدن معانی دقیق‌تر این واژه که در متن پیش رو بارها به آن اشاره شده است، در زیر به طور خلاصه معنی دقیق‌تر و ابعاد چند گانه این واژه آمده است تا خوانندگان بدانند که توانمندسازی در الگوهای موفق مشارکت‌های اجتماعی و توسعه محلی در کشور انگلستان بیش از هر چیز به اقتدارسازی و مقتدر شدن مردم محلی با دسترسی بیش‌تر شهروندان به منابع قدرت مربوط می‌شود.

تاریخچه^۴ توانمندسازی و مفاهیم مستتر در آن به دهه شصت و هفتاد میلادی، زمانی که لزوم آموزش برای همگان و همزمان با اوج‌گیری جنبش‌های اجتماعی مثل جنبش حقوق زنان، بر می‌گردد. علیرغم تعاریف متفاوتی که از مفهوم توانمندسازی استنباط می‌شود، این واژه در یک نگاه کلی به مسیر

1- Active Governance, The value added by Community Involvement in governance through local Strategic Partnership, Kath Maguire and Frances Truscott, Joseph Rowntree Foundation 2006

2- Community Led Planning Activity in the East of England, A report for the Regional Empowerment Partnership, Funded by the Department of Communities and Local Government supported by East of England Development Agency, Easet of England- space for ideas, Inspire East: Ideas and Actions for sustainable Communities, Rural Action East, National Empowerment Partnership

3- Final Evaluation Report on the National Empowerment Programme 2010-2012 for the Regional Partnership for the East of England, Resources for Change, Easet of England, space for ideas, Inspire East: Ideas and Actions for sustainable Communities, National Empowerment Partnership

4- Understanding and operationalising empowerment, Oversea Development Institute, Cecilia Luttrell and Sitna Quiroz with Claire Scrutton and Kate Bird, 2009

رو به جلویی اشاره می‌کند که در آن مردم بر زندگی خود کنترل بیش‌تری به دست می‌آورند و ظرفیت آن‌ها برای اقدام در خصوص موضوعاتی که برایشان مهم است، افزایش پیدا می‌کند.

همچنین «توانمندسازی» حوزه‌های مختلفی از جمله توانمندسازی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. به عنوان نمونه توانمندسازی اقتصادی به دسترسی مردم به مهارت‌ها، توانایی‌ها و منابعی اشاره می‌کند که در آن بتوان به درآمدزایی پایدار و امرار معاش مطمئن دسترسی پیدا کرد. توانمندسازی سیاسی به ایجاد توانایی و مهارت‌های مربوط به تجزیه و تحلیل مسائل توسط مردم، سازماندهی و بسیج مردمی اشاره می‌کند که منجر به عملکردهای جمعی برای رسیدن به اهداف مشترک و همگانی می‌شود. توجه به سطح وسیعی از تغییرات در سطوح و حوزه‌های مختلف در توانمندسازی اجتماع محور و محلی می‌تواند معانی متعدد این واژه را بیش از پیش روشن کند، از جمله:

- تغییر در منابع زیربنایی و قدرت به چالش کشاندن محدودیت‌ها از سوی جامعه محلی
- افزایش مهارت‌های فردی و دسترسی به فرصت‌های بیش‌تر
- افزایش همبستگی‌ها برای چالش با آنچه که همیشه به عنوان یک سری حقایق و مفروضات پایه‌ای و از پیش تعیین شده در جوامع مورد قبول بوده است.

- افزایش آگاهی، تمایل و اراده جوامع به منظور ایجاد تغییر بر اساس نیاز محلات

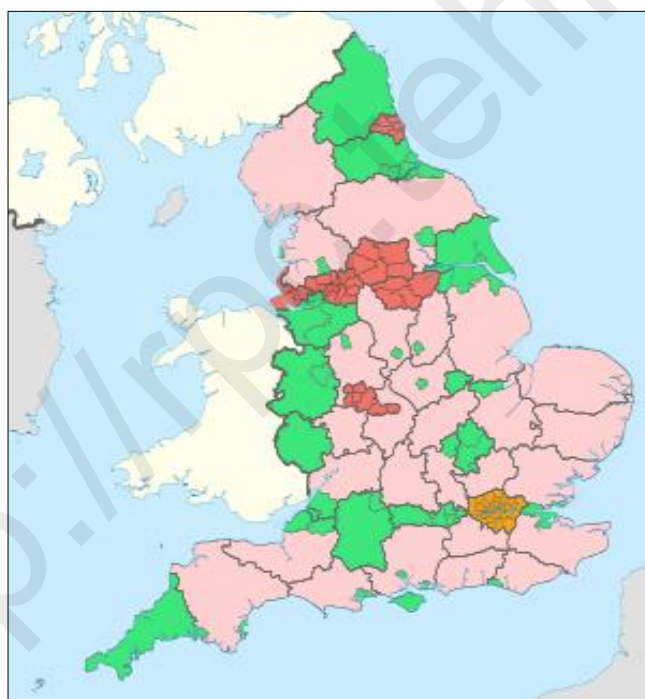
به عبارت دیگر، برای ایجاد توانمندسازی می‌بایست ظرفیت‌سازی در ابعاد مختلف رخ دهد تا مردم یک محله قادر شوند برای محله خود بر اساس نیازها و اولویت‌ها فعالیت کنند. ارتقاء شایستگی‌های فردی، توسعه سیستم‌ها و شبکه‌های اجتماعی و توسعه سازمانی نهادها، بخش‌های جدایی‌ناپذیر تحقق توانمندسازی اجتماع محور هستند تا قدرت تأثیرگذاری و تغییر در افکار و اعمال و ظرفیت لازم برای اقدام و سازماندهی در جهت تغییر ساختارهای سلسله‌مراتبی موجود در جوامع محلی ایجاد شود. این مهم بدون قدرت‌افزایی از طریق توانایی اقدام جمعی، بسیج اجتماعی، ایجاد ائتلاف، افزایش آگاهی‌های فردی و توجه به کرامت و عزت شخصی تک تک افراد جامعه محلی امکان‌پذیر نمی‌شود.

نکته مهم دیگر در همه طرح‌های توانمندسازی و رویکردهای حق محور، این است که به مردم به عنوان عاملین تغییر نگاه شود نه تنها دریافت کنندگان خدمات. دیگر اینکه چگونه نهادهای دولتی و عمومی در خصوص شهروندان مسئولیت‌پذیر و پاسخگو شوند. در این مسیر دیدگاه‌های حمایتی و خیریه‌ای به حقوق مردم فقیر به سوی حق دسترسی به موقعیت‌های بهتر و جایگاهی که از نظر قانونی حق مردم است، سوق پیدا می‌کند.

تاریخچه

تقریباً یک قرن پیش، مهاتما گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸) گفت: «در انگلیس دیدگاه نابخردانه‌ای در مورد توسعه وجود دارد که در آن درخواست حق و حقوق می‌شود، بدون آنکه ابزار برآورده کننده این حقوق تعیین و تأمین شود».

سیستم حکومتی در انگلستان خطی و یک پارچه نیست، با اینکه نظام سلطنتی در این کشور دایر است اما کل آن که از سه بخش اصلی (اسکاتلند، ولز و ایرلند تشکیل شده) که روش‌های مختلفی توسط حکومت‌های محلی اداره می‌شود و هر کدام از آن‌ها با اسامی خاص و خصوصیات حاکمیتی در سطح منطقه‌ای، استانی، شهری و روستایی تقسیم‌بندی شده‌اند.



قرمز Metropolitan borough

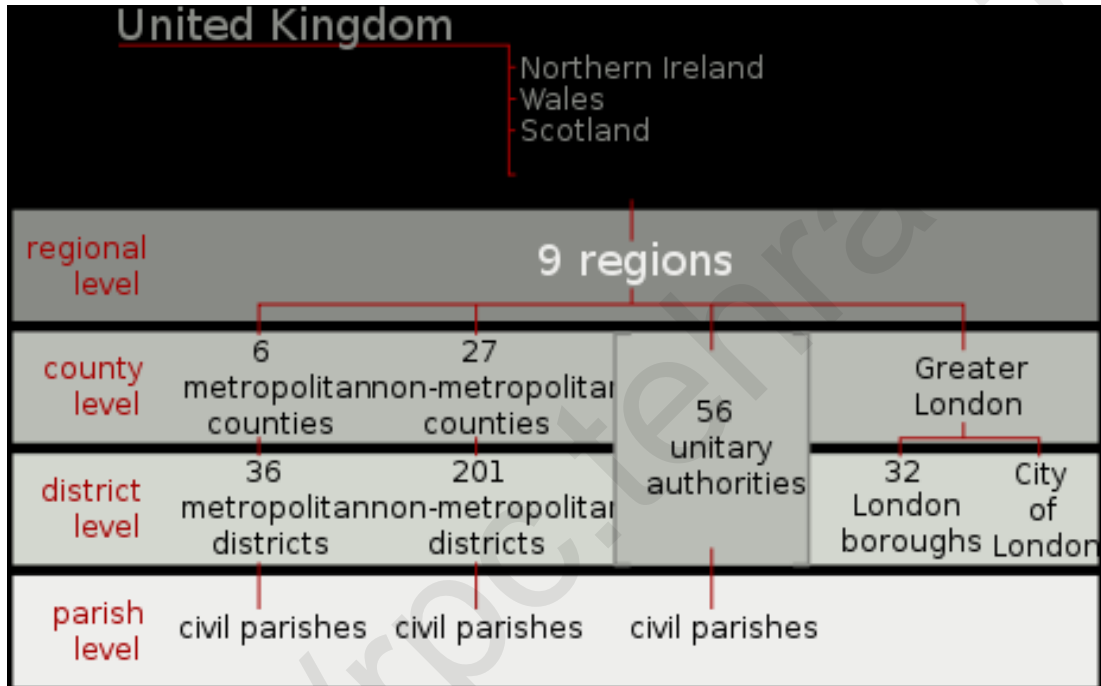
زرد London borough

سبز Unitary authority

صورتی non-Metropolitan county

بر اساس همین تقسیم‌بندی کشور انگلیس به ۹ منطقه مجزا تقسیم شده است و در هر کدام از این مناطق بر اساس ساختارهای رنگی بالا، تقسیم‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌های اداری متفاوتی ایجاد شده که در

زیر آمده است. برای منطقه لندن به دلیل اهمیت سیاسی آن، ساختار جدا و متفاوتی با دیگر مناطق چیده شده است که یک بخش آن خود شهر مرکزی لندن است و ۳۲ بخش دیگر مربوط به آن وجود دارد. این تقسیم‌بندی‌های اداری در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار تقسیم‌بندی و مرزبندی اداری در کشور انگلستان از سال ۲۰۰۹ تا کنون

برای یک فرد غیرانگلیسی چندان ساده نیست که دلایل مربوط به این تقسیم‌بندی و نحوه تعامل بخش‌های مختلف را که به نظر می‌رسد سنت‌های قدیمی و تاریخی در آن نقش اساسی دارد، متوجه شود. البته باید در نظر گرفت که ساختار حزبی در کشور انگلیس بسیار قوی، ریشه‌دار و گسترده است. به طوری که هر کدام از محلات در شهر لندن یا هر یک از بخش‌ها و نواحی مختلف کشور به صورت سستی تحت نفوذ یک حزب خاص سیاسی قرار دارند. سابقه قدرت پارلمانی در انگلستان، به نیمه قرن هفدهم باز می‌گردد؛ زمانی که قانون پارلمانی منجر به تصویب لایحه‌ای شد که موجبات اعدام چارلز اول پادشاه وقت را فراهم آورد و از آن به بعد قدرت خانواده سلطنتی در این کشور بسیار محدود شد.

نکته مهم دیگر این است که تمام مسئولین دولتی در هر بخش از کشور توسط شورایاری‌ها و دیگر اعضاء منتخب نظارت می‌شوند و هر کدام از اعضاء شورایاری‌ها هم عضو یکی از احزاب سیاسی کشور

هستند. هر چهار سال یک بار انتخاب انجمن‌های شهر و روستا برگزار می‌شود. به عنوان نمونه در انجمن شهر لانگ شایر ۸۴ شورایار فعالیت می‌کنند و از سال ۲۰۰۹ تاکنون این انجمن در کنترل حزب محافظه کار قرار گرفته است. این در حالی است که طی ۲۸ سال قبل از آن، انجمن شهر لانگ شایر در کنترل حزب کارگر بود. البته ۹ تن از شورایاران منتخب در انجمن عضو حزب لیبرال دموکرات، سه نفر مستقل و دو نفر اعضای حزب سبز هستند. احزاب تود ایدل (Toad Idle) و حزب ملی انگلیس نیز هر کدام دارای یک عضو در انجمن شورای شهر لانگ شایر هستند.

در جدول زیر تعداد اعضاء انجمن شهر لانگ شایر، از احزاب مختلف از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ آورده شده است:

سال انتخابات	حزب محافظه کار	حزب کارگر	حزب لیبرال دموکرات	مستقل	حزب سبز	حزب ناسیونالیست	Idle Toad
۲۰۰۹	۵۱	۱۶	۱۰	۳	۱	۱	۱
۲۰۰۵	۳۱	۴۴	۶	۱	۱	۰	۱
۲۰۰۱	۲۷	۴۴	۵	۱	۲	۰	۰

نتیجه انتخابات در سال‌های گذشته در لانگ شایر که نشان می‌دهد حزب کارگر ۲۸ سال در این منطقه پیروز بوده است:

سال برگزاری انتخابات	حزب پیروز
۲۰۰۹	محافظه کار
۲۰۰۵	کارگر
۲۰۰۱	کارگر
۱۹۹۷	کارگر
۱۹۹۳	کارگر
۱۹۸۹	کارگر
۱۹۸۵	کارگر
۱۹۸۱	هیچ حزبی پیروز نشد
۱۹۷۷	محافظه کار
۱۹۷۳	محافظه کار

نکته دیگر اینکه هر کدام از انجمن‌ها و شوراهای روستایی و شهری در کشور، لوگو و آرم خاص خود را بر اساس تاریخچه و هویت محلی و منطقه‌ای که نماینده آن هستند، دارا می‌باشند.

به عنوان نمونه لوگو و آرم انجمن شهر بلفاست، انجمن ناحیه ناتینگهام در حوزه لندن و لوگوی انجمن شهر بیرمنگام با یکدیگر متفاوت است و اشکال متفاوتی دارند.

با همه سابقه طولانی در مشارکت سیاسی، اکنون کارشناسان توانمندسازی اجتماع محور در انگلیس اعتقاد پیدا کرده‌اند به منظور مقابله با فرهنگی که در آن مشارکت نکردن در فعالیت‌های اجتماعی یک هنجار پذیرفته شده است، روش کار در مؤسسات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی باید در جهت ساده کردن و ایجاد زمینه برای مشارکت‌پذیری بیش‌تر مردم محلی تغییر شکل دهد. افراد بایستی بتوانند اشکال و درجات مختلفی از مشارکت را طی دوره‌های زندگی خود تجربه کنند. همچنین باید راه‌هایی قابل دسترس و عملی در درون و خارج از ساختارهای حکومتی و یا دولتی پیدا کرد که مشارکت را تحقق بخشد.

به دنبال برنامه عمل دولت کارگری برای توانمندسازی محلی، «برنامه ملی توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت» در سال ۲۰۰۷ آغاز به کار کرد. دو سال بعد، دولت ۱۹۸ شاخص را به عنوان شاخص‌های ملی توانمندسازی محلی از میان ۱۲۰۰ شاخص قبلی ساده‌سازی و تعیین کرد تا برای اعمال در گزارش‌های محلی مد نظر قرار گیرد. این شاخص‌ها در واقع ابزاری برای رسیدن به اهداف برنامه‌های توانمندسازی مشارکتی بوده‌اند.

در کنار برنامه‌های مشخص ملی و منطقه‌ای یک سری برنامه‌ها و طرح‌های دیگر برای حمایت مالی یا فنی از برنامه‌های اصلی ایجاد شد که بتواند به پیشبرد برنامه‌های اصلی کمک کنند، مثلاً در سال ۲۰۰۹ «برنامه حمایت هدفمند برای توانمندسازی و مشارکت»^۱ به منظور جبران عملکرد ضعیف مسئولین دولتی در مناطق، بر اساس فعالیت‌های امتیازبندی شده در تحقق شاخص‌ها ارائه شد تا به اجرای برنامه‌ها کمک بیش‌تری شود.

در می ۲۰۱۰ و در آخرین سال اجرای برنامه ملی توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت، دولت ائتلافی محافظه کار لیبرال دموکرات روی کار آمد. این دولت تقریباً تمرکزی بر روی برنامه‌های قبلی نداشت و پر رنگ کردن نقش جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها از طریق اجرا و پیشبرد طرح «جامعه فراگیر»^۲ مد نظر دولت جدید قرار گرفت.

1- Targeted Support for Empowerment and Participation (TSPI)

2- Big Society

به هر حال اهداف مشترک همه این برنامه‌ها، تمرکززدایی از قدرت و تفویض مسئولیت‌ها به مردم و مسئولین محلی در ارائه انواع خدمات عمومی و دولتی است. هدف نهایی دولت کنونی نیز این است که قدرت و فرصت بیش‌تری به مردم سپرده شود.

اکنون بسیاری از طرح‌های پیشنهادی در لایحه بومی‌سازی^۱ در مجلس فعلی در دست بررسی است. هدف این لوایح کاهش بوروکراسی، تقویت جوامع محلی و افزایش کنترل جامعه محلی بر سرمایه‌گذاری‌های عمومی دولتی است. همچنین تقویت مسئولیت‌پذیری مردم محلی و پاسخگو کردن آن‌ها در مورد خدمات مورد نیاز محله‌ها مورد توجه همه این برنامه‌ها است.

۱- استراتژی‌های دولت برای تحقق مشارکتهای محلی

۱-۱- برنامه ملی توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت

«برنامه ملی توانمندسازی مشارکتی»^۲ در انگلستان از سال ۲۰۰۷ آغاز و تا ۳۱ مارس ۲۰۱۱ ادامه یافت. این برنامه توسط «سازمان دولت‌های محلی و محلات»^۳ شروع و مدیریت آن با هزینه ۶/۷ میلیون پوند بر عهده «بنیاد توسعه محلی»^۴ قرار گرفت.

اجرای برنامه ملی توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت، از طریق تشکیل ۹ «تیم منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت»^۵ (REPs) حمایت می‌شد.

اهداف کلی این برنامه ملی و برنامه‌های منطقه‌ای، توانمندسازی شهروندان و فعالیت‌های محله‌ای به

شرح زیر بود:

- نشان دادن تفاوت‌ها در مسیر توانمندسازی محلی که نیاز دارد در سطح افراد، گروه‌ها و سازمان‌های محلی و عمومی مورد احترام و توجه قرار گیرند و نیز انعکاس بازخوردهای مربوط به همین تفاوت‌ها و تغییرات ایجاد شده در سیاست‌های ملی اعلام شده و روش اجرای آن‌ها
- تضمین کیفیت مناسب و موثر اجرای برنامه‌های توانمندسازی جوامع محلی
- ترویج و گسترش الگوهای موفق مشارکت محلی

1- Localisem

2- National Empowerment Partnership Program

3- Department for Communities and Local Government (DCLG)

4- Community Development Foundation (CDF)

5- Regional Empowerment Partnership

برای دستیابی به این اهداف، محورهای سه گانه استراتژیکی در همه مناطق ۹ گانه لحاظ شد که در زیر توضیح داده می‌شود.

تعریف محورهای استراتژیک

- ۱- گسترش مطالبات (افزایش تقاضا): حمایت از مشارکت افراد و جوامع محلی برای دسترسی به موقعیت‌ها و ایجاد فرصت‌های لازم و مقتضی به منظور ایفای نقش مردم در تصمیم‌سازی‌های محلی
 - ۲- گسترش منابع و امکانات (افزایش عرضه): ظرفیت‌سازی در قدرت‌های محلی و دیگر نهادهای عمومی به منظور مشارکت در فعالیت‌های توانمندسازی جوامع محلی
 - ۳- رشد شبکه‌ها: اطمینان از یکپارچگی و هماهنگی در فعالیت‌های توانمندسازی در سراسر جامعه داوطلب محلی و مردمی^۱ و نهادهای عمومی و دولتی، شبکه‌سازی برای گسترش ارتباطات و ترویج تجربیات موفق
- در «برنامه ملی توانمندسازی برای مشارکت» به منظور ارتقاء همکاری و مشارکت همه گروه‌ها از روش‌های ابتکاری زیادی به منظور گردآوردن افراد، انجمن‌ها، سازمان‌های محلی و مراکز خدمات‌رسانی دولتی استفاده شده تا مردم قادر شوند با توانمندی در مورد تصمیمات موثر بر زندگی و محله‌شان اظهارنظر کنند. طی چهار سال گذشته، فعالیت‌های زیادی صورت گرفت که توانست زمینه مناسبی برای پیشبرد اولویت‌های دولت ائتلافی کنونی در مسیر بومی گرایی و طرح «جامعه فراگیر» فراهم کند.

به طور کلی دستاوردها و حاصل برنامه ملی توانمندسازی در دولت قبلی شامل موارد زیر است:

- (۱) ایجاد شبکه‌های جدید اجتماعی و تقویت آن‌ها
 - (۲) افزایش سرمایه‌های منطقه‌ای و محلی
 - (۳) احساس تأثیرگذاری بیش‌تر از سوی مردم محلی
 - (۴) بهبود محیط زندگی و زیست گاه‌ها
- همچنین این برنامه ملی توانست به افزایش ظرفیت، افزایش عضویت در نهادهای اجتماعی، بهبود روابط با دیگر سازمان‌های محلی و نهادهای دولتی، ایجاد سازمان‌های محلی جدید و افزایش مشارکت شهروندان در امور محلات منجر شود.

۱-۲- برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت^۱

«برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت»، برای اجرایی کردن اهداف «برنامه ملی توانمندسازی برای مشارکت» به شمار می‌رفتند که با حمایت مدیریتی بنیاد توسعه محلی در سطح ۹ منطقه در کشور انگلستان هدایت و اجرا شدند.

این برنامه‌های منطقه‌ای شامل: جنوب غربی، جنوب شرقی، شمال غربی، شمال شرقی، لندن، شرق انگلیس، غرب انگلیس، یورک شایر و هامبر، غرب مرکزی بود. آدرس اینترنتی همه این برنامه‌های منطقه‌ای به قرار زیر است:

South West: <http://www.creatingexcellence.org.org.uk>

South East: <http://seerep.org.uk>

North East: <http://www.vonne.org.uk>

North West: <http://nwtwc.org.uk>

London: <http://www.londoncivicforum.org.uk>

East of England: <http://www.inspire-east.org.uk>

East of Midlands: <http://www.emep.org.uk>

Yorkshire and Humber: <http://www.yhep.org.uk>

West Midlands: <http://evcwm.org.uk>

هدف اصلی این برنامه‌ها افزایش تعداد و درصد مردمی بود که احساس می‌کنند می‌توانند در محلات خود بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر بگذارند (یعنی شاخص ملی چهارم که در صفحات بعد راجع به آن صحبت می‌شود). سعی شد که به نیازهای هر منطقه از طریق فعالیت‌های ابتکاری پاسخ داده شود، به طوری که در هر کدام از مناطق طرح‌های عملی مختلفی بر اساس نیازهای موجود تدوین و اجرا شد.

از دیگر اقدامات کلیدی برنامه منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت موارد زیر بود:

- پیشبرد و ترویج برنامه‌های توانمندسازی در سطح نهادهای عمومی و دولتی
- ایجاد ظرفیت در مسئولین دولتی و دیگر نهادهای عمومی در جهت مشارکت در برنامه‌های توانمندسازی
- اطمینان از ایجاد رویکردی هماهنگ در فعالیت‌های توانمندسازی در نهادهای مدنی و عمومی و دولتی

۳-۱- ساختار برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت

چنانکه گفته شد، برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای در ۹ منطقه طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ به اجرا در آمد و هدف کلیدی آن‌ها تحقق اهداف برنامه ملی توانمندسازی مشارکتی بود. مهم‌ترین هدف این برنامه ملی نیز تحقق «شاخص ملی چهارم» یعنی افزایش تعداد و درصد جمعیت محلی است که احساس می‌کنند می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های محلی مفید واقع شوند.

با دوری از ساختارهای خطی و دستوری، در طول اجرای چهار ساله برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای، ساختارهای متعدد و گوناگون برای اجرای برنامه‌ها در مناطق شکل گرفت که در همه آن‌ها یک هسته مرکزی تصمیم‌گیری یا کمیته مرکزی از اعضا همان جامعه محلی ایجاد شد.^۱ کار اصلی این هسته‌های مرکزی حمایت از کارگزاران یا شرکای دیگر در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، جذب منابع مالی و فعالیت‌های ترویجی و تبلیغی برای ارتقاء مشارکت و توانمندسازی در محلات بود.

شرکاء یا اعضاء این کمیته مرکزی و دست‌اندرکاران آن متشکل از نمایندگان محلی از هر بخش و گروهی شامل: بخش داوطلب محلی و شبکه‌های اجتماعی محلی، سازمان‌های عمرانی و زیربنایی و خدمات‌رسانی و همه گروه‌های اجتماعی محلی بودند. در بعضی مناطق، مسئولین دولتی و نمایندگانی از نیروی پلیس، آتش نشانی، امداد و نجات، فعالین توسعه محلی، نمایندگان بخش مسکن، اقلیت‌های قومی و نژادی (از جمله سیاه پوستان و آسیایی‌ها) و حتی بخش خصوصی در هسته‌های مرکزی برنامه‌های منطقه‌ای برای مشارکت حضور داشتند.

در سال‌های آخر کار برنامه توانمندسازی، جلسات به صورت منظم‌تری تشکیل می‌شد و تعداد آن‌ها از هر سه ماه یک بار به ماهی یک بار رسیده بود.

هسته‌های مرکزی برای جلب مشارکت بیش‌تر و برقراری ارتباط به شیوه‌های مختلف، شرکاء را به نشست‌ها و جلسات دعوت می‌کردند. ارسال دعوت‌نامه و استفاده از وب سایت از رایج‌ترین شیوه‌ها بود. به طوری که هر کسی که می‌خواست، می‌توانست عضوی از برنامه مشارکت منطقه‌ای باشد.

تلاش بسیاری می‌شد که دستور جلسات و نشست‌ها بین همه شرکاء و سازمان‌ها قبل از نشست توزیع شود و نتایج جلسات نیز به صورت گسترده منتشر شود. با این حال بعضی از ساختارهای ایجاد شده

به خوبی کار نمی‌کرد و به دلیل تغییراتی که در پرسنل یا رسالت و منشور سازمانی آن‌ها ایجاد می‌شد، کارایی برنامه‌های منطقه‌ای برای برنامه‌ریزی و انجام فعالیت‌ها تحت تأثیر قرار می‌گرفت. برای دستیابی به اهداف ملی، محورهای سه گانه استراتژیکی در همه مناطق ۹ گانه شامل «رشد مطالبه‌گری یا افزایش تقاضا»، «رشد منابع و امکانات یا افزایش عرضه» و «رشد شبکه‌ها» در نظر گرفته شد که در زیر با جزئیات بیش‌تری به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۳-۱- رشد مطالبه‌گری (افزایش تقاضا)

کار اصلی برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای این بود که از درگیر کردن افراد و جوامع محلی و کسب فرصت برای مشارکت و تأثیرگذاری مردم محلی روی تصمیمات محلی حمایت شود. فعالیت‌های ابتکاری موثر انجام شده در این خصوص به عنوان عوامل کلیدی موفقیت «برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت» به شمار می‌روند. مجریان «برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی» برای افزایش فرصت‌های توانمندسازی در سطح محلی و رشد مطالبه‌گری و تقاضا تلاش‌های بسیاری کردند.

چارچوب ارزیابی شاخص‌های کیفی توانمندسازی مشارکت ملی در محور رشد مطالبه‌گری (تقاضا)

- گزارش افراد مبنی بر اینکه بر تصمیم‌های محلی می‌توانند یا توانسته‌اند تأثیرگذار باشند.
- جوامع محلی صاحب دانش و اطلاعات مربوط به نحوه درگیر شدن در فرآیندهای تصمیم‌گیری شوند.
- شبکه‌های کارآمد برای حمایت از مشارکت جامعه محلی ایجاد شود.
- جوامع محلی مهارت انجام تحقیقات و پژوهش را فرا گیرند.
- اقشار حاشیه‌ای مورد حمایت قرار گیرند.

شواهد جمع‌آوری شده توسط برنامه مشارکت منطقه‌ای نشان می‌دهد که حمایت از تعداد زیادی از افراد برای شرکت در برنامه‌های توانمندسازی محلی سبب «افزایش اعتماد به نفس» «ایجاد انگیزه» و «احساس شنیده شدن» در آنان طی اجرای برنامه‌ها شده است. گزارش‌ها بیانگر آن است که افراد محلی به یک سری مهارت‌های عملی نیز مانند توانایی اداره جلسات، مدیریت پروژه و انجام پژوهش نیز دست پیدا کرده‌اند. همچنین شواهد ارائه شده نشان دهنده این است که چگونه برنامه‌های منطقه‌ای در توسعه دانش، نحوه اجرای امور توسط دولت‌های محلی، افزایش تمایل به رای دادن و انجام فعالیت‌های

داوطلبی در مردم محلات تأثیر داشته است. در واقع این برنامه‌ها باید رشد مطالبه‌گری افراد و سازمان‌ها را با افزایش دانش و مهارت و ایجاد انگیزه برای مشارکت اجتماعی بیش‌تر را تضمین می‌کردند. همچنین ذی‌نفعان برنامه‌های توانمندسازی به خوبی دریافتند که تنها راه موثر رشد تقاضا و مطالبه‌گری برای ارتقاء مشارکت عمومی، توانایی تشخیص و تحلیل دستاوردها توسط خود مردم محلی و اجرای برنامه‌ها توسط گروه‌های منطقه‌ای، کارشناسان و سازمان‌های محلی در کنار یکدیگر است.

۳-۱-۲- رشد منابع و امکانات (افزایش عرضه)

فعالیت برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت زمینه ظرفیت‌سازی مسئولین محلی و دیگر نهادهای دولتی را برای جلب مشارکت مردم و توانمند ساختن جوامع محلی فراهم می‌آورد در عین حالی که همزمان زمینه‌های کسب کمک از سوی آن‌ها را نیز بررسی می‌کرد. رشد منابع و امکانات یا افزایش عرضه به معنای فراهم ساختن تدارکات و منابع لازم برای هدف اصلی یعنی جلب حداکثری مردم و نهادها در اداره امور جوامع محلی است. این مهم در درجه نخست از طریق افزایش آگاهی‌ها از فعالیت‌های مربوط به توانمندسازی از هر طریق ممکن است، مثلاً با انتقال نتایج تحقیقات انجام شده در محور مشارکت و توانمندسازی جوامع محلی، سپیم کردن افراد بیش‌تری در تمرینات و دوره‌های آموزشی، معرفی و شناسایی الگوهای موفق، همچنین گسترش شبکه‌های موثر بین بخشی انجام می‌شد.

مجریان «برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای» جلسات متعددی را با همکاران بخش دولتی و غیردولتی تسهیل‌گری می‌کردند. این امر به پیشرفت توانمندسازی بین بخشی کمک شایانی می‌کرد. در اکثر مناطق در سال دوم و سوم برنامه، ارتباطات محکمی با ادارات دولتی ایجاد شده و بهبود در سطح منطقه‌ای و مشارکت موثر همه نهادها برای پیشبرد طرح‌های محله محور مشهود بود که به نوبه خود ارزش افزوده بیش‌تری را برای این برنامه‌ها ایجاد می‌کرد.

شواهد جمع‌آوری شده توسط «برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی مشارکتی» بیانگر آن است که نهادهای دولتی درگیر در توانمندسازی جوامع محلی می‌توانند از راه‌های متعدد و مختلفی به رشد عرضه کمک کنند. این راه‌ها عبارتند از:

- آگاهی بیش‌تر سازمان‌های خدماتی از نیازها و خواسته‌های شهروندان محلی

- بهبود کیفیت خدمات‌رسانی
 - تشخیص شکاف‌های موجود در ارائه خدمات بهینه
 - بهبود مشارکت برای همکاری با سازمان‌های محلی در ارائه خدمات بهتر
 - بهبود روابط بین کارکنان و بهره‌گیرندگان از خدمات دولتی در سطح محلی
 - مشروعیت بیش‌تر ایجاد کردن برای فعالیت‌های مشارکتی
- بسیاری از مطالعات انجام شده، ابزارها و بسته‌های آموزشی، منابع و جزوات که توسط «برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی مشارکتی» به منظور کمک به افزایش مشارکت گروه‌های محلی تولید شده در سایت «بنیاد توسعه محلی» قابل مشاهده است. ابزارها و بسته‌های آموزشی تهیه شده، حاوی تمرینات عملی و قابل دسترس برای ارتقاء مشارکت افراد بوده است و باعث ارتباط بهتر مردم با تصمیم‌گیرندگان محلی شده است. پایش برنامه نشان می‌دهد که تقریباً ۱۳ هزار نفر از مناطق مختلف در سال آخر در دوره‌های آموزشی برنامه توانمندسازی برای مشارکت ملی شرکت کرده بودند.
- همزمان با فعالیت‌های فوق، ارزش و نفوذ رسانه‌های گروهی به مثابه راه ارتباطی مهم و تأثیرگذار با جوامع محلی و با هدف افزایش روش‌های جایگزین و متنوع جدید ارتباط جمعی و اطلاع‌رسانی به منظور ایجاد مشارکت شهروندان، یکی از اثرات دیگر برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی تلقی شده بود. به کارگیری شیوه‌های اثربخش اطلاع‌رسانی و ایجاد ارتباط برای ترغیب افراد و جوامع محلی به منظور مشارکت بیش‌تر آن‌ها و تأثیرگذاری بر تصمیمات محلی که در همه مناطق توسط برنامه‌های منطقه‌ای به کار برده شد، بسیار موثر واقع شد.
- نکته مهم این است که به کارگیری عملی تکنیک‌ها و روش‌ها و دوره‌های آموزشی به صورت مداوم در محلات برگزار شدند؛ این برنامه‌های آموزشی و مشارکتی مقطعی و موقتی نبوده بلکه بخشی از فرآیند توانمندسازی محلی هستند که می‌توانند بارها و بارها انجام شوند. به این منظور مداوم هستند که:
- فرصت‌های توانمندسازی در سطح محلی را تعمیق و گسترش دهند،
 - حمایت مداوم از مردم برای ایجاد توانایی در کسب فرصت‌های توانمندسازی و دسترسی به قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری،
 - و از نمایندگان دموکراتیک محلی همیشه حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

۳-۳-۱- رشد شبکه‌ها

هماهنگ کردن فعالیت‌های توانمندسازی از طریق ایجاد شبکه‌های محلی و منطقه‌ای، برگزاری جلسات بحث و تبادل نظر و نشست‌های آزاد از محورهای اصلی اجرایی شدن «برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای» بوده است. این نشست‌ها در سهیم شدن همکاران بخش دولتی و غیردولتی در یادگیری تمرینات موثر و ترویج الگوهای موفق، موثر بود.

حمایت برنامه‌ها برای ایجاد و توسعه شبکه‌های محلی و منطقه‌ای ساختاری زیربنایی برای توسعه فعالیت‌های توانمندسازی ایجاد کرد که کلید موفقیت کارهای بعدی به شمار می‌رفت. بدین ترتیب برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای ارتقاء مشارکت نقشی حیاتی در افزایش ارتباطات قوی در درون و سرتاسر بخش‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی ایفا کردند.

در طول برنامه توانمندسازی منطقه‌ای، شبکه‌هایی پیرامون مضمون‌های خاص مانند توانمندسازی محلی، توسعه جامعه محلی، جوامع عمل‌گرا، جامعه سیاه پوستان، جامعه آسیایی‌ها و دیگر اقلیت‌های قومی- نژادی ایجاد و کمک شد که متخصصین و فعالین در زمینه‌های مختلف در این زمینه‌ها گرد هم آیند. موانعی که برای رشد شبکه‌ها وجود داشت بیش‌تر مربوط به مشکلات ناشی از الف) متحد شدن دیدگاه‌های مختلف و ب) یکسان‌سازی دستورالعمل‌های متفاوت از سوی دست‌اندرکاران مختلف محلی بود. بعضی از دست‌اندرکاران منطقه‌ای و محلی به خوبی آگاه بودند که چگونه این موانع موجب تقسیم‌بندی‌ها و مرزبندی‌ها بین افراد و سازمان‌ها می‌شوند.

شاخص‌های رشد شبکه‌ها از طریق اجرای برنامه توانمندسازی مشارکت منطقه‌ای

- ایجاد زیرساخت‌های لازم برای فعالیت‌های توانمندسازی در سطح منطقه
- پیشبرد فعالیت‌های توانمندسازی به صورت گسترده و توزیع گزارش‌ها و تحقیقات مربوطه به همه بخش‌ها
- رشد شبکه‌سازی و مبادله نمونه‌های موفق
- تدوین استراتژی‌های هماهنگ و یک کاسه کردن اطلاعات و داده‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی
- بهره‌برداری از عملکردهای موفق به منظور انعکاس در سیاست‌گذاری‌ها
- ارتقای دانش توانمندسازی در بین بخش‌های مختلف
- نهادینه شدن ارتباط پایدار نهادهای دولتی با سازمان‌ها و گروه‌های داوطلب مردمی

یک مانع دیگر در عدم موفقیت برنامه‌ها نحوه مشارکت بعضی از اعضا انجمن‌های شهر و شورایی‌ها در بعضی برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای بود. این موضوع همیشه چالشی جدی و مهم در رابطه با نحوه عملکرد قدرت‌های سنتی محلی و عدم درک ضرورت انتقال قدرت به دیگر گروه‌ها و جوامع محلی از سوی آن‌ها بوده است. به همین دلیل در الگوهای موفق مشارکت‌های اجتماعی و توسعه محلی در کشور انگلستان به اقتدارسازی و مقتدر شدن مردم محلی با دسترسی بیش‌تر شهروندان به منابع قدرت ارتباط مستقیم پیدا می‌کند.

۴-۱- اولویت‌های کاری برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت

اولویت‌های کاری در هر منطقه بر اساس تحقیق محلی و تهیه نقشه راه در سال اول برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی از طریق همان تکنیک‌ها و روش‌های مشارکتی، روشن شد. سپس دست‌اندرکاران هر منطقه مجدداً تشویق شدند تا اولویت‌های دیگری را شناسایی کنند و به این صورت طیف وسیعی از اولویت‌های محلی مورد شناسایی قرار گرفت. اولویت‌های اصلی و استراتژیک شناسایی شده در همه مناطق به ترتیب به شرح زیر بودند:

- ✓ توانمندسازی زنان (دسترسی آنان به منابع قدرت و تصمیم‌سازی)
- ✓ توسعه مشارکت
- ✓ هماهنگی پروژه‌ها و برنامه‌های حمایتی به منظور ارتقاء مشارکت
- ✓ حمایت از درگیر کردن و جلب مشارکت جوامع به حاشیه رانده شده
- ✓ ایجاد حساسیت مثبت نسبت به موضوع توانمندسازی و مشارکت

۵-۱- اولویت‌های اجرایی برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت

برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت دارای اولویت‌هایی اجرایی بودند تا به موفقیت نزدیک‌تر شوند. بخش از این اولویت‌ها به شرح زیر بوده است:

- حمایت از مسئولین محلی در ایجاد شرایط مناسب برای افزایش تعداد جمعیت ساکن محلی که احساس می‌کنند می‌توانند در مناطق خود بر تصمیم‌گیرها اثرگذار باشند (یعنی همان شاخص ملی

- انجام پژوهشهای محله محور برای اطمینان از لحاظ کردن بازخوردهای محلی در پژوهشهای توسعه محور و اجرای سیاستهای بعدی با توجه به بازخوردهای محلی
 - ترویج و ترغیب نمونههای موفق و دانشهای نوین و تطبیق آنها در سطح محلی
 - ایجاد فرصت برای سهیم کردن افراد با نقشهای مختلف از بخشهای متنوع در محله مثل فعالین اجتماعی، اعضای انجمنهای شهر، شوراییها و مسئولین دولتی به منظور مشارکت گسترده در کارگاهها، تورهای مطالعاتی و مراحل یادگیری کار مشارکتی
- برای کمک به پیشبرد کار و اطمینان از اینکه برنامههای توانمندسازی به صورت موثری با اولویتها و توافقات محلی^۱ تطبیق داده شدهاند و نیز تدوین طرحها و برنامههای اولویتبندی شده جوامع محلی، در مراحل بعدی دفاتر جنبی^۲ دیگری در کنار برنامههای منطقه‌ای راهاندازی و برای کمک به آنها ایجاد شد. همچنین تدوین «برنامه حمایت‌های هدفمند از مشارکت و توانمندسازی»^۳ اقدام دیگری برای پشتیبانی از این ۹ برنامه منطقه‌ای بود که به اجرا در آمد. هدف این برنامه‌های حمایتی توانا ساختن و باز گذاشتن بیش‌تر دست مسئولین محلی در تحقق بیش‌تر شاخص ملی چهارم (N4) بود تا بهتر بتوانند ارتباط برنامه مشارکت ملی را با گروه‌های خاص جامعه هدف محلی بهبود بخشند.^۴
- در واقع از سال اول تا سوم برنامه، بخش قابل ملاحظه‌ای از فعالیتها بر تحقق شاخص چهارم متمرکز شد و به رغم لغو این شاخص و دیگر شاخص‌های ملی در سال چهارم، همچنان هدف اصلی برنامه‌ها افزایش درگیر کردن و مشارکت شهروندانی بود که احساس می‌کردند می‌توانند در مناطق و محلات خود بر تصمیم‌گیرها اثرگذار باشند، بود.
- در یکی از گزارش‌های ارزیابی، مصاحبه‌ای با تعدادی از کارگزاران منطقه در مورد اینکه در چه مرحله‌ای احساس کرده‌اند شرکت کنندگان در برنامه‌ها می‌توانند بر تصمیمات محلی اثر گذاشته یا تغییری در جامعه ایجاد کنند، انجام شد. بر اساس نتایج این تحقیق، یکی از موفق‌ترین و مؤثرترین روش‌های جلب مشارکت شهروندان در کل برنامه ملی توانمندسازی مشارکتی، برنامه اعطاء جوایز توانمندسازی به محلات بود. در چهار برنامه منطقه‌ای جوایزی به فعالین اجتماعی و سازمان‌هایی که کار توانمندسازی را در سطح محلی پیش برده و باعث ارتقای دانش خود و دیگران در خصوص نحوه

1- Local Area Agreement (LAA)

2- RIEPs

3-Targeted Support for Empowerment and Participation Improvement (TSEPI)

۴- گزارش این برنامه‌ها و ارزشیابی‌ها در سایت www.cdf.org.uk/web/guest/nep آورده شده است.

تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های محلی شده بودند، اعطا شد. این فعالین با ابتکاری‌ترین شیوه‌ها باعث ایجاد تغییر در تمرین‌ها و فرآیندهای توانمندسازی در سطح جوامع محلی خود شده بودند.

۶-۱- اهمیت ارتباط برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی مشارکتی با ادارات دولتی

در گزارش‌های ارزشیابی برنامه‌های توانمندسازی مشارکتی منطقه‌ای اهمیت ارتباط این برنامه‌ها با ادارات دولتی مورد تأکید قرار گرفته و این ارتباط عاملی کلیدی در ایجاد مشارکت محلی تلقی می‌شود. مسئولین و کارگزاران برنامه‌های مشارکتی منطقه‌ای به طور مکرر در مورد جنبه‌های مثبت این ارتباطات صحبت کرده‌اند. البته بسیاری از واحدهای دولتی که برای حمایت از برنامه‌های توانمندسازی مشارکتی ایجاد شده بودند در دولت جدید تعطیل شده‌اند. اما با این حال بعضی از اعضای دفاتر تعطیل شده از برنامه‌های منطقه‌ای حمایت و بعضاً ضمن همکاری و وفاداری به دستورالعمل‌های توانمندسازی محلی به طور منظم در گردهمایی‌ها شرکت می‌کردند. همچنین تعدادی از آن‌ها در برنامه‌ریزی و امور اجرایی منطقه مشارکت کرده و برای ایجاد ارتباط بین برنامه‌های مشارکت منطقه‌ای و دیگر کارگزاران دولتی نقش فعالانه‌ای ایفاء می‌کردند. این افراد گزارش‌ها و سیاست‌های وقت دولتی را نیز در خصوص موضوع مشارکت محلی در اختیار هیئت مدیره برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای یا کمیته مرکزی آن‌ها که هدف اصلی آن‌ها مقتدر ساختن مردم محلی برای کسب قدرت و تفویض اختیار به آن‌ها بود، قرار می‌دادند. داشتن این اطلاعات به روز باعث می‌شد که هیئت مدیره برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای به منابع سرمایه‌گذاری از کانال‌های دولتی راحت‌تر دسترسی پیدا کنند. با مطالعه گزارش‌ها مشخص شد که فقط یکی از ۹ برنامه مشارکتی منطقه‌ای نتوانسته بود با بخش‌های دولتی مربوطه ارتباط سودمندی برقرار کند. عدم وجود رابطه باز و شفاف سبب این مشکل شده بود.

نقش ادارات دولتی، نظارت بر حسن اجرای خط مشی دولت مرکزی در منطقه می‌باشد. از نظر کارشناسان دولتی برنامه توانمندسازی محلی، سیاستی کلیدی در دولت قبلی بوده که برای اجرای برنامه «جامعه فراگیر» در دولت ائتلافی کنونی زمینه‌های لازم را به بهترین شیوه‌ها فراهم کرده است.

این گروه از کارشناسان بخش دولتی می‌گویند نتایج اجرای برنامه‌های توانمندسازی و مشارکت و گزارش‌های توسط دست‌اندرکاران برنامه‌های منطقه‌ای، برای پیشبرد کار آن‌ها نیز بسیار مفید بوده، منابع مهم و سودمندی در فعالیت‌های منطقه‌ای بعد از فعالیت‌های توانمندسازی ایجاد شده و ایجاد شبکه‌ها،

بهبود ارتباطات و مشارکت کارشناسان دولتی در نشست‌ها و جلسات طرح توانمندسازی مشارکت منطقه‌ای به پیشبرد کار ادارات دولتی نیز کمک شایانی کرده است.

تعطیلی دفاتر حمایت کننده و یا تغییر در ساختارهای دولتی حامی برنامه‌های توانمندسازی مشارکت منطقه‌ای تأثیر مطلوبی بر کار برنامه‌های توانمندسازی و کاهش منابع آن‌ها نگذاشت. تعدادی از برنامه‌های توانمندسازی مشارکتی بدون حمایت این دفاتر دولتی کار را ادامه داده و جلسات و گردهمایی‌های خود را برگزار می‌کردند. اما بعضی کارکنان دولتی بعد از تغییر ساختارها تصور می‌کردند حضورشان در جلسات، دیگر مثمر ثمر نیست. با این حال همان طور که گفته شد، تعدادی از آن‌ها در مناطق سعی کردند به حمایت خود از طرح توانمندسازی مشارکتی ادامه دهند. اما کمبود منابع مالی و شرایط پیش آمده این امر را بسیار مشکل کرده بود. مسئولین دولتی ناچار بودند در مورد اینکه چه بگویند یا چگونه برخورد کنند، دقت بیش‌تری داشته باشند.

نکته مهم این بود که اعضای دیگر جامعه محلی که در اجرای برنامه توانمندسازی در گروه‌های مشارکتی حضور داشتند، پس از تعطیلی دفاتر دولتی به طور غیررسمی به همکاری خود ادامه دادند. ولی ادامه این همکاری در میان کارکنان دولتی کمتر به چشم می‌خورد. به هر حال کلید موفقیت برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای ایجاد فرآیندی بین بخشی بود. داشتن کمیته کاری یا مرکزی که اعضاء آن از بخش‌های مختلف و سازمان‌های متفاوت تشکیل شده بود یکی از مهم‌ترین نقاط قوت برنامه‌های منطقه‌ای برای ایجاد مشارکت به شمار می‌رفت.

جزواتی در مناطق به ادارات دولتی ارائه شد تا بر آن اساس برای کار با مردم محلات و جلب مشارکت آن‌ها برنامه‌ریزی بهتری صورت گیرد. در صورت کاربرد درست این جزوات ادارات دولتی به متفاوت فکر کردن دیگران، احترام می‌گذارند و اجازه می‌دهند با اجرای پروژه‌های کوچک و ابتکار محلی تغییرات وسیعی در محله ایجاد شود.

۷-۱- اهمیت پژوهش‌ها و تحقیقات محله محور

برای روشن شدن مراحل پیشبرد فرآیند مشارکت و رشد مطالبه‌گری و بررسی موانع افزایش تقاضا از سوی جامعه محلی برای مشارکت در فعالیت‌ها، انجام پژوهش‌ها و تحقیقات محله محور ضرورت دارد. در برخی از برنامه‌های منطقه‌ای در مناطق شرق، جنوب غربی، لندن، شمال شرقی، شمال غربی و منطقه

غرب مرکزی انگلستان، انجام این تحقیقات مورد حمایت قرار گرفت و نتایج آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های محله محور به کار برده شد.

پژوهش‌های محله محور اقدام مهمی برای ایجاد توازن و تعادل بین هر دو بخش عرضه و تقاضا در امر توانمندسازی و تقویت هر دو بعد در جامعه محلی به حساب می‌آید.

به عنوان مثال یکی از برنامه‌های توانمندسازی جنوب غربی از پروژه تحقیقی «انتخاب من؛ زندگی من»^۱ حمایت می‌کرد. نکته قابل تأمل اینکه برنامه پژوهشی مذکور با همکاری و مشارکت افراد کم توان ذهنی به اجرا در آمد. این برنامه نشان داد که حتی می‌توان افراد کم توان را نیز در بهبود وضعیت جامعه طرف مشارکت قرار داد.

در این منطقه همچنین برای راه‌اندازی ۱۴ کمپین با هدف تولید دانش در محورهایی مانند بهداشت و خانه‌سازی تسهیل‌گری شد. شرکت کنندگان در این کمپین‌ها، دانش خویش را به ترتیب وارد جامعه محلی خود می‌کردند تا نتایج بهتری از مشارکت‌ها حاصل شود.

یکی دیگر از برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای بر روی پروژه‌ای تحقیقاتی به نام «ایجاد تغییر»^۲ کار کرد. هدف این برنامه پررنگ کردن طرح‌ها و برنامه‌های موثر برای تغییر و ارتقاء مشارکت در کل منطقه جنوب غربی بود. به یکی از مشاوران خبره محلی مأموریت داده شد که به داوطلبان موفق برای تهیه گزارش در مورد تأثیری که مشارکت آن‌ها بر اجرای برنامه‌ها گذاشته است، کمک کند. همین طور به سازمان‌های شرکت کننده در جلسات دو روزه گروهی درباره مهارت‌ها و تکنیک‌های لازم برای ارزشیابی فعالیت‌های مشارکتی، توصیه‌هایی ارائه شد.

تعدادی از برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای، بر موضوع جوانان و محور آموزش جوانان و نیز نحوه مشارکت آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی متمرکز بود. به عنوان مثال در جنوب غربی انگلستان، پروژه‌ای برای جوانانی که دارای رفتارهای ضد اجتماعی و مدرسه‌گریزی بودند اجرا شد. در مدارس پنج محله جوانان با چنین خصوصیتی شناسایی شدند و یک سری برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوع برای بهبود وضعیت آن‌ها به اجرا درآمد. در همه این پروژه‌ها، جوانان به مشارکت در برنامه‌ریزی محلی و بخش‌هایی که حضور کمی در آن داشتند، تشویق می‌شدند.

1- My life, My Choice

2- Making a Difference

یک نمونه دیگر این تلاش‌ها، آشکار شدن یک شکاف در اولویت‌های ملی برای مشارکت زنان در منطقه جنوب غربی انگلستان بود. بنابراین برنامه توانمندسازی منطقه‌ای با گرد هم آوردن زنان از سراسر این منطقه، با هدف کمک به بهبود وضعیت زنان، حلقه‌های ارتباط بین زنان مشارکت جو و تصمیم‌گیران را بهبود بخشیده و الویت‌های خاصی مانند خشونت خانگی یا ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی را به عنوان اولویت اول جلساتی که توسط آن‌ها تسهیل‌گری می‌شد برای بحث و بررسی بیش‌تر، شناسایی شد.

در برنامه منطقه‌ای دیگر، به توانمندسازی زنان سومالیایی از طریق شبکه سیاه پوستان جنوب غربی^۱ انگلیس کمک شد.

بنابراین طی اجرای برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی مشارکتی، به طرق مختلفی فعالیت‌های توانمندسازی در سطح محلات صورت می‌گرفت. این فعالیت‌ها کمک کرد افراد و سازمان‌ها، در تصمیم‌گیری‌های موثر محلی درگیر شوند. ارزیابی‌ها روشن می‌سازد هر جا که دلایل محکمی وجود داشته باشد که منافع شهروندان «معمولی» در طرح‌ها و برنامه‌ها تأمین می‌شود، برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی مشارکتی تأثیر و کاربرد بیش‌تری داشته‌اند. اطمینان از تأمین منافع همان شهروندان معمولی است که در ایجاد زمینه برای تهیه امکانات و تجهیزات بیش‌تر و نیز همکاری نهادهای دولتی و بخش غیردولتی و نیز رشد شبکه‌ها موثر است در غیراین صورت طبیعی است که مردم لزومی برای مشارکت نمی‌بینند.

بر اساس گزارش‌های متعدد سازمان‌های اجتماعی، برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت به بهبود ظرفیت، عضوگیری، ارتقاء ارتباطات با جامعه محلی و نهادهای دولتی و نیز تاسیس سازمان‌های اجتماعی جدید، کمک شایانی کرده است.

۸-۱- اهمیت مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری

در برنامه‌های منطقه‌ای می‌بایست آگاهی‌ها از روش‌ها و تکنیک‌های مشارکت جویی گسترش داده شده و گروه‌های اجتماعی و شهروندان به مهارت‌ها، دانش، ابزارها و شبکه‌های جدید اجتماعی مجهز می‌شدند تا توانایی مشارکت در روند تصمیم‌گیری‌های محلی را پیدا کنند.

در آخرین دوره این برنامه‌ها، بر تولید مجموعه‌ای از ابزارهای آموزشی و تبلیغی به منظور تشویق مردم تمرکز شد. به عنوان مثال در منطقه «یورک شایر و هامبر» دوره‌ها و کارآموزی‌هایی با عناوین «چگونه امور در شهر/ شهرستان/ حومه/ پیش می‌رود» برگزار شد. در این برنامه‌ها اطلاعات مربوط به فرآیندهای تصمیم‌گیری در بخش‌های دولتی، محلی و فعالین جامعه استخراج شد. این امر به تقویت آگاهی و اعتماد به نفس مردم و ساکنین محلی کمک کرد تا در فعالیت‌های آتی مشارکت کنند. این آموزش‌ها به بهبود درک جوانان از نحوه کار در سازمان‌های دولتی، روند تصمیم‌گیری و اینکه چگونه جوانان می‌توانند در فرآیندی محلی، رای و نظر خود را اعلام کنند، کمک کرد. برنامه توانمندسازی منطقه جنوب شرقی به عنوان نمونه با یک اداره دولتی محلی همکاری کرد تا به آن‌ها در درک اهمیت گفت و گو با جوانان و روش‌های جلب اعتماد آن‌ها، کمک کند.

در منطقه شمال غرب طرح‌ها و دوره‌هایی برگزار شد تا به ارتقاء درک مردم از نحوه مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی کمک کند، از جمله تولید بسته آموزشی به نام «تعاملات اجتماع محور محلی» بود. تأثیر این کار حتی بعد از اتمام برنامه توانمندسازی ماندگار است.

برای مردم به حاشیه رانده شده مانند افرادی که در یادگیری ضعیف هستند (ناتوان ذهنی)، منابعی تأمین شد تا بتوانند فرآیند سیاست‌گذاری‌های جاری را درک کرده و در روند تحقق دموکراسی محلی درگیر شده و مشارکت جویند.

برنامه توانمندسازی شمال شرقی مأموریت حمایت از همین افراد ضعیف در یادگیری (ناتوان ذهنی) را در دستور کار خود قرار داد. این فعالیت‌ها در نحوه خدمات‌رسانی و مراقبت‌های بهداشتی نسبت به این افراد تغییراتی ایجاد کرد. کارهای هدفمند زیادی زیر نظر پروژه در منطقه شمال شرق انگلیس انجام شد که برای بهبود مشارکت به درون مایه‌های اساسی توانمندسازی از جمله اهمیت رهبری محلی، حق حرف زدن مردم، اهمیت رساندن صدای مردم به گوش دیگران، توانمندسازی زنان و اقشار آسیب‌پذیر جامعه محلی متکی بود. بهره‌مندی از قدرت رسانه‌های دیداری به مثابه روشی موثر برای جلب مشارکت جوامع محلی نیز در دستور کار بود. تحقیقاتی نیز در مورد موانع عضویت مردم در انجمن‌های شهر و شورایاری‌ها در این منطقه انجام شد.

۹-۱- نقش دانشگاه‌ها

در راستای ایجاد این فرصت‌ها و ترویج و حمایت از فعالیتهای مشارکتی در کشور انگلیس از طریق آموزش و امکانات آموزشی، یکی از نکات مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، نقش پررنگی است که دانشگاهیان و متخصصین علوم اجتماعی این کشور برای اجرایی کردن برنامه‌ها با حضور پررنگ عملی در مراحل مختلف کار در محلات همراه با تعهد، ایفاء می‌کنند. تلاش و همت اساتید دانشگاهی است که لزوم تغییر نگاه و شیوه‌های تحقیق با مرکز توجه قرار دادن دانش و بینش مردم هدف در جوامع محلی، در مطالعات دانشگاهی مربوط به توسعه محلی مورد توجه قرار گرفته تا باعث شود ادبیات جدید توسعه مشارکتی در این کشور پیشرو کشورهای دیگر بشود. بسیاری از اساتید دانشگاهی نه تنها در پرورش ادبیات توسعه با نقش‌پذیری مردم جامعه هدف نقش فعالانه‌ای ایفاء می‌کنند بلکه دانش بومی و تجربه مردم را مهم‌تر و با ارزش‌تر از دانش‌های تئوریک و غیرعملی دانشگاهی قلمداد می‌کنند. بخشی از مهم‌ترین نظرات و نکات بیان شده توسط افراد سرشناسی همچون رابرت چمبرز^۱ در خصوص لزوم تغییر نگاه محققین برای کمک واقعی به مردم محلی در زیر آورده شده است که به خودی خود گویا نکته فوق است:

مشکل اصلی پروژه‌های توسعه «آن‌ها» (جامعه محلی، فقرا، اقشار کنار گذاشته شده و حاشیه‌ای) نیستند بلکه «ما» (کارشناسان بیرونی) هستیم. ما به کرات واقعیت خود را بر مردم محلی تحمیل و سلطه‌گری می‌کنیم. برای توانمندسازی مردم محلات و فقرا، تغییر «ما» ضروری است. باید به طرق جدیدی رفتار کنیم، نباید کنترل کارها را به دست گیریم و حرافی کنیم و فناوری‌های جدید را انتقال دهیم. بلکه باید تمرکز را بر حمایت و توانمندسازی کسانی بگذاریم که ضعیف و فقیر هستند. به نحوی که بتوانند واقعیت‌های زندگی خود را تجزیه و تحلیل نموده و توانایی ابراز نظرات خود را پیدا کنند. همچنین بتوانند برنامه‌ریزی کرده و بر مبنای آن عمل کنند. بدین جهت است که باید به گونه‌ای متفاوت رفتار کنیم. رفتار و نگرش ما (کارشناسان بیرونی و دانشگاهی) هست که باید تغییر کند.

بنابراین در کنار همه حمایت‌های ملی و دولتی، اکنون در کشور انگلستان تکنیک‌ها و روش‌های مختلف و متعدد به روزی در رابطه با فعالیتهای مشارکتی در جامعه محلی به همت اساتید دانشگاهی و فعالین توسعه محلی تدوین و در سطح وسیع گسترش یافته است. نقش و حضور اساتید دانشگاهی

متعهد در تهیه راهنمای عمل در خصوص نحوه گفت و گو با مردم محلی برای رسیدن به یک اتفاق نظر ساده و یا روش‌های تسهیل‌گری برای اجرای برنامه‌های عملی توسط مردم محلی با اهداف مشترک تعیین شده توسط خود مردم، بسیار ارزشمند بوده است. این اساتید دانشگاهی هستند که در خط مقدم پیشبرد روش‌ها و تکنیک‌های نوین جلب مشارکت مردم کار می‌کنند و بعضاً در جوامع محلی وقت صرف کرده و حتی با جوامع محلی زندگی می‌کنند. موارد متعددی از تکنیک‌ها و روش‌های جلب مشارکت را می‌توان ذکر کرد که در همه آن‌ها رسیدن به چشم‌انداز مشترک از طریق جلب مشارکت مردم محلی، در خصوص شناسایی مشکلات، تدوین راهکارها و برنامه‌هایی اجرایی برای حل مشکلات، هدف نهایی است. استفاده از ابزارهای کمک آموزشی سمعی و بصری و برگزاری نشست‌های کارگاهی غیررسمی اما هدفمند و مداوم، از اصول کاری این متخصصین عمل‌گرا است. برنامه‌های سازماندهی شده دقیقی که در آن همه اقشار مختلف جامعه محلی در کنار کارشناسان از رشته‌های مختلف برنامه‌ریزی شهری به صورت برابر کار می‌کنند تا روش‌های کار مشارکتی را در کنار یکدیگر فرا گیرند. تکنیک‌ها و روش‌هایی مثل:

- ارزیابی مشارکت روستایی
- روش‌های تحقیق مشارکتی
- روش‌های تحقیق کیفی
- نیازسنجی مشارکتی
- ارزشیابی مشارکتی
- برنامه‌ریزی استراتژیک مشارکتی
- مستندسازی مشارکتی
- تعیین شاخص‌های مشارکتی
- تمرین‌ها و بازی‌های بزرگسالان مثل تئاتر و فراگرفتن مفهوم کار گروهی در قالب بازی از تکنیک‌های مهم آن‌ها می‌باشد.
- برگزاری میز گرد‌های بحث و گفتگو، نشست‌های متمرکز، مصاحبه‌های گروهی ... از مهم‌ترین شیوه‌های نظرخواهی و مصاحبه‌های جمعی با مردم محلی می‌باشد.

۱۰-۱- جدول امکان‌سنجی برای استمرار برنامه‌های منطقه‌ای توانمندسازی مشارکتی

(گزارش به بنیاد توسعه محلی - ژانویه ۲۰۱۱)

این جدول به گروه‌ها و تشکلهای غیردولتی متعددی اشاره دارد که فعالیت‌های توانمندسازی منطقه‌ای را برای جلب مشارکت مردم و گروه‌ها در سراسر کشور انجام می‌دادند. در زمان تهیه این جدول، طرح توانمندسازی برای مشارکت در هر منطقه در یک مرحله خاص از کار متمرکز بود، ولی این جدول به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حدی در برنامه‌ریزی‌ها و ساختارهای تشکیل شده، انعطاف وجود داشته است. نقش پر رنگ تشکلهای غیردولتی برای اجرای این طرح ملی، نکته مهم دیگری است. نکته با اهمیت دیگر در رابطه با این جدول این است که مثل هر جای دیگر دنیا نشان می‌دهد که چگونه با تغییرات اداری و معرفی طرح‌های جدید از سوی دولت جدید، از جمله پروژه «جامعه فراگیر»، از سوی دولت وقت که از سال ۲۰۱۱ در انگلیس روی کار آمده است، فعالیت بعضی از تشکلهای شبکه‌های شکل گرفته قبلی، کمتر و یا متوقف شده است.

۹ منطقه تعیین شده	برنامه‌ها	دستگاه مسئول برای پیگیری	آیا برنامه منطقه‌ای برای توانمندسازی مشارکتی ادامه پیدا خواهد کرد؟	برنامه‌های در نظر گرفته شده برای پایداری طرح
۱. منطقه شمال غرب	توسعه و گسترش فرآیندها و فعالیت‌های مربوط جلب مشارکت با توجه به اصول کلی کار و موارد تأثیرگذار در منطقه	موسسه Creating Excellence ادامه می‌دهد.	بله، اما به شکل کاهنده به سایت زیر مراجعه کنید http://www.creatingexcellence.org.uk	موسسه Creating Excellence ادامه می‌دهد اما با حجم فعالیت کمتر برنامه این موسسه در حال حاضر تسهیل‌گری برای شبکه‌سازی است.
۲. منطقه شمال شرقی	در مرحله بررسی راه‌ها و روش‌های شناسایی عوامل جلب مشارکت و همکاری در منطقه، توسعه استراتژی‌ها	شورای محلات جنوب شرق روستایی به کار ادامه می‌دهد. South East Rural Communities Council (SERCC)	خیر، برنامه منطقه‌ای برای توانمندسازی مشارکتی ادامه نخواهد یافت.	برای شبکه‌سازی به ویژه در فضای مجازی کار خواهد کرد.

۹ منطقه تعیین شده	برنامه‌ها	دستگاه مسئول برای پیگیری	آیا برنامه منطقه‌ای برای توانمندسازی مشارکتی ادامه پیدا خواهد کرد؟	برنامه‌های در نظر گرفته شده برای پایداری طرح
۳. منطقه جنوب شرقی	گسترش پروژه از طریق ملاقات با مسئولین دولتی و سایر شرکاء، مذاکره برای سهیم شدن در منابع موجود، استمرار دوره‌های آموزشی اینترنتی، گسترش برنامه‌های همکاری با گروه‌های مذهبی، اجرای پروژه برای کارکنان، کتابخانه اینترنتی، جوایز توانمندسازی	شبکه سازمان‌های داوطلبانه جنوب شرقی به کار ادامه می‌دهد Voluntary Organization's Network North East (VONNE)	بله برنامه منطقه‌ای برای توانمندسازی مشارکتی به کار خود ادامه می‌دهد. http://www.vonne.org.uk	این شبکه به منظور ادامه کار، منابعی از برنامه منطقه‌ای توانمندسازی را جذب کرده و برنامه‌هایی برای ایجاد کتابخانه اینترنتی و شبکه‌سازی در دست اقدام دارد.
۴. منطقه غرب مرکزی	منابع توسط TSEPI تأمین شده اتصال به سایت اینترنتی مشارکت و دیگر سایت‌ها قراردادهای محلی مشارکتی جریان دارد در آن‌ها جذب منابع مالی از طریق همکاری با دستگاه‌های دولتی و دیگر نهادهای محلی آورده شده است.	برنامه عمل غرب مرکزی به کار ادامه می‌دهد Regional Action West Midlands (RAWM)	خیر	RAWN به کار ادامه می‌دهد اما جذب منابع از سوی برنامه ملی توانمندسازی مشارکتی و TSEPI متوقف شده است.
۵. یورک شایر و هامبر	به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای مشارکت با شبکه‌های موجود است.	ادامه کار موسسه رشد و حمایت از سازمان‌ها و محلات Communities and Organisations: Growth and Support (COGS)	بله بعضی از فعالیت‌ها ادامه دارد http://www.yhep.org.uk	برنامه آن اکنون شبکه‌سازی با همکاری شبکه فعالین محلی یورک شایر است. Yorkshire Community Activist Network

۹ منطقه تعیین شده	برنامه‌ها	دستگاه مسئول برای پیگیری	آیا برنامه منطقه‌ای برای توانمندسازی مشارکتی ادامه پیدا خواهد کرد؟	برنامه‌های در نظر گرفته شده برای پایداری طرح
۶ لندن	کمیته کاری در حال بررسی استراتژی‌ها در محورهای مهم فعالیت‌ها، ساختار و اهداف است. اهداف برنامه‌های آینده: شبکه‌سازی، فعالیت‌های ترویجی و تبلیغی	تریبون آزاد شهروندی لندن به کار ادامه می‌دهد. London Civic Forum (LCF)	بله در این سایت آورده شده است http://www.londoncivicforum.org.uk/programs/london-empowerment-partnership	تداوم کار LCF کوشش در جلب حمایت برنامه‌های مربوطه تا شبکه‌سازی‌ها و شراکت در منابع محقق شود.
۷ جنوب غربی	موسسه «زندگی ما» یک موسسه کارآفرینی در خصوص بهداشت و رفاه در ناحیه شمال غربی کشور کار را بر عهده خواهد گرفت.	شورا یاس تا کپورت متروپولیتن مسئول است و به کار ادامه خواهد داد. Stockport Metropolitan Borough Council	بله خدمات رسانی توسط موسسه Our Life ادامه خواهد داشت	NWTWC تا ۳۱ مارس ۲۰۱۱ ادامه می‌دهد، پس از آن کار توسط موسسه Our Life پیش خواهد رفت.
۸ شرق انگلیس	گروه مشاور غیررسمی نام شبکه شرقی توانمندسازی محلات را برای خود انتخاب کرده و به ملاقات‌های غیررسمی و داوطلبانه ادامه می‌دهد. اولین جلسه برای ژوئن ۲۰۱۱ تنظیم شده است. در چهار سال گذشته منابع معرفی و به کتابخانه اضافه شده‌اند. سایت موسسه تا سال ۲۰۱۲ باز است. www.Inspire East	موسسه Inspire East دیگر ادامه نخواهد داد.	برنامه منطقه‌ای توانمندسازی مشارکتی به شکل کنونی دیگر فعال نخواهد بود.	گروه مشاور داوطلب به کار تسهیل‌گری برای شبکه‌سازی ادامه خواهد داد. شبکه اقلیت‌های قومی و نژادی ^۱ نشست‌ها و آموزش‌های عملی را برگزار می‌کند موسسه «مشارکت در خط اول» ^۲ هم پروژه ای در دست دارد که تا آگوست ۲۰۱۲ دارای منابع مالی است.
۹ شرق مرکزی	http://www.emep.org.uk http://www.eastmildlandsiep.uk	خیر	خیر	نا معلوم

۱۱-۱- درس‌های آموخته شده از اجرای برنامه‌های منطقه‌ای برای توانمندسازی مشارکتی

اهم تجربیات و درس‌هایی که از اجرای برنامه توانمندسازی مشارکت منطقه‌ای طی فعالیت دولت قبلی به دست آمده است، به شرح زیر است:

- توسعه محلی پیش شرط لازم برای توانمندسازی محلی است و این امور به وقت کافی نیاز دارند. تغییرات فرهنگی بسیار زمان بر هستند، در کوتاه مدت دست نیافتنی هستند و حتی ممکن است یک برنامه ده ساله برای ایجاد بعضی تغییرات مورد نظر فرهنگی لازم باشد.
- کار توانمندسازی مشارکتی با توجه به شرایط موجود در محلات آغاز می‌شود و نه با ایده یا نظراتی که از بیرون به محلات تحمیل می‌شوند.
- نتایج برنامه‌های مشارکتی دارای بار شخصی است. به این معنا که این برنامه‌ها با افراد و دیدگاه‌های آن‌ها ارتباط مستقیم دارد. بنابراین برنامه‌های ترویجی و تبلیغی در جلب نظر افراد محلی دارای کارکرد موثر است.
- برای ایجاد شرایط مناسب توسعه محلی، به منابع نیاز است. در عین حالی که منابع مالی اندک هم اگر با رای و نظر مردم هزینه شوند، می‌تواند اثربخشی زیادی در محلات داشته باشد.
- نیاز به حمایت نهادهای دولتی که به همین منظور تاسیس می‌شوند و ایجاد ارتباط بین آن‌ها و برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای و محلی عامل کلیدی برای موفقیت به شمار می‌آید.
- ایجاد ظرفیت در نهادهای دولتی دیگر برای مشارکت در فرآیندها و برنامه‌ها مورد نیاز است.
- تبادل تجربیات و نظرات، بین همه بخش‌ها، راهکاری مهم و موثر به شمار می‌آید.
- توجه و تاکید بر فرآیند و نتایج کارهای مشارکتی، در توسعه شبکه‌های مشارکتی مهم است.
- توجه به زمان لازم به منظور ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری و روحیه کار جمعی و مشارکتی با یکدیگر برای توسعه محلی، ضرورت دارد.

اکنون سیاست‌های دولت کنونی انگلیس متمرکز بر بومی گرایی و پیشبرد طرح «جامعه فراگیر» است. به این معنی که کارشناسان خبره ای که درگیر در برنامه توانمندسازی ملی برای ارتقاء مشارکت بوده‌اند، می‌توانند همکاری خود را در برنامه‌های توانمندسازی دولت جدید ادامه دهند. بدیهی است که تصمیم‌گیرندگان سیاست ملی و محلی و همین طور متخصصین بایستی به جای خلق روش‌های جدید از روش‌های موجود نیز بهره‌گیری کنند.

پس بنابراین سیاست‌گذاران برای ابقاء و ادامه دستاوردهای کار توانمندسازی ملی، منطقه‌ای و محلی می‌توانند مطمئن شوند که شواهد و تجارب به دست آمده در بدنه کارشناسی دولت برای پیشبرد طرح توسعه «جامعه فراگیر» و «برنامه عمل» ادامه خواهند داشت. استراتژی‌ها و تمرین‌های توانمندسازی جامعه محلی و همه نتایج فعالیت‌های مربوط به آن‌ها تحت هر نام یا پروژه‌ای به طور تنگاتنگی هم سو هستند. به عنوان نمونه در همه آن‌ها تفویض قدرت بیش‌تر به قدرت‌های محلی به منظور مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها و شکل دادن به حومه و محله یا منطقه خودشان، تشویق و ترغیب مردم برای ایفای نقش فعالانه‌تر در جامعه محلی، جهت‌گیری اصلی همه فعالیت‌ها توسعه محلی است.

منابع و دانش و ظرفیت ارتباطاتی و نیروی انسانی که در طول برنامه ملی توانمندسازی برای مشارکت پرورنده شده و یا تربیت شده‌اند، همزمان با قطع سرمایه‌گذاری‌ها و تغییر در سیاست‌گذاری‌ها از بین نمی‌رود. روش‌ها و فرآیندهای کلیدی که از طریق برنامه ملی در مناطق توسعه یافته و اجرا شده‌اند، به فعالیت‌های داوطلبانه و اقدامات اجتماعی منجر شده‌اند که «نوسازی و احیاء موثر جامعه»، «تشویق و ترغیب مشارکت جوانان»، «قدرت بیش‌تر بخشیدن به شهروندان» و «تحقق و پایداری دموکراسی» را هدایت می‌کنند.

۲- برنامه‌های محلی برای توانمندسازی مشارکتی

برنامه‌های استراتژیک مشارکت محله^۱ (LSPs) یکی دیگر از اسناد تدوین شده در کشور انگلستان به منظور مشارکت بیش‌تر جامعه محلی بود که بعد از برنامه‌های ملی و منطقه‌ای معرفی شدند. نکته جالب این است که این برنامه‌ها در مسیر جلب مشارکت محلی متحدالشکل و خطی نبودند. بلکه روند امور و شکل‌گیری و نظم و ترتیبات اداری در این برنامه تا حد زیادی متغیرو متفاوت از یکدیگر بوده است، چنانچه تعداد اعضای جامعه محلی که به عنوان هیئت مدیره هر محله، آن را اداره می‌کردند، می‌توانست بین ۱۲ تا ۶۰ نفر متغیرباشد. اعضای این هیئت مدیرها از سوی آحاد جامعه یا سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های وابسته به صورت داوطلبانه انتخاب می‌شدند. ممکن هم بود از طریق سازمان‌های مشارکت کننده بعضی افراد برای مشارکت تمام وقت در برنامه استخدام شوند.

در این بخش از مطالعه نقاط قوت و امتیازات این برنامه‌ها و نیز یک سری از مشکلات چنین تشکیلات متنوع و گسترده‌ای مرور شده است.

جلب مشارکت حداکثری جامعه محلی به عنوان اصل و اساس سنجش موفقیت در «برنامه استراتژیک مشارکت محلی» و شاخصی اصلی برای موفقیت در نظر گرفته شده بود. جلب مشارکت محلی در ایجاد ارزش افزوده بسیار مؤثرتر از گزارش‌های تفصیلی و مطول دیوان سالارانه اداری در نظر گرفته شده بود که همیشه توسط متخصصین تهیه می‌شوند.



یکی از متخصصین برنامه‌های مشارکت محله محور^۱ می‌گوید: «ما تعیین کننده نیازها و خواسته‌ها، شرایط و چگونگی انجام امور، پیش شرط‌ها و حتی اولویت‌بندی کارها در محلات نیستیم. اما می‌خواهیم مطمئن شویم که برنامه‌های مشارکتی به جذب حداکثری منجر شوند. یعنی همه نمایندگان جامعه محلی، تجاری و بخش‌های داوطلبانه، همچنین نمایندگان حکومت‌های محلی در تدوین و اجرای برنامه‌ها مشارکت داشته باشند.»

انجمن حکمرانی‌های محلی^۲ در گزارش سال ۲۰۰۹ خود تحت عنوان «ما می‌توانیم، عمل می‌کنیم» آورده است: برنامه‌های استراتژیک مشارکت محلی به این منظور تدوین شده‌اند که محلات بتوانند به صورت هماهنگ‌تری با هم کار کنند. در این صورت بهبود کیفیت زندگی جامعه محلی، مدیریت بهتر و حکمرانی مطلوب از طریق یک استراتژی واحد و منسجم که در آن صدای مردم محلی نیز منعکس شده است، تحقق می‌یابد. همزمان امکان پاسخگویی مؤثرتر و بهتر را نیز تضمین می‌کند. هیئت‌های مدیره محلی برای اجرای این برنامه‌ها از افراد مسئول و معتمد محلی تشکیل شده‌اند. این خود آن‌ها هستند که باید راه‌های ارتباط مؤثر بین خود و جوامع محلی را پیدا کنند.

1- Hillary Armstrong, Local Strategic Partnership Consultation Document, October 2000

2- Local Government Association

برنامه‌های استراتژیک محلی سطح سوم از برنامه‌های مشارکتی سراسری بود که برای درگیر کردن هر چه بیش‌تر جامعه محلی در برنامه‌ریزی‌ها به اجرا در آمد. یک سری شاخص هم نیز به عنوان شاخص‌های ملی برای ایجاد محلات قوی و پررونق به منظور اجرا در سطح محلات به همین منظور استخراج شد.

نماینده جامعه محلی: «من فکر می‌کنم ما بدون برنامه مشارکت استراتژیک محلی نمی‌توانستیم به جایی که اکنون قرار داریم برسیم. زیرا سازوکاری برای انجام این گفتگوها و نشست‌ها وجود نداشت.»

برخی از مردم استدلال می‌کردند که فرآیند و مراحل برنامه استراتژیک مشارکت محلی از نظر کیفی متفاوت با کارهای مشارکت محلی است که قبلاً اجرا شده بود. بخشی از این تفاوت و برتری کیفی مربوط به تأکید بر اجرای برنامه مشارکتی در سطح محلی و بخشی دیگر مربوط به این بود که جامعه محلی به طور گسترده‌ای درگیر برنامه‌ها شده بودند. یک نماینده محلی دیگر در محله محرومی از شهر لندن در قضاوت محتاطانه‌تری گفت: «فکر می‌کنم امروز روابط بهتر و درک بالاتری نسبت به قبل درباره محله خود داریم. هر کسی البته ممکن است قضاوتی درباره برنامه استراتژیک مشارکت محلی داشته باشد، ولی در مجموع کار خوبی است و تعجب می‌کنم که چرا قبلاً خودمان چنین ایده‌ای درباره مشارکت نداشته‌ایم.»

ارزشمندترین نتایج مشارکت دادن جامعه محلی در اداره امور عبارتند از:

- در جریان اجرای فرآیندهای توانمندسازی محلی، مردم محلی کیفیت روابط اجتماعی و زندگی اطراف خود را یکپارچه و هماهنگ - نه مثل تکه‌های از هم جدا - تجربه می‌کنند. مثلاً پی می‌برند که دستیابی به خدمات بهداشتی و آموزشی بستگی به تأمین مناسب سیستم حمل و نقل داشته و همین طور وضعیت بیمارستان‌ها، کیفیت جراحی‌ها، حتی بهبود وضعیت مدارس و دانشگاه‌ها به صورت زنجیره‌ای به مسائل دیگری مربوط هستند؛ درک اینکه چگونه امنیت عمومی در جامعه بر انواع خدمات، رونق کسب و کار و روبه راه شدن تجارت تأثیر می‌گذارد. مردم و جامعه محلی با درک این رابطه‌ها بر نحوه تأمین خدمات محلی آگاهی بیش‌تری پیدا می‌کنند.
- وقتی مردم محله می‌فهمند که برای چه کاری و در چه سطحی و به چه کسی یا کسانی باید مراجعه کنند و تصمیم‌گیران کدام‌ها هستند، به طور مستقیم به سر منشاء حل مسئله رجوع می‌کنند. این به منزله گسترش ارتباطات افراد محلی با شبکه‌های سیاست‌گذاری است که آخرین حلقه‌های ارتباط اجتماعی پایدار میان مردم و سیاست‌گذاران به منظور توزیع قدرت هستند. ایجاد

ارتباط بین ارائه دهندگان خدمات و جامعه محلی، نمایندگان گروه‌های مختلف و ذی‌نفع را در سطح محله قادر می‌سازد به مدیران رده بالا و سیاست‌گذاران محلی و منطقه‌ای دسترسی پیدا کرده و آنان را از تأثیر تصمیمات و نتیجه اقدامات مطلع سازند.

- در بسیاری از موارد، نمایندگان محلی با صحنه‌گذاران بر تأثیر مشارکت آن‌ها در جلسات و برنامه‌ها می‌گویند: این تعاملات باعث «تغییرات کوچکی» می‌شود که در زندگی محلی ما «تأثیرات بزرگی» دارد.
- نمونه‌های فراوانی وجود دارد که در جریان اعمال برنامه استراتژیک مشارکت محلی، مسئولین و مردم به جای عکس‌العمل رایج مبتنی بر «تقصیر من نیست»، به همکاری خلاقانه برای حل مشکل و اینکه «چگونه می‌توانیم» با یکدیگر مشکل را حل کنیم، روی آورده‌اند.



انداختن سنگریزه در دریاچه

سطح نامحسوس‌تر در فرایند ایجاد مشارکت محلی، گسترش ارتباط‌سازی است. ارتباط‌سازی مثل انداختن یک سنگریزه در دریاچه توصیف شده است که به صورت موج و دوار جامعه محلی را در بر می‌گیرد و همه از آن باخبر می‌شوند. به عبارت دیگر نقش نمایندگان جوامع محلی در «برنامه‌های استراتژیک ارتقاء مشارکت محلی» ماهیت انسانی‌تر دادن و کمک به ایجاد درک شخصی بیش‌تر از مفهوم تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌ها است؛ امری که تکمیل کننده نگاه صرفاً تخصصی به امور مربوط به محله از نگاه کارشناسان و اقدامات از پیش تعیین شده برای بهبود وضعیت محلات است. با اشراف پیدا کردن بر چشم‌انداز مد نظر جامعه محلی نمایندگان مردمی می‌توانند در مورد مسائل مهم محلی خود مانند فقر، زنان، امکان دسترسی به منابع یا روش‌های جلب کمک بیش‌تر از سوی ارائه دهندگان خدمات صحبت کرده و فعالان مختلف را برای همکاری بهتر، هدایت کنند.

البته خطر انداختن سنگریزه‌ها در دریاچه این است که امکان دارد هیولاهای زیر آب نیز بیدار شوند و باعث شوند که برخی از فعالین محلی و مسئولین وارد نزاعهای تندی شوند و افراد با احساسی آسیب دیده و دلگیر ناشی از کنار گذاشته شدن توسط دیگران، رها شوند.

از تلخ‌ترین آسیب‌ها در کار مشارکتی نیز مربوط به آن‌هایی است که هرگز دیده نمی‌شوند و اصلاً فرصت صحبت کردن پیدا نمی‌کنند. آنان ضعیف‌تر از این هستند که در فرآیند یادگیری و توانمندسازی حضور پیدا کنند.

هر جا که کمبود و شکافی در به کارگیری روش‌های شفاف وجود داشته باشد و برنامه‌های توانمندسازی نتوانند از پس حل مشکلات چالش برانگیز و تعارضات بالقوه بین گروه‌های مشارکت کننده به صورت شفاف برآیند، همان موقع است که نمایندگان جامعه محلی احساس می‌کنند که از میدان عمل کنار گذاشته شده و این دیگران هستند که تصمیم‌گیر اصلی هستند، بنابراین اعتماد آن‌ها به تدریج سلب می‌شود.

۱-۲- شاخص‌های تعیین شده برای داشتن محلات قوی و پررونق در انگلیس

در سال ۲۰۰۶ «سند ملی محلات قوی و پر رونق» توسط دولت مرکزی در انگلستان به تصویب رسید. در این سند بر ایجاد فضای آزادتر برای دولت‌های محلی و انعطاف بیش‌تر در تعیین اولویت‌ها تاکید شد. در واقع این سند زمینه لازم برای آزاد گذاشتن دست دولت‌های محلی در تشخیص اولویت‌ها بر اساس نیازهای محلی را فراهم کرد. همچنین دولت‌های محلی بر اساس مصوبات سند ملی محلات قوی و پررونق پاسخگوی فعالیت‌های انجام شده، توسط ارگان‌های مربوط به خود شدند.

برای راحت‌تر شدن کار تعداد ۱۲۰۰ شاخص ملی به ۱۹۸ شاخص برای کار در محلات کاهش یافت. این امر نشان می‌دهد که دولت مایل بود با کمتر کردن و ساده‌سازی شاخص‌ها، با کمک و مشارکت خود محلات به تحقق این شاخص‌ها توجه شود. در قالب یک تفاهم نامه محلی شاخص‌های محلی تنظیم می‌شد تا در کنار دیگر شاخص‌های ملی به نیازهای مردم محلی نیز پاسخ مناسب داده شود.

۱۹۸ شاخص در قالب ۷ محور برای توجه در سطح محلات تنظیم شدند، شامل:

محور اول: جامعه محلی قوی‌تر

محور دوم: جامعه ایمن‌تر

محور سوم: محور کودکان و جوانان

محور چهارم: بهداشت و رفاه

محور پنجم: از بین بردن تبعیض و ایجاد تساوی

محور ششم: اقتصاد محلی

محور هفتم: محیط زیست و توسعه پایدار

هدف اساسی از تعیین و پیگیری این شاخص‌ها، ارتقای حداکثری فرصت‌های شغلی برای همه اقشار، امحای فقر کودکان، بهبود فرصت‌های آموزشی برای کودکان و نوجوانان، اطمینان از مراقبت‌های اجتماعی برای همه، اجتناب از آثار ضرر بار الکل و مواد مخدر، ایجاد محلات ایمن‌تر برای جوانان و اقشار آسیب‌پذیر، بهبود اقتصادی محله، بهبود بهداشت و محیط زیست محله و در نهایت تحقق عدالت اجتماعی بیش‌تر، بود.

برای هر یک از ۷ محور مورد اشاره نیز یک سری شاخص‌ها کیفی و کمی تعریف شد که در جدول زیر آورده شده است:

۱-۱-۲- شاخص‌های در نظر گرفته شده برای محور اول «جامعه محلی قوی»

- ۱- درصدی از مردم که اعتقاد پیدا کرده‌اند، افراد با سوابق متفاوت می‌توانند گرد هم جمع شوند.
- ۲- درصدی از مردم که احساس می‌کنند به محله‌شان وابستگی دارند.
- ۳- مشارکت جامعه مدنی در امور محلی
- ۴- درصدی از مردم که احساس می‌کنند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله می‌توانند تأثیرگذار باشند.
- ۵- رضایت کلی مردم در مورد جامعه محلی خود
- ۶- مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه رایج
- ۷- ایجاد محیطی برای رونق گرفتن جامعه مدنی
- ۸- مشارکت سالمندان در ورزش
- ۹- استفاده از کتابخانه‌های محلی
- ۱۰- بازدیدها از موزه‌ها و گالری‌ها
- ۱۱- درگیر شدن جامعه محلی در فعالیت‌های هنری
- ۱۲- رد یا تعویض مجوز ایجاد خوابگاه‌های چند منظوره برای جلوگیری از روند مهاجرت غیرقانونی
- ۱۳- مهارت و دانش مهاجرین در مورد زبان انگلیسی
- ۱۴- ممانعت از دیوان‌سالاری و تردد متقاضیان در ادارات دولتی

۲-۱-۲- شاخص‌های در نظر گرفته شده برای محور دوم یعنی «جامعه محلی ایمن‌تر»

- ۱۵- شناسایی نرخ جرائم خشونت‌آمیز
- ۱۶- شناسایی نرخ جرائم مالی در محله
- ۱۷- شناسایی رفتارهای ضد اجتماعی
- ۱۸- شناسایی زنان ویژه که مورد تهاجم جنسی قرار می‌گیرند
- ۱۹- شناسایی افرادی که مورد تهاجم جوانان بزهکار قرار می‌گیرند
- ۲۰- شناسایی کسانی که مورد هجوم حملات جنایت‌آمیز قرار می‌گیرند
- ۲۱- شناسایی نگرانی‌های محلی با رفتارهای ضد اجتماعی و جنایات توسط اعضای انجمن محلی یا پلیس
- ۲۲- شناسایی والدین مسئولیت‌پذیر در قبال رفتارهای کودکان خود در محله
- ۲۳- شناسایی مردمی که در محله با یکدیگر رفتار محترمانه و متواضعی دارند
- ۲۴- احساس رضایت از روش پلیس و اعضای انجمن محلی در قبال رفتارهای ضد اجتماعی از سوی ساکنین
- ۲۵- احساس رضایت گروه‌های مختلف از روش برخورد پلیس و شورای محلی با رفتارهای ضد اجتماعی
- ۲۶- حمایت‌های خاص از قربانیان خشونت‌های جنسی
- ۲۷- میزان درک پلیس و شورای محل از نگرانی‌های مردم درباره رفتارهای ضد اجتماعی و جنایات
- ۲۸- نرخ جنایت با اسلحه سرد
- ۲۹- نرخ جنایت با اسلحه گرم
- ۳۰- نرخ بازگشت به جرم پس از مجازات و آزادی
- ۳۱- نرخ بازگشت متجاوزین جنسی پس از مجازات و آزادی
- ۳۲- نرخ تکرار خشونت‌های خانگی
- ۳۳- نرخ تکرار حملات همراه با به آتش کشیدن ساختمان‌ها
- ۳۴- خشونت‌های خانگی منجر به قتل
- ۳۵- شناسایی منازل متعلق به افراط‌گرایان خشن
- ۳۶- حفاظت از حملات تروریستی
- ۳۷- میزان آگاهی از حفاظت شهروندان در محل
- ۳۸- نرخ جرائم مربوط به قاچاق مواد مخدر

- ۳۹- نرخ مراجعات بیمارستانی ناشی از افراط در مصرف الکل
 - ۴۰- درمان موثر معتادین
 - ۴۱- شناسایی جرائم ناشی از مصرف الکل
 - ۴۲- شناسایی موارد مربوط به مصرف مواد مخدر
 - ۴۳- تعداد محکومین جوان مراکز اصلاح و تربیت
 - ۴۴- ترکیب نژادی خاطیان آزاد شده
 - ۴۵- اطمینان از دسترسی جوانان خاطی به تحصیلات، شغل و آموزش
 - ۴۶- اطمینان از دسترسی جوانان خاطی به اسکان مناسب
 - ۴۷- نرخ مرگ و میر یا آسیب دیدگی‌های جدی در تصادفات جاده‌ای
 - ۴۸- نرخ مرگ و میر یا آسیب دیدگی کودکان در تصادفات جاده‌ای
 - ۴۹- تعداد آتش سوزی‌ها و آسیب دیدگی یا مرگ و میر ناشی از آن
- ۳-۱-۲- شاخص‌های محور «کودکان و جوانان» در محله
 - ۵۰- بهداشت روانی کودکان
 - ۵۱- بررسی تأثیر خدمات بهداشت روانی بر روی کودکان و بزرگسالان
 - ۵۲- بهبود تغذیه در مدارس
 - ۵۳- گسترش فرهنگ تغذیه با شیر مادر طی شش تا هشت هفته پس از تولد
 - ۵۴- اطمینان از خدمات‌رسانی به کودکان معلول
 - ۵۵- اضافه وزن در میان کودکان مقطع ابتدایی
 - ۵۶- اضافه وزن در میان کودکان پیش دبستانی
 - ۵۷- اطمینان از مشارکت کودکان و نوجوانان در ورزش
 - ۵۸- اطمینان از سلامت روانی و احساسی کودکان نیازمند مراقبت نیازمند مراقبت
 - ۵۹- ارزیابی اولیه مراقبت‌های اجتماعی از کودکان نیازمند مراقبت پس از یک هفته
 - ۶۰- ارزیابی مراقبت‌های اجتماعی از کودکان پس از ۳۵ روز از شروع مراقبت
 - ۶۱- توجه به ثبات و تداوم مراقبت از کودکانی که به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌اند.

- ۶۲- توجه به ثبات و تداوم امنیت مکانی کودکان تحت مراقبت
- ۶۳- تداوم ثبات امنیت مکانی کودکان تحت مراقبت
- ۶۴- اطمینان از زمانبندی صحیح مراقبت از کودکان تحت مراقبت (دو سالانه)
- ۶۵- اطمینان از مراقبت از کودکان بر اساس سند حفاظت از کودک^۱
- ۶۶- نظارت بر وضعیت کودکانی که در یک دوره زمانی تحت مراقبت بوده‌اند.
- ۶۷- محافظت از کودکانی که در یک دوره زمانی تحت مراقبت بوده‌اند
- ۶۸- بررسی احکام مربوط به کودکان خاطی و روند بهبود وضعیت آنها
- ۶۹- نظارت بر کودکان و نوجوانانی که سابقه زورگویی نسبت به بچه‌های کوچک‌تر را دارند.
- ۷۰- نرخ رجوع به بیمارستان‌ها بر اثر صدمات عمدی و غیرعمدی به کودکان و نوجوانان
- ۷۱- شناسایی کودکانی که در شب از خانه یا مدرسه فرار می‌کنند.
- ۷۲- دستیابی حداکثری به اهداف سند ملی مربوط به دوره اول زندگی و گزارش مربوط به توسعه ذهنی و اجتماعی افراد و ارتباطات، زبان و سوادآموزی^۲
- ۷۳- دستیابی به سطح چهار (نمرات خوب) در دروس زبان و ریاضی (از این شاخص تا شاخص شماره هشتاد و پنج مربوط به سطوح مختلف دستیابی به آموزش زبان، ریاضی و علوم می‌باشد).
- ۸۶- نظارت بر اعمال استانداردهای رفتاری در مدارس
- ۸۷- نرخ غیبت مداوم کودکان و نوجوانان از مدرسه در مقطع راهنمایی
- ۸۸- تعداد مدارس در محله
- ۸۹- تعداد مدارس ویژه
- ۹۰- افزایش نرخ نوجوانان ورودی به دوره دیپلم در محله
- ۹۱- مشارکت جوانان ۱۷ ساله در آموزش‌ها و تحصیلات
- ۹۲- کاهش شکاف‌های آموزشی (از این شاخص تا شاخص صد و پنج مربوط به کاهش شکاف‌ها در مدارس است).
- ۱۰۶- نظارت بر جوانانی که با سابقه ضعیف مالی به مقاطع بالاتر آموزشی دست می‌یابند (شاخص ۱۰۷ و ۱۰۸ هم مربوط به همین موضوع است).

1- Child Protection Plan

2- Personal Social and Emotional Development and Communication, Language and Literacy

- ۱۰۹- اطمینان از ورود اقلیت‌های مذهبی و سیاه پوستان به مقاطع آموزشی
- ۱۱۰- شناسایی و تعیین تعداد مهدکودک‌ها مراکز پیش دبستانی
- ۱۱۱- شناسایی و تعیین تعداد مشارکت کنندگان جوان در فعالیت‌های مثبت
- ۱۱۲- نرخ ورود جوانانی که بین ۱۰ تا ۱۷ سالگی کارشان به مراکز قضایی می‌کشد.
- ۱۱۳- درصد حاملگی‌های زیر ۱۸ سال
- ۱۱۴- نرخ بیماری‌های مقاربتی زیر ۲۰ سال
- ۱۱۵- نرخ ترک تحصیل جوانان
- ۱۱۶- میزان استفاده از مواد مخدر در بین جوانان
- ۱۱۷- درصد جمعیت کودکان فقیر
- ۱۱۸- درصد افرادی که بین ۱۶ تا ۱۸ سالگی فاقد شغل، تحصیل و آموزش هستند.
- ۱۱۹- ارتقای مراقبت‌های کودک در خانواده‌های کم درآمد

۴-۱-۲- شاخص‌های محور «سلامت و رفاه» در محله

- ۱۲۰- میزان گزارش‌های مردمی در مورد بهداشت و سلامت
- ۱۲۱- نرخ مرگ و میر
- ۱۲۲- نرخ مرگ و میر ناشی از انواع بیماری‌های زیر ۷۵ سال
- ۱۲۳- نرخ مرگ و میر ناشی از سرطان‌ها زیر ۷۵ سال
- ۱۲۴- نرخ افزایش مصرف سیگار بالای ۱۶ سال
- ۱۲۵- تعداد مددجویانی که برای اداره زندگی مستقل به مدت طولانی تحت پوشش هستند.
- ۱۲۶- موارد کمک به سالمندان برای حفظ زندگی مستقل
- ۱۲۷- دسترسی به موقع زنان به خدمات مادر و کودک
- ۱۲۸- گزارش‌های مردمی از نحوه بهره‌مندی از خدمات اجتماعی
- ۱۲۹- گزارش‌های مربوط به احترام و کرامت نسبت به بیماران طی دوران معالجه
- ۱۳۰- تعیین روند رو به کاهش تعداد مرگ‌های خودخواسته بیماران صعب‌العلاج در خانه
- ۱۳۱- تعداد مستمری‌بگیران از دولت
- ۱۳۲- شناسایی موارد کوتاهی نسبت به بیمارانی که می‌توانند در خانه معالجه شوند.

- ۱۳۳- ارزشیابی مراقبت‌های اجتماعی زمان‌بندی شده
- ۱۳۴- زمان‌بندی بسته‌های مراقبت‌های اجتماعی
- ۱۳۵- تعداد روزهایی که افراد چاق به دلیل مشکلاتی ناشی از چاقی در بیمارستان‌ها بستری شده‌اند.
- ۱۳۶- تعداد مشاغل سخت
- ۱۳۷- شناسایی افرادی که از طریق برنامه‌های تأمین اجتماعی برای زندگی مستقل حمایت می‌شوند.
- ۱۳۸- نرخ امید به زندگی در ۶۵ سالگی
- ۱۳۹- میزان رضایت شهروندان بالای ۶۵ سال از خانه و محله
- ۱۴۰- تعداد شهروندان بالای ۶۵ سال که اظهار می‌کنند برای داشتن زندگی مستقل و انتخاب‌های شخصی مورد حمایت قرار گرفته و اطلاعات لازم را کسب می‌کنند.

۵-۱-۲- شاخص‌های محور «از بین بردن تبعیض و ایجاد تساوی» در محله

- ۱۴۱- رفتار منصفانه و حفظ تساوی میان گیرندگان خدمات از سوی خدمات دهندگان
- ۱۴۲- تعداد افراد آسیب‌پذیری که به زندگی مستقل دست یافته‌اند.
- ۱۴۳- تعداد افراد آسیب‌پذیری که برای دستیابی به زندگی مستقل مورد حمایت قرار گرفته‌اند.
- ۱۴۴- تعداد خاطیانی که تحت نظارت پلیس، دوران حصر خود را در منازل یا اماکن معینی می‌گذرانند.
- ۱۴۵- تعداد خاطیانی که تا پایان دوره مجازات به کاری گمارده می‌شوند.
- ۱۴۶- معلولین بزرگسالی که در مراکز نگهداری زندگی می‌کنند.
- ۱۴۷- معلولین بزرگسالی که صاحب شغل هستند.
- ۱۴۸- افرادی که از مرحله مراقبت خارج شده و در مراکز مناسب زندگی می‌کنند.
- ۱۴۹- افرادی که دوران مراقبت را طی کرده و وارد مرحله آموزش یا کار می‌شوند.
- ۱۵۰- بزرگسالانی که در مرحله دوم مراقبت قرار می‌گیرند.
- ۱۵۱- بزرگسالانی که در مرحله دوم مراقبت در طی دوران اشتغال خود قرار می‌گیرند.

۶-۱-۲- شاخص‌های محور «اقتصاد محلی»

- ۱۵۲- تعیین نرخ کلی اشتغال در محله
- ۱۵۳- تعیین افراد در سن کار که در محله بیکار هستند.

- ۱۵۴- افراد در سن کار که به خاطر شرایط نامساعد محلی بیکار هستند.
- ۱۵۵- تعداد خانه‌های اضافه‌ای که ساخته شده است.
- ۱۵۶- تعداد خانه‌های ساخته شده قابل خرید
- ۱۵۷- تعداد خانوارهایی که در مراکز اسکان موقت^۱ زندگی می‌کنند.
- ۱۵۸- روند برنامه‌ریزی بین حداقل تا حداکثر اهداف مورد نظر
- ۱۵۹- کاهش هزینه شورها
- ۱۶۰- تدارک امکانات برای خانه‌سازی
- ۱۶۱- انواع توافق و همکاری بین مالکین منازل و مسئولین بر سر اجاره بها (تا ۱۶۵)
- ۱۶۶- متوسط در آمد شاغلین
- ۱۶۷- متوسط زمان تردد شهروندان در ساعات پر ترافیک صبح
- ۱۶۸- توجه به نگهداری و بهبود وضعیت جاده‌های اصلی
- ۱۶۹- توجه به جاده‌های غیراصلی که باید به آن‌ها توجه شود.
- ۱۷۰- بهبود وضعیت املاک خالی و رها شده به مدت بیش از ۵ سال
- ۱۷۱- نرخ ثبت موالید
- ۱۷۲- نرخ کسب و کار و رشد آن
- ۱۷۳- افرادی که شغل خود را از دست می‌دهند
- ۱۷۴- تعیین شکاف‌های مهارتی مورد نیاز بازار کار
- ۱۷۵- دسترسی به خدمات و تسهیلات حمل و نقل عمومی، پیاده‌روها و مکان‌های دوچرخه سواری
- ۱۷۶- میزان امکان بهره‌مندی بخش حمل و نقل از افراد جویای کار
- ۱۷۷- نرخ تردد با اتوبوس
- ۱۷۸- میزان سر وقت بودن حمل و نقل با اتوبوس
- ۱۷۹- ارزش پول ملی
- ۱۸۰- تغییرات مربوط به بهره در خانه‌سازی
- ۱۸۱- زمان لازم برای خانه‌سازی
- ۱۸۲- میزان رضایت از تبادل تجاری در قابل آیین نامه‌های دولتی در محله

۱۸۳- تأثیر آیین نامه‌های دولتی بر پویایی و رونق تجارت

۱۸۴- وضعیت سب غذایی در محله

۲-۱-۷- شاخص‌های محور «محیط زیست و توسعه پایدار» در محله

۱۸۵- کاهش دی اکسید کربن ناشی از فعالیت‌های بخش دولتی و عمومی

۱۸۶- شناسایی نرخ ایجاد آلودگی دی اکسید کربن در قراردادهای محلی

۱۸۷- یافتن راه حل برای مشکلات سوختی مردم فقیر

۱۸۸- تطبیق شرایط با تغییرات آب و هوایی

۱۸۹- مدیریت سیل و فرسایش سواحل

۱۹۰- کسب استانداردها برای کنترل سیستم بهداشت حیوانات

۱۹۱- شناسایی سرانه پسماندهای هر خانوار

۱۹۲- مدیریت بازیافت زباله و کمپوست خانواده‌ها

۱۹۳- مدیریت زباله و محل دفن آن

۱۹۴- شناسایی کیفیت هوا شامل کاهش NO و فرسایش PM10

۱۹۵- بهبود معابر و پاک‌سازی محیط زیست با توجه به سطح به کارگیری سموم

۱۹۶- بهبود معابر و پاک‌سازی محیط زیست با توجه به جمع‌آوری غیرقانونی زباله

۱۹۷- بهبود تنوع زیستی محلی با مدیریت فعالانه در نقاط مهم از نظر تنوع زیستی در محله

۱۹۸- توجه به نحوه تردد کودکان به مدارس



برای اجرایی شدن این شاخص‌های کیفی و کمی، جزوات متعددی توسط سازمان محلات و حکومت‌های محلی منتشر شد. در این جزوات ضمن معرفی ایده‌های جدید در قالب چارچوب‌های پیشنهادی اجرایی با توجه به اولویت‌های محلی، راهکارهای و چارچوب‌های جدیدی برای اجرا در محل پیشنهاد شده بود. به عنوان نمونه جزوانی با عناوین «کودکان، مدارس و خانواده‌ها» و «سهیم شدن در چشم‌اندازها، نتایج بهتری برای جوانان و خانواده در بر خواهد داشت» بود که تولید و توزیع شد.

۲-۲- ماهیت فعالیت‌های مشارکتی برای توانمندسازی محلات

در سیاست‌گذاری مربوط به توسعه محلی اشاره شده که هیچ نهادی حق به انحصار در آوردن پروژه‌های توانمندسازی محلی را نداشته و نباید داشته باشد. هدف برنامه‌های توانمندسازی این است که طیفی از نهادهای مختلف مانند مسئولین محلی، سازمان‌های دولتی، گروه‌های محلی، شبکه‌های غیررسمی مردمی، تعداد وسیعی از سازمان‌های داوطلب، سازمان‌های عمرانی و زیربنایی به منظور کمک به شهروندان برای کنترل بیشتر بر روی تصمیمات موثر در زندگی‌شان گرد هم آیند، همفکری کنند و برنامه‌هایی برای حل مشکلات و بهبود وضعیت محله خود تهیه کنند. در هر طرح توسعه محلی و اجتماع محور محلی، اختلاف عقیده و حق ابتکار عمل، همکاری جامعه محلی و لزوم تداوم فعالیت‌ها و حمایت از افراد به حاشیه رانده شده زیربنای هر فعالیت پایدار است.

▪ اختلاف عقیده، لازمه مشارکت

اختلاف عقیده برای دموکراسی و جلب مشارکت یک امر لازم و اساسی است. آشکار شدن اختلافات برای ایجاد مشارکت موضوعی موثر و حیاتی تلقی می‌شود. بحث و بررسی بر روی اختلافات هر چند ممکن است سبب برخورد و نزاع شود، اما از بستن درها و به بن بست راندن موضوعات بهتر است. جامعه محلی انتظار دارد نظرش شنیده و مهم انگاشته شود. البته اینکه نمایندگان محلی در همه جا اصرار بر عملی شدن نظرات خود داشته باشند، صحیح یا امکان‌پذیر نیست. ولی به هر حال باید نمایندگان مردمی محلی احساس کنند که حرف آن‌ها شنیده و به آن ارزش داده می‌شود.

▪ حق ابتکار عمل

قدرت‌های محلی باید متقاعد شوند برای حل مشکلات محله نیاز است ساز و کارهایی را تدوین کنند که به «ابتکار عمل محلی» مشروعیت ببخشند.

در این برنامه‌های ابتکاری، نظرخواهی و مشارکت مردم محلی بسیار پیشروتر از زمانی است که راهکارها صرفاً مبتنی بر انتظار یک طرفه مردم از مسئولین دولتی برای حل مشکلات است. یعنی به جای اینکه مسائل تنها برای ارائه به یک نهاد دولتی مطرح شود، و انتظار حل مشکل از آنان داشته باشند، جریان امور بایستی در جهت زمینه‌سازی برای بروز خلاقیت‌ها و ابتکار عمل محلی برای حل مشکلات موجود به پیش برده شود. در انگلیس توسعه اجتماعی در حال حاضر در مسیر و فرآیندی قرار گرفته که همه بتوانند به ابتکار محلی برای حل مشکلات روی آورند.



▪ همکاری جامعه محلی

یکی از دلایل خنثی شدن انگیزه‌های مشارکت در مردم این است که احساس کنند امکان سیاست‌گذاری‌ها از سطح پایین به بالا در جامعه محلی وجود ندارد. این در حالی است که اداره نظارت ملی انگلستان^۱ نیز بر این باور است که «ارائه خدمات طراحی شده، بدون داده‌های جوامع محلی، خطر اتلاف پول ملی را به همراه دارد و چنانچه خدمات آن چیزی نباشد که مردم می‌خواهند، منابع مالی تأمین شده بدون استفاده مانده یا کمتر مصرف می‌شوند.» به عبارت دیگر، درست همان منابع کلیدی و دانش محلی که در اختیار مردم است، چیزی است که همه سیاست‌گذاران برای رسیدن به اهداف نهایی خود به آن احتیاج دارند.

در همه برنامه‌های توسعه محلی، تخصیص هزینه برای مشورت کردن با جوامع محلی از ابتدا به عنوان هزینه‌ای کارآمد و لازم و موثر پذیرفته شده است. چرا که با درگیر کردن و جلب مشارکت مردم در

سراسر فرآیند طراحی شده، مالکین بیش‌تری برای کمک به پیشبرد طرح‌ها به وجود خواهد آمد. به این معنی که این مردم خواهند بود که خود را مالک و صاحب طرح‌های توسعه محلی می‌بینند و تا حد زیادی از تنش‌ها و پرسش‌گری‌های گزافه و تفرقه برانگیز جلوگیری می‌شود.

به عنوان مثال در یکی از محلات نمونه، همکاری فعالانه والدین در امور مدرسه موجب تغییر و بهبود مدیریت مدارس شده و یا در یکی از محلات دیگر، در بخش سلامت فعالیت‌های انجام شده منجر به ارائه گزارش‌هایی مبنی بر کاهش بیماری‌ها و نیز کاهش مصرف سیگار شده است. برخی خدمات دهندگان به اجتماع محلی، مردم را فقط به عنوان «کاربران»، «مشتریان» یا «بیماران» می‌بینند. اما آنجا که مردم به عنوان «شهروند» نگریسته می‌شوند، موفق‌ترین اشکال مشارکت شکل می‌گیرد. بهترین نمونه این تعامل ارتباطی است که در انگلستان میان پلیس و جامعه محلی ایجاد شده است.

موفقیت پلیس وقتی به مردم به عنوان شهروند می‌نگرد، مورد توجه بسیاری از سیاست‌گذاران دولتی است. این دسته از سیاست‌گذاران معتقدند: بازسازی و احیاء جوامع محلی به مداخلات از پیش تعیین شده و پر هزینه دولت مرکزی بستگی ندارد، بلکه به دخالت و مشارکت مستقیم شهروندان به عنوان همکاران فعال برای خدمات جدید و بهتر وابسته است.

به همین دلیل، در کشور انگلیس یکی از بهترین الگوهای موفق مشارکت جامعه محلی بین پلیس و مردم ایجاد شده است. پلیس آشکارا به مردم به عنوان «شهروند» می‌نگرد. افسران بلند پایه پلیس که با آن‌ها در طول برنامه استراتژیک ارتقاء مشارکت محلی صحبت شده، تصدیق می‌کنند که در پی برنامه توانمندسازی برای مشارکت محلی، مشروعیت پلیس و اعتماد عمومی به این نهاد عمومی افزایش فراوانی داشته که می‌تواند نمونه خوبی برای سایر خدمات دهندگان در جامعه محلی باشد، تا بتواند از ایجاد این نوع رابطه سازنده با مردم بهره‌برداری کنند. از سوی دیگر نمایندگان جوامع محلی نیز اغلب از پلیس به عنوان «یاری دهندگان به موقع» یاد می‌کنند و اکثراً بر احترام متقابل روزافزون بین جامعه محلی و پلیس تاکید دارند.

▪ لزوم تداوم فعالیت‌ها

از آنجا که شرکاء چند منظوره و مختلفی در سطح محلی برای احقاق فعالیت‌های توانمندسازی وجود دارند، تداوم بهره‌گیری از تجربیات و آموزه‌های موفق درباره توانمندسازی محلی، یک ضرورت است.

میزان کمی از منابع موجود در درازمدت می‌تواند به داخل جوامع محلی برده شود که البته همین منابع کم در صورت لحاظ زمان کافی برای هزینه آن‌ها با رای و نظر مردم محله، اثربخشی زیادی خواهد داشت. کار توانمندسازی به افزایش مشارکت و درگیر کردن شهروندان در فرآیندهای دموکراتیک پیوند خورده است و فقط زمانی نتیجه بخش است که به مثابه کاری مشروع و شفاف از سوی مردم و دیگر مشارکت‌کنندگان دیده شده و تداوم داشته باشد.

همان‌طور که گفته شد، در همه برنامه‌ریزی‌ها و پژوهش‌های محله محور، بودجه‌بندی‌های مشارکتی و دیگر فرآیندهای مشارکتی مشابه، به جای در نظر گرفتن اولویت‌بندی تعیین شده توسط دیگران، به جلب مشارکت افراد محلی برای تعیین اولویت‌ها نیاز دارد.

نتایج مثبت اغلب توسط افرادی به دست می‌آید که حامی برنامه‌های توانمندسازی مشارکتی هستند و برای حصول به نتایج آن کوشش می‌کنند. برخی اوقات این افراد حتی از جیب خود هزینه می‌کنند و در شرایطی ممکن است داوطلبین محلی وجود داشته باشند که کار را به پیش ببرند. وجود چنین افراد متعهد و با انگیزه ای برای تداوم برنامه‌های توانمندسازی در هر جا ضروری است تا برنامه‌ها ادامه داشته باشد. برای اطمینان در مورد شبکه‌سازی‌ها، تولید دانش و افزایش آموزش‌ها، حمایت‌های لازم در همه ساختارهای رسمی و داوطلبانه توسط برنامه‌های ملی توانمندسازی مشارکتی باید ابقاء شود.

▪ حمایت از جوامع و افراد به حاشیه رانده شده

برنامه‌های توانمندسازی همواره از توانمند ساختن مردم به حاشیه رانده شده و آسیب‌پذیر حمایت کرده است. همانند افراد مسن، کسانی که در یادگیری مشکل داشته یا معلولین ذهنی، افراد معلول جسمی، کودکان، اقلیت‌های قومی، جوانان، زنان، کولی‌ها و بی‌خانمان‌ها.



در محله‌ها نمونه‌های خوبی از فعالیتهای انجام شده توسط همین اقشار آسیب‌پذیر و گروه‌های به حاشیه رانده ارائه شده است و جوایز توانمندسازی هم به چهار منطقه‌ای که در مورد گروه‌های به حاشیه رفته، اقدامات موثری داشته‌اند، اعطا شده است. جالب اینکه این گروه‌ها بعداً از همین جوایز نقدی برای کمک به توزیع اطلاعات در مورد سازمان‌های مردمی که تشکیل داده بودند، استفاده کردند. برنامه توانمندسازی مشارکت یورک شایر و هامبر گزارش خلاصه‌ای درباره کار فردی یک فعال اجتماعی زن در ارتباط با کولی‌ها و بی خانمان‌ها تهیه کرده است.

برای پایداری کار توانمندسازی در گروه‌های حاشیه‌ای، برخی کارگزاران ملی معتقدند که تنها یک مدل توانمندسازی برای ایجاد فرصت برای مشارکت گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده کافی نیست. بلکه روش‌های مختلفی برای سرمایه‌گذاری به منظور اجرای برنامه‌های مشارکتی برای این گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده، ضرورت دارد.

۲-۳- توصیه‌های کلیدی در سطح محلی

- گسترش و افزایش فرصت‌ها برای آموزش برابر، آموزش مشترک افراد در سطوح مختلف، کمک و همیاری بین بخشی داوطلبانه در جوامع محلی، حکومت محلی و نهادهای دولتی و ایجاد ارتباط با مراکز آموزشی منطقه‌ای و محلی برای ایجاد فرصت‌های قابل دسترس آموزشی برای همه
- حمایت از برگزاری جلسات و نشست‌ها و به کارگیری زبان ساده به عنوان جایگزینی برای اصطلاحات فنی پیچیده
- مستند کردن و توزیع اقدامات برنامه‌های جلب مشارکت محلی و دیگر گروه‌های مشارکتی از طریق وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون محلی و روزنامه‌ها) به منظور ایجاد روابط وسیع‌تر
- برقراری ارتباط با محل‌های کسب و کار مثل بازار خرده فروشی، قهوه خانه و کافی شاپ‌ها و هر جای دیگری که مردم معمولاً در آن جمع می‌شوند، به عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و واحدهای خصوصی، تا به سؤالات عموم مردم در باره نحوه کار و فعالیت و رسالتشان، پاسخ داده و با جامعه محلی ارتباط گسترده‌تری برقرار کنند.

۱-۳-۲- دیدگاههای مثبت

دیدگاه مثبت افراد و نمایندگان سازمانها نسبت به اجرای «برنامههای استراتژیک ارتقای مشارکت محلی» در طول ۴ سال اجرای برنامه:

- حکمرانی مشارکت‌پذیر، منتج به خدمات مؤثرتری می‌شود.
- حضور در جلسات و برخوردهای چهره به چهره، شکل‌گیری روابطی را امکان‌پذیر می‌کند که درک بین افراد و موضوعات را تسهیل می‌کند و کار مشارکتی را امکان‌پذیر می‌سازد. شرکت‌کنندگان در این جلسات با موضوعات عملی و بعضاً ضروری برای بهبود وضعیت محله سر و کار پیدا می‌کنند.
- با مشارکت سازمانهای غیردولتی و دولتی در کنار هم رفتارها و ارزش‌ها تغییر می‌کنند و همکاری بر محور اهداف مورد توافق شکل می‌گیرد. در این صورت حکومت می‌تواند اعتماد مردم را نسبت به فعالیت نهادهای دولتی بیش‌تر جلب کند.
- افرادی که در امور محلی مشارکت دارند، مشکلات از دیدگاه ارائه‌دهندگان خدمات به مردم محله را بیش‌تر درک می‌کنند. آنها سپس به نوبه خود با آگاهی بخشی درباره روند اجرای امور، اعتماد مردم را گسترش داده و احترام شهروندان را نسبت به اقدامات انجام گرفته برمی‌انگیزند.
- تبلیغات کافی و صادقانه در امور مشارکتی به منظور رشد اعتماد عمومی حیاتی است.
- حکومت محلی که از طریق اخذ آراء مردم انتخاب شده باشد، نقش راهبری ارائه خدمات محلی به مردم را بر عهده می‌گیرد و می‌بایست جامعه محلی را در تصمیم‌گیری‌ها مورد مشورت قرار دهد.
- دخالت جامعه محلی در امور مربوط به محله به عنوان عنصر اساسی در مدیریت محله انگاشته می‌شود.



۲-۳-۲- دیدگاه‌های منفی

دیدگاه منفی افراد و نمایندگان سازمان‌های مختلف مشارکت کننده نسبت به اجرای «برنامه‌های استراتژیک ارتقای مشارکت محلی» پس از ۴ سال:

- مشارکت کنندگان فقط به مشکلات و نیازهای آنی فکر می‌کنند و دیدگاه و چشم‌انداز دراز مدت ندارند. در حالی که اهداف در دراز مدت قابل تحقق هستند، این نگرانی وجود دارد که چشم‌انداز کوتاه مدت به کار مشارکتی و همکاری‌های مشترک نتواند باعث جلب حمایت پایدار و لازم از ایجاد تغییرات اساسی طولانی مدت برای بهبود وضعیت محله بشود.
- جلسات مشارکتی نمی‌توانند همه مردم را در مدیریت محلی درگیر کنند و تأثیر کمی در هدایت امور دارند.
- کارهای مشارکتی معمولاً در ابتدا بسیار زمان بر و غیرملموس هستند، بنابراین به ندرت کافی به نظر می‌آیند.
- اعتقاد مردم به امور ظاهری و تبلیغاتی راحت‌تر جلب می‌شود تا کارهای مشارکتی زمان بر، نامرئی و ناملموس.
- برخی اعضای منتخب محلی مثل شورایاران معتقدند خودشان تنها نمایندگان حقیقی و قانونی محلی به شمار می‌روند و از نظر آنان حضور دیگر اقشار مردم در جلسات ضرورتی ندارد.

- نمایندگان منتخب محلی توان اعمال قدرت بر نهادهای دولتی و خصوصی را ندارند و بنابراین در جایگاهی نیستند که جامعه محلی را رهبری کنند.
- در برخی کارهای مشارکتی، طرح موضوع برای مردم سخت است.
- عدم تمایل به ایجاد تنش و جر و بحثها گاه موجب می شود که گروههای مشارکتی از طرح موضوعات مهم صرف نظر کنند.
- دستگاهها و نهادهای پاسخگو مشخص نیستند و تصمیم گیریها به شکل خصوصی و غیرشفاف گرفته می شوند.
- برای عموم مردم دانستن اینکه حکومت چگونه کار می کند، سخت است.
- در حالی که نمایندگان جامعه محلی در نهادهای قدرت نادیده انگاشته می شوند، از سوی دولت مسئولیت های سنگینی بر عهده نمایندگان جوامع محلی قرار می گیرد.

۳- طرح بودجه بندی مشارکتی

طرح بودجه بندی مشارکتی از مرحله مشاوره و مشورت با مردم محلی پیش تر می رود. این طرح به مردم اجازه و امکان اظهار نظر مستقیم در مورد تصمیم گیری در خصوص اختصاص بودجه های عمومی و دولتی در محله خود را می دهد. این موضوع به سازمان دهندگان و ارائه کنندگان خدمات عمومی و دولتی کمک می کند تا به شناخت نیازهای محلی نزدیک تر شده و روند امور طوری پیش برود که مردم احساس مالکیت بیش تری بر تصمیم گیری های مربوط به جامعه خود داشته باشند. ساکنین محله و نمایندگان گروه های محلی با بحث و گفتگو درباره دلایل و چگونگی تعیین هزینه ها در خصوص برنامه های تعیین شده، می توانند به این برنامه ها رای دهند و بعد از آن نقشی برای خود در نحوه اجرا و پایش روند امور تعیین و ایفا کنند.

بودجه بندی مشارکتی پدیده و روندی جهانی است که برای اولین بار در اواخر دهه ۸۰ در شهر پرتا آلرگه^۱ برزیل اجرا شد. تخمین زده می شود که در این شهر برای اولین بار حدود ۱۰ درصد مردم در تنظیم بودجه سالانه شرکت کردند که این امر منجر به تغییر جهت هزینه ها به سوی در نظر گرفتن مشکلات و آسیب ها و حل آنها برای اقشار آسیب پذیر و فقیر شد.

در کشور انگلیس در سال ۲۰۰۲ برای اولین بار برنامه طرح بودجه‌بندی مشارکتی از سوی دفتر معاون نخست وزیر ارائه شد. سپس در سال ۲۰۰۴ از طریق برنامه وام‌های خاص^۱، دفتر برنامه‌ریزی مشارکتی ایجاد شد. این دفتر عهده دار بررسی نحوه اجرای طرح در بعضی نواحی به صورت پایلوت بود.

به طور کلی در دولت‌های قبلی برای تقویت کار در محلات و مشارکت شهروندان، فعالیت‌های زیادی در قالب «طرح‌ها و برنامه‌های مختلف»^۲ انجام شده و اجرای این طرح‌ها و برنامه‌های متنوع سبب شده اجرای «برنامه‌ریزی مشارکتی» در دولت کنونی محقق شود.

با اینکه تعریف خاصی از بودجه‌بندی مشارکتی در دولت ائتلافی کنونی انتشار نیافته است اما همه ارکان دولت اعتقاد دارند که بودجه‌بندی مشارکتی محلی می‌تواند نقش بزرگی در بومی کردن سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی به عهده گیرد. این نقش از طریق موارد زیر تحقق می‌یابد:

- ۱- امکان دست یابی مردم به اطلاعات و داده‌ها درخصوص بودجه‌های عمومی و هزینه کرد آن‌ها
- ۲- انتقال قدرت از مرکز به نواحی و محلات
- ۳- تهیه سازوکارهای محلی برای مشارکت دادن بیش‌تر مردم در فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوط به محله
- ۴- توانمند شدن مردم برای مسئولیت‌پذیری در خصوص منابع مالی محلی خود و خدماتی که به آن‌ها قرار است ارائه شود.

تحقق این موارد «بهره‌برداری بیش‌تر با هزینه کمتر را به دلیل مشارکت موثر مردم در برنامه‌ها» به دنبال خواهد داشت. در این طرح به شورایی‌ها امکان داده می‌شود که آزادی بیش‌تری داشته باشند و در برنامه‌ریزی‌های محلی مداخله کنند. مردم محل هم خواهند توانست در مورد ارائه خدماتی که قبلاً تصمیم‌گیری در خصوص آن‌ها تنها بر عهده دولت بود اظهار نظر کنند و نحوه ارائه آن خدمات را تغییر دهند. از کارگزاران در خواست می‌شود که برای اجرای برنامه‌های بزرگ و عمرانی حتماً با جوامع محلی مشورت شود. در ضمن مردم حق خواهند داشت که نرخ تعیین شده برای اخذ مالیات را که از سوی شوراها تعیین می‌شود، در صورتی که از نظر آنان افزایش غیرمنطقی داشته «وتو» کنند.

1- Especial Grants Programme

2- Citizen Engagement and Public Services :Why Neighborhood Matters (2005), The joint DCLG/LGA Community Empowerment Action Plan (2007), Communities in Control: Real People, Real Power(2008), National Plan for Empowerment Partnership (2007-2011), Regional Empowerment Partnership (2007-2011), Local Strategic Partnership (2007-2011)

به همین منظور ارتقاء آگاهی در مسئولین و تصمیم‌گیران در خصوص اینکه چگونه اجرای برنامه‌ریزی مشارکتی می‌تواند به آن‌ها در پاسخ مؤثرتر به نیازهای محلی کمک کند، بسیار مهم است. در حال حاضر، افزایش فرصت‌ها برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به هزینه‌های محلی و فراهم کردن زمینه با تهیه جزوات آموزشی، توزیع نتایج تحقیقات و اصول ارزشیابی‌ها برای طرح‌های بودجه‌بندی مشارکتی در حال انجام است.

در گزارشی که دولت‌های محلی در سه ناحیه به صورت پایلوت از اجرای طرح در ۳۴ محله ارائه داده‌اند نکات مهمی وجود دارد. تعدادی از این نکات در زیر آمده است:

- تفاوت‌های بسیاری در انواع مختلف بودجه‌بندی مشارکتی و مدل‌های آن وجود دارد و انواع مختلفی از آن می‌تواند در محیط‌های متفاوت جامعه محلی قابل دسترسی و اجرا باشد.
- هدف این طرح به کارگیری «روش‌های سنتی» مورد حمایت مالی سازمان حکومت‌های محلی و محلات^۱ نیست. در عوض این برنامه قصد دارد از مناطق و نواحی حمایت کند که با مشارکت و شراکت منابع مالی محلی، بودجه‌بندی مشارکتی در قالب‌های متفاوت برای دستیابی به اهداف مد نظر محله به پیش برده شود.
- به این دلیل که اهداف ملی مشخص شده‌ای درباره میزان مراحل پیشرفت کار تدوین نشده است، قضاوت درباره اثرپذیری طرح بودجه‌بندی مشارکتی ساده نیست. چرا که نمی‌توان هیچ شاخص زمان دار، معین و واقعی و مورد توافق برای آن تنظیم کرد.
- زمان یکسانی برای شروع کار در هیچ یک از ۳۴ محله پایلوتی که طرح بودجه‌بندی مشارکتی را به کار برده‌اند، وجود نداشته و در بعضی از نواحی طرح‌های محله‌ای مشارکتی برای چند سال ادامه داشته است. بنابراین مقایسه شرایط قبل و بعد از انجام طرح بودجه‌بندی مشارکتی در محلات مشکل است.
- در نواحی مختلف فرآیندهای بسیار متفاوتی برای جلب مشارکت مردم در روندهای تصمیم‌سازی به کار گرفته شده است. در همه نواحی فعالیت‌ها مطابق با اهداف تعریف شده در طرح «برنامه‌ریزی مشارکتی» یا اهداف مطرح شده از سوی «اداره برنامه‌ریزی مشارکتی» در سازمان حکومت‌های محلی و محلات اجرایی نشده است. بنابراین قضاوت در میزان دستاوردها با توجه به

تفاوت مناطق و نحوه اجرای امور بایستی در نظر گرفته شود. اما شواهد دال بر این است که در همه محلات سعی شده وفاداری به طرح تا حد ممکن حفظ شود.

- تکامل دیدگاه‌ها در خصوص ماهیت فعالیت‌های بودجه‌بندی مشارکتی در محلات این است که اهداف و برنامه‌ها می‌توانند در طول زمان تغییر کنند. بنابراین گاهی موضوع یک اقدام و یا یک طرح تحقیقی در رابطه با بودجه‌بندی مشارکتی، می‌تواند مطابق با همان طرح اولیه نباشد.

- ماهیت داوطلبانه و متنوع برنامه‌ریزی مشارکتی، به کارگیری فرآیندهای مختلف، روندها و برنامه‌هایی است که به دلایل زیاد در قالب‌های متفاوت و زمان‌بندی‌های کوتاه و بلند اجرا می‌شوند. بنابراین پایش برنامه‌ها با توالی زمانی مختلف، در قالب موضوعات و چارچوب‌های متفاوتی می‌تواند صورت بگیرد. همچنین مسائل مربوط به هزینه‌ها و نتایج کارها می‌تواند موضوعی بالقوه سؤال برانگیز باشد که نبایستی در هر طرح و برنامه‌ای به راحتی با یکدیگر مقایسه شوند.

از طرف دیگر برای ارزشیابی طرح‌ها و برنامه‌های «بودجه‌بندی مشارکتی» توجه به شش محور پیشنهاد می‌شود:

- کنترل: بررسی میزان کنترلی که شهروندان قبل و بعد از اجرای طرح و تخصیص بودجه‌ها و منابع و کنترل آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های جمعی و مسئولیت‌ها داشته باشند.

- از نظر جغرافیایی و حکمروایی: ازنندازه و نوع حکمروایی که بودجه‌بندی مشارکتی را در بخش، حومه یا کل ایالت اعمال کرده است و اینکه چگونه بودجه‌بندی مشارکتی در ساختار حکمرانی آن منطقه جریان یافته است، چنین استنباط می‌شود که هر قدر منطقه بزرگ‌تر باشد، منابع در نظر گرفته شده در طرح هم می‌تواند بیش‌تر باشد.

- گروه‌های هدف: گاهی با تمرکز بر روی گروه‌های هدف مثل سالمندان و یا جوانان، اثربخشی کار در مراحل اول بیش‌تر می‌شود.

- منبع هزینه‌ها: تعیین اینکه سرچشمه منابع مالی طرح چیست، در پیشبرد امور مهم است.

- اندازه هزینه‌ها به مبلغ: تعیین مبلغی که در کنترل مردم قرار می‌گیرد مهم است.

- مکانیزم‌های اجرا: مکانیزم‌های در نظر گرفته شده برای اعمال طرح بودجه‌بندی مشارکتی اهمیت دارد.

بودجه‌بندی مشارکتی سبب تشویق مردم برای حضور در عرصه فعالیت اجتماعی می‌شود. مردم از

طریق بودجه‌بندی مشارکتی با بر عهده گرفتن نقش فعالانه تری در جامعه محلی و با توجه به

اولویت‌های ملی، به ایجاد «جامعه فراگیر» کمک می‌کنند. این کار به صورت بالقوه می‌تواند موجب مسئولیت‌پذیری مردم در طراحی و ارائه خدمات نیز بشود.



۳-۱- مزایای بودجه‌بندی مشارکتی

- بودجه‌بندی مشارکتی روش مناسب و مطلوبی برای تحقق موارد زیر است:
- تصمیمات بهتری برای طراحی و سازماندهی نیازهای مردمی اتخاذ شود؛
- درک بیش‌تر و گسترده‌تری از پیچیدگی‌های بودجه‌بندی عمومی به وجود آید؛
- شفافیت و پاسخگویی بیش‌تری در بودجه‌های عمومی حاصل شود؛
- مهارت‌های سازمانی و تشکیلاتی ساکنین محله توسعه یابد و برای پیگیری موضوعات محله‌ای و حومه اعتماد به نفس پیدا کنند؛
- بین شورایاری‌های محلی، کارمندان شورایاری‌ها با یکدیگر و با ساکنین همکاری بهتری ایجاد شود؛
- و بالاخره هیجان و انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌ها در سطح محله به وجود آید.

۳-۲- بودجه‌بندی مشارکتی در عمل

طرح بودجه‌بندی مشارکتی به مشارکت مردم در تصمیمات مالی و بهبود خدمات‌رسانی محلی رسمیت بخشیده است. در این زمینه دولت اقدام به تاسیس اداره بودجه‌بندی مشارکتی کرده و مدیریت

آن را به موسسه خیریه‌ای به نام «اقدام کلیسا برای فقرزدایی»^۱ محول کرده است. هدف این اقدام پیشبرد و حمایت از توسعه بودجه‌بندی مشارکتی در سراسر انگلستان است.

«شبکه جامعه فراگیر»^۲ که سازمانی مستقل به حساب می‌آید، در کنار سازمان ملی علم و تکنولوژی و هنر^۳ همکاری می‌کند تا طرح موسوم به «بودجه محلی شما»^۴ را در اداره بودجه‌بندی مشارکتی به پیش ببرند. این طرح در مرحله اولیه در ۹ منطقه به اجرا در آمده است و هدف آن بررسی ابتکارات صورت گرفته در جلب مشارکت مردم محلی برای تعیین یا کاهش بودجه‌های محلی رسمی و حرکت به سوی «جامعه فراگیر» بوده است.

تاکنون در حدود ۱۲۰ طرح محلی بودجه‌بندی مشارکتی از سوی مسئولین بلندپایه مناطق در انگلستان به کار گرفته شده است. همچنین نظرات مردم محلی به طور مستقیم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نحوه هزینه کرد از طریق بودجه‌بندی مشارکتی دخالت داده شده است. این تأثیرگذاری‌ها در خدمات زیر خود را بیش‌تر نشان می‌دهد:

- پلیس
- خدمات مربوط به کودکان
- آژانس‌های مسکن
- بهداشت محله
- آتش‌نشانی و امداد و نجات

۴- طرح «جامعه فراگیر»

در انگلستان از پیشگامان و کسانی که در امر مشارکت برای جامعه فراگیر تلاش می‌کنند، به عنوان «حامین آموزش برای تغییر بزرگ» یاد می‌شود؛ آن‌ها که توسط جامعه محلی و مردم - و نه دولت مرکزی - راهبری می‌شوند.

در نواحی پیشگام نیز زمینه‌های آموزشی ارزشمندی ایجاد و نشان داده‌اند چگونه موانع فرهنگی و عملی از طریق تدوین دوباره آیین نامه‌ها و حمایت مستقیم «لایحه بومی کردن»^۵ می‌تواند

1- Church Action on Poverty

2- The Big Society Network

3- National Endowment for Science, Technology and the Arts (NESTA)

4- Your Community Budget

5- Localism Bill

برداشته شود. حمایت دولت از نواحی پیشگام آشکار می‌کند که ادارات و سازمان‌ها چگونه می‌توانند موانع را تا حد ممکن از سر راه بردارند. همچنین به خلق روش‌های جدید برای عملی کردن برنامه‌های مورد نظر گروه‌های مردمی همت گمارند. مانند روش جدیدی که بر مبنای آن رسانه‌های اطلاع‌رسانی متعدد در روستاها به مردم فرصت بیش‌تری برای گفتگو درباره توسعه و بودجه‌بندی محلی می‌دهند.

بنابراین مردم می‌بینند که چگونه در نحوه انجام امور دولتی تغییر ایجاد می‌شود. یعنی دولت به جای اینکه نقش خود را صرفاً تمرکز بر توصیه و مشورت با وزرا برای هزینه کرد بودجه‌ها بداند، منابع را به طور مستقیم در اختیار محلات قرار می‌دهد.

به عنوان نمونه در محله پیشگام «ایدن»^۱ که شامل سه بخش «ایدن اولیا، ایدن مرکزی و لیونت» است، پنجاه محله وجود دارد. مردم این محلات محورهای مسکن ارزان، برنامه‌ریزی حومه‌ها، تقویت رسانه‌های گروهی و خبری، انرژی‌های تجدیدپذیر و حمل و نقل را به عنوان اولویت‌های اصلی خود شناسایی کرده‌اند.

برای ساخت مسکن ارزان، در محله گراسبی رونس ورث زمینی خریداری شده و مجوز لازم برای ساخت و ساز خانه‌های ارزان در کنار روستا کسب شد. سپس ساکنین محله، یک شرکت مهندسی تأسیس کرده و با حمایت «سازمان حکومت‌های محلی و محلات» و سازمان خانه‌سازی و محلات و شورای بخش «ایدن» به صورت موفقیت‌آمیزی مشکلاتی که مانع پیشرفت کارشان می‌شد را کنار زدند و خانه‌های ارزان قیمت ساخته شد. درس‌های آموخته شده از این همکاری مشترک می‌تواند برای همه جوامع روستایی در سراسر بریتانیا به کار آید.

در ناحیه «ساتن» سه پروژه اصلی در جهت اجرای بودجه‌بندی مشارکتی تحت عناوین مسافرت هوشمندانه تر، ایجاد حومه پایدارتر در «هاک بریج» و ایجاد فرصت‌های بیش‌تر برای جوانان تعیین شد و به مورد اجرا درآمد. نتایج حاصل از اجرای این برنامه‌ها نیز بسیار موفقیت‌آمیز بود.

۱-۴- مبانی تشکیل جامعه فراگیر

طرح جامعه فراگیر با محول کردن قدرت به جوامع محلی و افراد، در شکل جدیدی از حقوق اجتماعی و توانمندسازی مردم محلی حمایت می‌کند. مبانی و ملزومات این جامعه «توانمندسازی و ایجاد اقتدار

بیش‌تر در جوامع محلی برای تصمیم‌سازی»، «انعطاف‌پذیری خدمات دولتی و عمومی» و «اقدامات اجتماعی» است.

اما به طور عملی در انگلستان، جامعه فراگیر با در نظر گرفتن حقوق شهروندی زیر به سوی استقرار پیش خواهد رفت:

- حق خرید دارایی‌های محلی مانند سالن‌های قدیمی شهر، مغازه‌ها، قهوه‌خانه‌های دهکده،
- حق به چالش کشیده شدن گروه‌های داوطلب، نهادهای اجتماعی، شوراهای ناحیه، کارکنان دولتی و قدرت‌های محلی به منظور اجرای بهتر خدمات عمومی و دولتی،
- حق داشتن رفاندوم محلی و وتو کردن افزایش نرخ مالیات‌ها تعیین شده توسط شوراها،
- اصلاح معنی دار در سیستم برنامه‌ریزی در طرح‌های خانه‌سازی حومه‌های جدید به منظور حمایت از عملکردهای اجتماعی،
- حمایت دولت از فعالیت‌های بشردوستانه، خیرخواهانه و داوطلبانه.

ایجاد جامعه فراگیر دارای الزاماتی به شرح زیر است:

توانمندسازی جوامع محلی: دادن قدرت بیش‌تر به جوامع محلی و حومه برای اتخاذ تصمیم‌ها و تعیین محدوده‌ها و نحوه شکل‌گیری آن‌ها

انعطاف‌پذیری خدمات دولتی و عمومی: انجام اصلاحات در خدمات عمومی برای اینکه مؤسسات خیریه، کارآفرینان اجتماعی، شرکت‌های خصوصی و تعاونی‌های کارکنان قادر به رقابت و ارائه خدمات با کیفیت بالا به مردم باشند.

عملکرد اجتماعی: تشویق و توانا کردن مردم در نقش آفرینی فعالانه و بیش‌تر در جامعه

مفهوم طرح «جامعه فراگیر» از زمان معرفی این طرح تاکنون بر روی بسیاری از فعالیت‌ها تأثیرگذار بوده است. این امر به ظرفیت و تمایل مردم محلی برای داوطلب شدن یا پیشنهادات آن‌ها برای ارائه خدمات بهتر و مؤثرتر بستگی داشته است. البته ممکن است شکاف‌هایی میان نیروها و ظرفیت‌های محلی و مسئولیت‌های تفویض شده به آن‌ها وجود داشته باشد. به همین دلیل است که برنامه ملی توانمندسازی برای افزایش تقاضا، عرضه و شبکه‌سازی‌ها به توانمندسازی در مسیر ایجاد «جامعه فراگیر» کمک زیادی کرده است. همچنین اکثر طرح‌های دولت می‌تواند از برنامه‌های مشارکتی مردمی منتفع شوند. به طور خلاصه اینکه برنامه‌های قبلی می‌تواند به رویارویی بهتر با برخی از نگرانی‌های موجود درباره اجرای عملی دستور عمل «جامعه فراگیر» به کار آید.

به هر حال کاهش قابل توجه هزینه‌های دولت در سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ برای مقابله با بحران اقتصادی، صرفه جویی ۶/۲ میلیارد پوندی را به دنبال داشته است. ۱/۲ میلیارد پوند از صرفه جویی‌ها ناشی از صرفه جویی در دولت محلی و ۲۸۰ میلیون پوند ناشی از اجرای برنامه‌های توانمندسازی مشارکتی بوده است. البته دولت ائتلافی مصمم شده است که بودجه مصوب دوره‌ای دولتی و روند معمول برای جبران کمبود بودجه را حذف کند و میزان قرض بخش دولتی را به ۱/۱ درصد از سرمایه سرانه ملی کاهش دهد؛ (یعنی پایین‌تر از ۱۱ درصد تعیین شده در سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱).

اثرات زیان بار کاهش و حذف بودجه‌ها بر روی هزینه‌های توانمندسازی در سطح محلی آشکار خواهد شد. اگر کاهش در هزینه‌ها به از دست دادن افرادی که برای ادامه کار متعهد شده‌اند، منجر شود همه فعالیت توانمندسازی به وضوح لطمه خواهد دید. این تغییرات بدون تردید مشکلاتی برای سازمان‌ها و شبکه‌هایی که در سطح منطقه فعالیت می‌کنند، ایجاد می‌کند.

۵- چالش‌ها و موانع

۱) تغییرات ساختاری دولت‌ها در تقابل با چشم‌انداز بلند مدت مورد نیاز برای اجرای برنامه‌های مشارکتی

تغییراتی که توسط دولت‌های مختلف در انگلیس برای جلب مشارکت مردم اعمال می‌شود، بر اساس فعالیت‌های زیربنایی قبلی صورت می‌گیرد که این تغییرات سبب نگرانی‌هایی هم می‌شود. از رایج‌ترین شکایات نمایندگان جوامع محلی در همکاری با طرح‌های مشارکتی این است که به محض شروع درک روند کاری یک برنامه، موج سیاسی جدیدی روندهای قبلی را محو و شکافی در پهنه تغییرات ایجاد می‌کند. این در حالی است که هرگاه مردم، وقت آزاد ارزشمند خود را برای درگیر شدن با فرایندهای پیچیده اجتماعی صرف می‌کنند و مسئولیت‌های تعریف شده و مورد نیاز جامعه محلی خود را بر عهده می‌گیرند، لازم است به دور از تغییر جدی قوانین و روندها، نقش خویش را همچنان سودمند بیابند.

یک فعال محیط زیستی از تجربه شخصی خود در مورد تجدید ساختار برنامه‌های مشارکتی می‌گوید: «کسی در جایی تصمیم جدیدی می‌گیرد و ناگهان باید همه کارهای نیمه تمام را رها کرده و به دنبال تصمیم جدید او بروند».

یک فعال اجتماعی در لندن می‌گوید: «البته دولت در سیاست‌های اخیر خود می‌خواهد کنترل و مالکیت بیش‌تری را به قدرت‌های محلی بازگرداند». وی که قبلاً تجربه رها شدن برنامه‌های مشارکتی را داشته، در ادامه یادآور می‌شود که: «از مدیران شرکت‌های خصوصی منطقه شنیدم که می‌گفتند ما دیگر

هرگز نزدیک برنامه‌های مشارکتی با دولت نمی‌شویم. زیرا تجربه کرده بودند اگر بر مسیر رضایت مقامات محلی حرکت نکنند، چگونه دچار مشکل می‌شوند».

گاه در شرایطی که تعهد و اشتیاق مردم برای دخالت و مشارکت به اوج می‌رسد، ناگهان تغییرات شکلی در حکومت منطقه‌ای و محلی باعث می‌شود مردم در کشاکش مشخص کردن مشروعیت نقش خود سرگردان باقی بمانند. در چنین شرایطی کلماتی مانند «مشارکت جویی» نمایندگی مردم» یا «روند دموکراتیک انجام امور در محله» اغلب به معانی گیج کننده و ناهماهنگ و بی ربط تبدیل می‌شوند.

از سوی دیگر ساختارهای جدید پس از معرفی باید حقانیت و مشروعیت خود را ثابت کنند. اگر این ساختارها با توجه به نیازهای مختلف جوامع دارای شفافیت، سلامت، فایده ملموس و در نظر گرفتن حساسیت مردم نباشند می‌تواند منجر به تقابل و شکست در جلب مشارکت و عدم تحقق منافع محلی بشوند.

یک عضو شورای شهر که به طور فعالانه‌ای در برنامه مشارکت استراتژیک محلی همکاری داشت، می‌گفت: «صادقانه باید بگویم، شورای شهر اهمیت این برنامه را تشخیص نداد ... ما تلاش بسیار کردیم».

رئیس گروه مشارکتی دیگری می‌گفت: «گرفتن تعهد از مسئولین محلی بسیار سخت است، زیرا اعضای شورا بیش‌تر تمایل دارند درگیر سیاست‌های داخلی شورا باشند تا مسائل دیگر. عدم ثبات سیاسی یا جانبداری‌های سیاسی از سوی اعضای شورایی‌ها سبب می‌شود که جلسات به بیراهه برود و حیطه توانایی‌ها در اجرای امور ناشناخته باقی بماند».

از طرف دیگر برخی از مسئولین دولتی در تلاش برای ثبات سیاسی خود حتی اجازه بحث و گفتگو درباره موضوعاتی که به تنش منجر می‌شد را نمی‌دهند. بر اساس اظهارات یک کارشناس ارشد دولتی در روند پیشبرد مشارکت، این برخوردها بسیار زیان بار است. چرا که جانبداری سیاسی از سوی مشاورین محلی برای کنترل برنامه مشارکت استراتژیک تناسبی با کار مشارکتی ندارد. مسئولین دولتی گاهی با گوش ندادن به نظرات نمایندگان جامعه محلی حسن نیت آن‌ها را به زیر سؤال می‌برند.

البته کشمکش‌ها و تنگ نظری‌های سطحی در میان گروه‌های داوطلب و جامعه محلی گاهی موجب ایجاد فضایی مخرب می‌شود.

۲) سیاست‌های حزبی

عملکرد سیستم حزبی در سطح محلی اغلب موجب می‌شود که اعضای شوراها، منافع گروه سیاسی را بر نظرات جامعه محلی ترجیح دهند. سیستم حزبی تلاش می‌کند اکثریت آراء نمایندگان جامعه محلی را

در هر هیئت مدیره‌ای داشته باشد تا تصمیم‌گیری‌ها را به دست گیرد. در چنین روندی بعضی از نمایندگان جوامع محلی و داوطلبین، توسط گروه‌های سیاسی کنار گذاشته می‌شوند.

یکی از خدمات دهندگان دولتی در جلسه‌ای محلی گفت: «گاهی احساس می‌کنم بر لبه شمشیر نشسته‌ام؛ و آن موقعی است که بعضی از سیاستمداران یا درک نمی‌کنند و یا حاضر نیستند خود را با نظرات صریح اعضای شبکه جامعه محلی وفق دهند».

همه این تنش‌ها و چالش‌ها گاهی به جایی می‌رسد که برخی امید دارند گروه‌های سیاسی از نمایندگی در سطح محلی حذف شوند، گروهی دیگر اعتقاد دارند این عمل از جانب دولت نافی منافع حزبی آنان است و اگر چنین اتفاقی بیفتد چگونه تعداد زیادی از نمایندگان مجلس راه خود را از میان حکومت‌های محلی به مجلس باز کنند.

اصلاحات اخیر در حکومت‌های محلی گاهی این احساس را در بین شورایاری‌ها به وجود آورده که دیگر به اندازه گذشته مور نیاز نیستند. بدین ترتیب آن‌ها با دیده شک و تردید و حتی گاه با خصومت به بخش داوطلبانه و یا طرح‌های توانمندسازی نزدیک می‌شوند. احساس می‌شود بعضی از شورایاری‌های محلی که با اجبار به سیاست‌های حکومت مرکزی در مورد سهام خانه‌سازی تن داده‌اند، با انتقال این سهام به «سازمان‌های مدیریت از راه دور» و یا «سازمان مالکین اجتماعی» مخالف هستند. آن‌ها نمی‌خواهند اجازه دهند که گروه‌های مستأجر و ساکنین موضوعات خود را در جلسات مشارکتی و باز مطرح کنند. اعضای یک گروه مشارکتی از یک سیاستمدار محلی عالی رتبه گزارش کرده‌اند که چگونه در هر فرصتی که پیش می‌آمد سعی می‌کرد جوامع محلی را مرعوب سازد تا مانع طرح مسائلی شود که به نظر او ربطی به گروه‌های مشارکتی محلی نداشته است. در موردی دیگر، فرد عالی رتبه دولتی حتی پای تلفن فرد محلی را تهدید کرده و گفته است: «ما شما را از قبل می‌شناسیم، کافی است که به گذشته‌ات نگاه کنی».

فعالین اجتماعی اعتقاد دارند که شوراها به طور قانونی مسئولیت رهبری جامعه محلی را بر عهده دارند، ولی این احساس در آن‌ها کمتر به چشم می‌خورد که نقش دیگر فعالین اجتماعی نیز به همان نسبت قابل احترام است.

یکی از فعالین می‌گفت: «بعضی از شورایاری‌ها نمی‌خواهند به جز افرادی که انتخاب شده‌اند با کس دیگری حرف بزنند. من این دیدگاه را درک می‌کنم ولی اگر فکر کنند با رای ۱۸ درصدی یا کمتر

نماینده همه هستند، این درست نیست. نمایندگان سازمان‌ها و مؤسسات و صداهاى دیگری نیز هستند که هم مایلند و هم لازم است که درگیر کارها شوند و آن‌ها هم مشارکت کنند».

۳) تفاوت در درک روندهای دموکراتیک و مفهوم دموکراسی

آزاد بودن یا آزادانه عمل کردن مفهوم مهمی است که درک آن با مفاهیم گسترده مختلف دیگری قرینه و شانه به شانه است. از نظر برخی مشروعیت در آزادی عمل تنها با انتخاب از طریق خود سیستم حکومتی به دست می‌آید، در حالی که برخی دیگر به روش‌های متنوعی که به همان اندازه معتبر هستند، نیز اعتقاد دارند.

یکی از اعضای جامعه محلی می‌گفت: «ما به شکل کارآمدی برنامه‌های کاندید شدن و انتخابات را در برنامه‌های توانمندسازی محلی به اجرا در آوردیم. این در حالی است که شورایاری‌ها سعی می‌کردند بگویند کار به شکل غیرآزادانه ای انجام شده است. احتمالاً خیلی آزادتر از آن روشی بود که آن‌ها برای حفظ صندلی‌های شورایاری انتخاب کرده بودند، زیرا این روندی آزاد بود و هر کسی که در جلسه حاضر شد، می‌توانست رای دهد و نظر خود را اعلام کند».

به عبارت دیگر بعضی از افراد فقط سیستم انتخابات دولتی (شامل انتخاب نمایندگان مجلس، شورایاری‌ها و شهردارها) را تنها انتخابات معتبر می‌دانند.

باز بودن و شفاف بودن همه امور، خصوصیتی کلیدی در آزادانه بودن روش‌های انتخاباتی است. مراحل گزینش اعضای هیئت مدیره یک گروه مشارکتی منطقه‌ای از سوی یک شرکت کننده محلی این گونه توصیف شد: «آن‌ها یک جلسه باز و آزاد داشتند و مردم می‌توانستند شرکت کنند. هرکسی هم هر درخواستی داشت مورد حمایت قرار می‌گرفت. این یک روش آزادانه بود که توسط آن‌ها انجام شد.»



۴) ناکارآمدی در بعضی از بخش‌ها و عدم انجام کارهای موثر

بعضی وقت‌ها شرکت کنندگان به جای پرداختن به مسائل اساسی مانند هدف جلسه یا نحوه کسب بهترین نتایج، در حاشیه‌های جلسه غرق می‌شوند. در واقع آن‌ها به جای اینکه به فکر ایجاد مکانی بهتر برای زندگی و کار در جامعه محلی باشند، زمان را برای تغییر اوضاع از دست می‌دهند.

شرکای کلیه بخش‌ها قادرند موانع موجود برای انجام کارهای موثر میان خدمات دهندگان و جوامع محلی را شناسایی کنند. با این حال، جمع شدن اعضای حکومت محلی، خدمات دهندگان و اعضاء جامعه داوطلب در کارهای مشارکتی به عنوان کاری ارزشمند تجربه شده است؛ حتی توسط کسانی که فکر می‌کنند این روندی هزینه بر و چالش برانگیز است.

یک نماینده محلی می‌گوید: «من فکر می‌کنم که حتی کار کردن با یکدیگر به عنوان یک گروه متشکل از مردم و سازمان‌های متفاوت خود کاری بزرگ است».

به ویژه، انتظارات مربوط به زمان لازم برای جا انداختن تمرینات کاری جدید غیرواقعی به نظر می‌رسند. گاهی این همان برقراری ارتباط است که به نظر مشکل و زمان بر می‌رسد: «مشارکت؛ یعنی مردم و کار با مردم وقت گیر است».

برای کارکنان بخش دولتی سخت است که از پشت میزهای خود بیرون بیایند. آن‌ها در آنجا آسوده هستند، حرف‌های بی بهره و کلیشه‌ای می‌زنند و برای هر نوع تغییری موضعی دفاعی به خود می‌گیرند. گویی تغییر برای آن‌ها شبیه کار غیرممکنی مثل برگرداندن کشتی تایتانیک است.

۵) مانع و ترمز در رده‌های میانی

نمایندگان جوامع محلی در مورد بیش‌تر نهادهای عمومی و دولتی این احساس را دارند که منافع کارهای مشارکتی در صورتی تأمین می‌شود که تعدادی کارمند معتقد و متعهد به کار مشارکتی حضور داشته و در جبهه آن‌ها قرار گیرند. با این حال، اغلب اوقات مدیران رده متوسط مثل مانع و ترمزی برای پیشرفت کارها می‌شوند. بعضی از آن‌ها تغییرات را تهدید تلقی می‌کنند و بعضی دیگر هم درگیر نمودن جامعه محلی را یک هوس گذرای سیاسی و انحراف از کار واقعی می‌دانند.

یک همکار محلی توانمندسازی گفت: «زمانی که تصمیمات موثر و کارآمد گرفته می‌شود، ناگهان نوع همکاری مدیران رده میانی آن را خنثی می‌کند. یعنی در بالاترین و پایین‌ترین سطح، دیدگاه‌ها نزدیک به یکدیگر است، ولی آن تکه وسطی است کار را به گونه ای خنثی می‌کند».

کارمندان رده میانی باعث هدر دادن منافع بالقوه بسیاری می‌شوند. آن دسته از نمایندگان جوامع محلی از همه گروه‌های مشارکتی که در جلسات مشورتی آن‌ها را ملاقات کردیم، همگی بر ضرورت ایجاد مهارت‌های لازم در سازمان‌های دولتی نسبت به نحوه همکاری در فعالیت‌های مشارکتی و حتی آموزش اجباری ضمن خدمت برای یک سری از مدیران تأکید کرده‌اند.

یک نماینده داوطلب محلی می‌گوید: «ما اطلاعاتی از روند طرح‌های توانمندسازی و مشارکتی داریم، ولی آیا کارکنان بخش دولتی نیز اطلاعات لازم در این زمینه را دارند؟».

نماینده دیگری بر این نظر است که توقعات بیجا و انتظارات نامتناسب، امری غیرقابل اجتناب به شمار می‌آید. زیرا تمرکز اولیه بر اینکه چه چیزی باید از این روند بیرون آید، وجود ندارد.

۶) عدم تحقق اهداف توافق شده

عدم شفافیت درباره اهداف کلی مورد نظر نمایندگان جوامع محلی، اغلب به عنوان سد و مانعی برای پیشرفت امور بروز می‌کند. قدرت‌های محلی و دیگر خدمات دهندگان گاهی این گونه تصور می‌کنند که بر حسب حرفه و تخصص خود به شکل غیرمنطقی تحت فشار قرار می‌گیرند. از سویی لازمه مشارکت حفظ روند تصمیم‌گیری و فعالیت از سطوح پایین به بالا است. این در حالی است که قوانین موجود به نحوی است که دسترسی به اهداف از بالا به پایین امکان‌پذیر است.

یک نماینده محلی می‌گوید: «به ما گفته شد در ابتدا لازم است بفهمیم برنامه دولت چیست، ولی این برنامه به طور دائم در حال تغییر است و امکان اشراف ما را بر مسائل سلب می‌کند».

نظرات متفاوتی در مورد اینکه کار مشارکتی چه لزومی دارد، ارائه می‌شود. یک همکار در خصوص نمایندگان جوامع محلی گفت: «برخی از افراد که در هیئت مدیره هستند، موقعیت خود را تنها به عنوان فرصتی برای حفظ گروه‌های دولتی یا به عبارتی استفاده از رانت‌ها می‌دانند». همکار محلی دیگری معتقد است که بخش خصوصی علاقمند به امور انتفاعی و دست‌یابی به سود است. داوطلبین به دست‌یابی به پول برای ادامه کار گروه خود نیازمندند و بخش دولتی نیز فقط به راضی نگه داشتن حکومت علاقه دارد. هرگاه همه این سه گروه کنار هم جمع می‌شوند، کشمکش اجتناب‌ناپذیر می‌شود. یک کارشناس شورای شهر بر این نظر است که ایجاد ارتباط بین سه بخش مورد اشاره، نوعی تسهیل‌گری است. ولی گاهی اختلاف و گسستگی بین بخش‌های مختلف بسیار ریشه‌ای و عمیق بوده و حل آن‌ها سخت است. تا جایی که به نظر می‌رسد تغییر روش‌ها و یکی کردن دیدگاه‌ها چالشی جدی خواهد بود.

۷) ضعف در عمل به توافقات

یک کارشناس شبکه توانمندی جامعه محلی می‌گوید: «فقدان عمل در تحقق اهداف توافق شده، باعث فلج شدن روند مشارکت می‌شود». در این حال شوراهای و بعضی خدمات دهندگان از تفویض قدرت به نمایندگان جامعه محلی واهمه دارند. این عامل سبب هدر رفتن منابع بالقوه‌ای می‌شود که نمایندگان جوامع محلی از آن برای حل مشکلات می‌توانند استفاده کنند. متخصصین به جای استفاده از تجربیات و تخصص نمایندگان جوامع محلی، تمایل دارند تصمیمات از قبل اتخاذ شده را به آن‌ها ارائه دهند.

یک کارشناس عالی رتبه بخش دولتی که عضو هیئت مدیره برنامه استراتژیک مشارکت محلی است، اظهار می‌دارد: «عمل نکردن به توافقات، نوعی بی‌نزاکتی نسبت به افرادی است که همراهی کرده و کارها را انجام داده‌اند».

از نظر وی بزرگ‌ترین مشکل در فرهنگ بوروکراسی است که گاهی برقراری ارتباط با دانش کاربردی فعالین جوامع محلی را دشوار می‌سازد. این کارشناس عالی رتبه می‌افزاید: «با ناامیدی فهمیدم به جز یک سری موارد کوچک و جزئی نمی‌توانم وارد بحث و گفت و گو شوم. بنابراین در کنار هیئت مدیره یک گروه اجرایی از خدمات دهندگان کلیدی تشکیل دادیم تا امور پیش رود».

اما این کار نیز مشکلاتی داشته و به نحوی سبب جداسازی نقش مدیریت استراتژیک مشارکتی از امور اجرایی بوده و گروه جدید شامل هیچ کدام از نمایندگان جامعه محلی نیست. متأسفانه گاهی گروه‌های استراتژیک و تصمیم‌ساز خود را بالاتر از امور اجرایی می‌بینند. به نظر برخی این تفاوت‌ها و جداسازی‌ها ناشی از قدرت طلبی سیاسی است و همواره گروهی می‌خواهد از همه جلوتر باشد.

۸) نقش متخصصین

این مشکل همیشه وجود دارد که متخصصین ادعای فهم و دانش بیش‌تری را نسبت به نمایندگان جوامع محلی دارند. از نظر متخصصین، نماینده جامعه محلی غیرحرفه‌ای و تازه کار است. نماینده جامعه مستاجرین در هیئت مدیره برنامه استراتژیک مشارکت محلی بر این باور است که «مسائل خیلی کارشناسانه رهبری می‌شود» و به ما می‌گویند «می‌دانیم برای شما چه چیزی بهتر است».

اما به همان اندازه که لازم است متخصصین توسعه محلی با بهره‌مندی از تجربیات و دانش بالای خود در جلسات حضور یابند، نمایندگان جامعه محلی نیز حق دارند مسائل را از دید خود و موکلین‌شان در جلسات مطرح کرده و پیگیر آن شوند.

یکی از کارشناسان دولتی چنین استدلال می‌کند که برای جذب حداکثری مشارکت اجتماعی، ارزش‌ها و مهارت‌های لازم باید در فرهنگ خدمات‌رسانی دولتی تسری یابد و این گونه نباشد که این حوزه به انحصار متخصصین توسعه محلی در آید. نمایندگان جوامع محلی اما معتقدند میان نقش آن‌ها و نقش متخصصین توسعه محلی تمایز وجود دارد.

نمایندگان جامعه محلی به متخصصین می‌گویند: «شما به عنوان کارمند برای حضور در جلسه مزد دریافت می‌کنید، در حالی که اگر به عنوان فعال جامعه محلی و داوطلبانه در این جلسات شرکت کنید، دید متفاوتی خواهید داشت».

به نظر برخی این تفاوت در واقع تمایز بین روحیه کنترل (از سوی متخصصین) و نیاز به توانمندسازی و اقتدار برای تصمیم‌سازی (از سوی نمایندگان جامعه محلی) است.

۹) بحث و جدل‌های مدیریتی

یکی از سختی‌های مراحل کار این است که چگونه باید با مشکلات بالقوه مناقشه‌آمیز، برخورد شود. می‌توان تنها با ارائه یک پیشنهاد مسائل را حل کرد. ولی اگر دو یا چند پیشنهاد ارائه شود و مردم بر سر آن‌ها به توافق نرسند، چه کار باید کرد؟

برخی از بدترین دعوها بر سر چیدمان برنامه‌های مشارکتی رخ می‌دهد که نفعی هم برای جامعه محلی ندارد. آگاهی از تفاوت‌ها و اختلاف نظرها در کنار اهداف مشترک بسیار اساسی و ضروری است. یکی از فعالین برنامه‌های مشارکتی می‌گوید: «افراد و سازمان‌های مختلف، دستورالعمل‌های متفاوتی دارند. این طبیعت کار مشارکتی است. کار مشارکتی در صورتی تقویت می‌شود که همه افراد به طور صریح نظرات خود را بیان کرده و تظاهر نکنند که مسائل ساده است».

عدم موفقیت برخی از جلسات مربوط به برنامه‌ریزی مشارکتی گاهی باعث خستگی و نا امید کننده به نظر می‌رسند. زیرا در این جلسات مشارکت واقعی مردم لحاظ نشده و همه امور ظاهری هستند. یک نماینده سابق اقلیت سیاه پوستان می‌گفت: «احساس می‌شود تعداد اندکی از افراد قبلاً تصمیماتی می‌گیرند و فقط برای اخذ امضاء جلسات را برگزار می‌کنند. روشن است این گونه عملکرد در برنامه‌های مشارکتی موفقیت‌آمیز نخواهد بود».

برخی معتقدند عدم وجود فرآیندهای روشن بر این گمان صحه می‌گذارد که تصمیم‌گیری‌های اصلی توسط برخی عناصر ذی‌نفوذ قدیمی صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد این عناصر به طور سنتی مایل به خنثی‌سازی نظرات جامعه محلی و اعمال اراده خود هستند. به این ترتیب نمایندگان محلی احساس می‌کنند که در ارائه اطلاعات و نیازها برای تصمیم‌گیری، مورد حمایت سایر شرکا قرار نمی‌گیرند. اجتناب دولت‌ها از شفافیت و عدم زمینه‌سازی برای تمرین کار مشارکتی، مانع از فراهم شدن ساز و کارهای لازم برای حل و فصل دعوها می‌شود. این امر باعث می‌شود که اعضای بی تجربه جوامع محلی آسیب‌پذیر شوند.

یک کارشناس شبکه توانمندسازی جوامع محلی اعتقاد دارد بحث و کشمکش‌ها به خصوص در مناطقی که از نظر تاریخی در کنترل احزاب سیاسی هستند، غیرقابل اجتناب است. در این شرایط کار کردن به روش مشارکتی نیز بسیار دشوار است.

نقش کارشناسان دولتی در واقع می‌بایست اعتبار دادن، میانجی‌گری و تسهیل و ساده کردن امور باشد. اما آن‌ها اغلب این کارها را انجام نمی‌دهند. در همین حال بحث‌ها و کشمکش‌ها موجب از دست

رفتن و یا تأخیر در کسب منافع بالقوه می‌شوند. البته برخی معتقدند این وضعیت در درازمدت منافی هم دارد. یک نماینده منطقه‌ای اظهار می‌دارد: «اگر بیش‌تر فکر کنیم ما همگی برای یک نتیجه یکسان کار می‌کنیم».

۱۰) هزینه‌ها و مشکلات

نمایندگان جوامع محلی حاضر به کار داوطلبانه بوده و حتی ممکن است مبالغ هنگفتی را از خود هزینه کنند و در هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی سهیم شوند. آن‌ها بدون یاس و ناامیدی می‌توانند به کار خود ادامه دهند. مسئولیت برقراری ارتباط میان گروه‌های خواستار مشارکت اغلب بر عهده این نمایندگان قرار دارد.

از سوی دیگر برخی از گروه‌های مشارکت‌کننده کاملاً درگیر نزاع شده و فضا را تند و توهین‌آمیز می‌کنند. جایی که از طرح موضوعات مورد چالش جلوگیری شود، جوامع محلی احساس می‌کنند که صدایشان شنیده نمی‌شود. در این صورت آن‌ها به کار مشارکتی اتهام سیاست بازی می‌زنند.

از دیگر سو تمرکز بر جلب مشارکت قشر آسیب‌پذیر و گروه‌های به حاشیه رانده شده می‌تواند فشار مضاعفی را بر آن‌ها وارد نماید و از طرف دیگر تجربه شده که آنان به دلیل وضعیت ناگوار محله خود مورد سرزنش هم قرار می‌گیرند. به همین دلیل باید از ابتدا منابع متناسب کافی، توسط دولت مرکزی یا بخش عمومی و یا سازمان‌های غیردولتی برای جلب مشارکت همه اقشار محلی اختصاص یابد. برای اینکه ساختارها قابل دسترس‌تر باشند، لازم است کارشناسان با زبان و نیازهای همه شرکت‌کنندگان احتمالی آشنا باشند.

۶- راهبردها

- استفاده بیش‌تر و مؤثرتر از رسانه‌های ملی و محلی برای نشان دادن کارهای انجام شده از طریق برنامه‌های مشارکتی و دخالت و مشارکت عموم مردم در رهبری و اداره امور مهم است.
- در نظر گرفتن اصل تنوع و تکثر در یک جامعه دموکراتیک برای پیشبرد برنامه ارتقای مشارکت محلی ضرورت دارد. آنچه البته دموکراتیک تلقی می‌شود بسیار پیچیده و متغیر است.
- برای جلب مشارکت مردم با استفاده از نیروی قهری امکان‌پذیر نیست.

- برخورداری از ادبیات ساده و قابل فهم برای معرفی فواید و انواع مشارکت به مردم و اجتناب از به کارگیری ادبیات متفاوت و سنگین زمانی که مردم شروع به فهم مفاهیم جدید می کنند، خطاست.
- گاهی مشورت هزینه بر است و حتی ممکن است بر اساس آن عمل نشود. اما در دراز مدت به هر حال نتیجه خواهد داد.

در کنار همه موارد فوق، بعد از انتخابات اعضا انجمن شهر و شورایاریهای شهر و روستا که هر چهار سال یک بار در انگلیس برگزار می شود، یک جزوه راهنمای ساده و به روز به اعضای تازه منتخب شده انجمن شهر و شورایاران محلی ارائه می شود، که در آن از ابتدایی ترین اصول کار تا اقدامات عملی برای برنامه ریزی مشارکتی را با زبانی ساده به آن ها توضیح داده می شود، همانند:

- نحوه مشارکت جامعه محلی در تصمیم گیری ها
 - استانداردهای اخلاقی و اصل تساوی
 - اصل آزادی اطلاعات
 - بودجه بندی و برنامه ریزی مالی
 - توجه به گروه های داوطلب مردمی
 - رهبری توسط جامعه محلی
 - ساختار ادارات دولتی و حکومت های محلی
 - خدماتی که شوراها باید ارائه دهند مثل نظارت بر آتش نشانی و امداد و نجات، خدمات رسانی برای کودکان، سالمندان و اقشار آسیب پذیر
 - ساختارهای سیاسی کشور
 - نحوه برگزاری جلسات و آیین نامه ها
 - فرآیندهای مربوط به ارتباط گیری با کارشناسان و مدیران دولتی
 - آشنایی با مراکزی که برای تقویت نقش رهبری محلی کار می کنند و وب سایت ها، تحقیقات و گزارشات مربوط به این موضوع همه در این جزوه راهنمای سالانه آورده می شود.
- یکی از مهم ترین نکاتی که در این راهنما آورده شده است لزوم برنامه ریزی برای نشست ها و برنامه ها به صورت سه ماهه است. یعنی همه برنامه ها و فعالیت های شورایاری ها بایستی از سه ماه پیش معلوم باشد و تاریخ نشست ها و عنوان کلیه فعالیت ها در اختیار عموم و کارشناسان ذی ربط گذارده شود.

۷- یافته‌های کلیدی

تجربه یکپارچه دیدن ارائه خدمات در سطح جوامع اجازه می‌دهد که ارائه دهندگان و گیرندگان خدمات محلی نقاط مشترک را به طور روشن‌تری ببینند. از طریق این نقاط مشترک، خلاءهای موجود را یافته و به مرحله «چگونه ما می‌توانیم؟» برسند که این تفکر کاملاً در نقطه مخالف تفکر «تقصیر ما نیست» قرار دارد. ارزشمندترین نتیجه ایجاد ارتباط بین ارائه دهندگان خدمات و اعضاء جوامع محلی، گسترش شبکه‌های سیاست‌گذاری، افزایش تأثیر جوامع محلی بر تصمیم‌گیری‌ها و ارتقای اطلاعات به ارائه دهندگان خدمات است. همچنین ایجاد رقابت میان تأمین کنندگان خدمات برای درخواست منابع از دولت و استفاده از آن منابع با انعطاف بیش‌تر در شرایط محلی است.

حتی خدمات پلیس بیش‌تر از طریق در آمیختن با جامعه محلی و ایجاد تعهد و احساس موفقیت در جامعه صورت می‌گیرد. زیرا پلیس به آحاد جامعه، نه فقط به عنوان گیرندگان خدمات، بلکه به عنوان «شهروند» می‌نگرد. افسران بلند پایه این موضوع را تصدیق کرده و اظهار می‌دارند نتیجه این نگاه باعث افزایش مشروعیت و اعتماد عمومی در سطح محل می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان چنین گفت که تغییرات کوچک در سطح محلی اما موثر بر زندگی مردم ارزشمندتر از تغییرات بزرگی است که مردم آن را حتی نوعی تهدید می‌پندارند.

توصیه‌ها

- در مسیر ترویج و توسعه برنامه‌های آموزشی ضرورت دارد تا متخصصین و فعالین جوامع به یادگیری شانه به شانه در کنار یکدیگر تشویق شوند و موضوعات تکنیکی مانند مشارکت، حساسی و ارزشیابی را با هم تمرین کنند. همچنین هنر خوب گوش دادن را بیاموزند.
- لزوم پیشبرد آموزش مهارت‌های اساسی برای شورایاری‌ها که می‌تواند حوزه بیش‌تری از تعهدات و مهارت‌های شهروندی را شامل شود.
- ترویج مفهوم محله گرایی و ارتقای مهارت در متخصصینی که به حل تعارضات و مشارکت اجتماعی و کار با مردم محلی علاقه دارند.
- آگاه بودن از مرزها و حریم‌ها؛ به این معنی که داوطلبین و تسهیل‌گران در جوامع محلی باید برای توسعه ظرفیت جوامع و حمایت از نمایندگان آن‌ها فعالیت کرده و در نقش رهبری و اداره امور ظاهر نشوند.

- کارکنان موظف و غیرداوطلب می‌بایست وظایف خود را در افزایش ظرفیت و واگذاری قدرت به مردم در جوامع محلی ببینند. در واقع فعالیت کارکنان بعد از طی این مرحله (یعنی تفویض اختیار به مردم محلی) در آن بخش تمام شده تلقی می‌شود و آن‌ها باید برای ورود به چالش‌های مرحله بعدی آماده شوند.
- افراد محلی تشویق شوند تا در جلسات و نشست‌های شورایی‌ها به صورت ناظر و آزاد شرکت کنند تا با روند امور آشنا شوند.
- تسهیل‌گران محلی باید مطمئن شوند که زمان لازم برای بیان مسائل از سوی نمایندگان جوامع محلی به طور یکسان در اختیار همگان قرار می‌گیرد و به همه نظرات احترام برابر گذاشته می‌شود.
- داوطلبین محلی باید مطمئن شوند که همه گروه‌های ذی‌نفع محلی، با مقررات، معاهدات و آیین‌نامه‌ها آشنایی پیدا کرده‌اند.
- کلیه هزینه‌هایی که نمایندگان جوامع محلی که به شکل داوطلبانه در جلسات حاضر می‌شوند و برای حضور در این برنامه‌ها صرف می‌کنند باید به ایشان پرداخت شود.
- با در نظر گرفتن تنوع و گوناگونی جلسات، تسهیلات یا تمهیداتی که نمایندگان جوامع محلی بتوانند در حداکثر این برنامه‌ها و جلسات حضور یابند باید ایجاد شود.
- به طور فعالانه کارکنان بخش دولتی و خصوصی را دعوت کنند تا در نشست‌های کاری مشترک با شبکه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه به منظور کمک و پشتیبانی شرکت جویند.
- با ایجاد روحیه رفاقت و همیاری، نظارت یکسان و آموزش‌های شغلی در بین کارکنان و داوطلبین آزاد محلی تشویق شود.
- کار اصلی اجرای برنامه توانمندسازی برای مشارکت محلی، تسهیل‌گری و آسان‌سازی مشارکت است که به طور معمول بین ادارات و ذی‌نفعان اتفاق نمی‌افتد.



۸- نگاهی گذرا به نقش سراهای محله برای ارتقاء مشارکتهای محلی در سطح شهر تهران در سی سال گذشته توجه روزافزون به بهره‌گیری از روش‌های مشارکتی و جلب مشارکت افراد و نهادها برای همکاری با جامعه محلی به منظور اجرایی کردن برنامه‌های توسعه محور مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه برخی از اقدامات و برنامه‌های مشارکتی با انتقاداتی در زمینه دستاوردهای واقعی و کیفیت نتایج عینی روبرو بوده، اما شکی در اثرپذیری و تغییرات ایجاد شده توسط این روش‌ها در سطح محلی وجود ندارد.

در کشور انگلستان به ویژه در دهه اخیر برنامه‌های ملی و منطقه‌ای توانمندسازی برای مشارکت، معرفی شاخص‌ها و برنامه استراتژیک محلی برای مشارکت، همچنین بودجه‌بندی مشارکتی در محله‌ها و طرح ملی جامعه فراگیر و مبانی آن نشانگر حرکتی گسترده و موسع برای نهادینه ساختن امر مشارکت است. در ایران البته این حرکت هنوز به صورت ملی و فراگیر نهادینه نشده است. اما شورای اسلامی شهر و شهرداری تهران از حدود ۵ سال پیش به جد بسترسازی لازم را برای پیشبرد مشارکت اجتماعی و مدیریت محله محور در سطوح مختلف ایجاد و از مشارکت مردم در توسعه محلی با اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای زیر حمایت کرده‌اند:

۱- مشروعیت بخشیدن به مدیریت محله محور و ساماندهی مشارکت اجتماعی محلات با تصویب

مصوبه «ساماندهی مشارکتهای اجتماعی در محلات شهر تهران، مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۸»

۲- نهادسازی یا ساختارسازی از طریق تاسیس و راهاندازی ۳۵۶ سرای محله از ۳۷۴ محله در شهر تهران

۳- نهادینه کردن مشارکت از طریق تدوین دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌های ساماندهی مشارکتهای

اجتماعی در محلات شهر تهران در قالب شش کارگروه، ۱۳ خانه و ۷۲ کانون با هدف جلب

مشارکت مردم در موضوعات مختلف در سراهای محله

۴- ظرفیت‌سازی از طریق ارائه آموزش‌های هنری، ورزشی، کارآفرینی، حقوقی و بهداشتی در قالب

برنامه‌ها، کارگاه‌ها و مراسم‌های مختلف در همه سراهای محله

۵- توجه به گروه‌های خاص مانند زنان، کودکان و سالمندان در برنامه و نیز اعطای نقش مدیریتی به

ایشان مانند به کارگیری ۱۲۳ مدیر سرای محله از بانوان که این اقدام نشانگر توجه شهرداری به

استفاده از ظرفیت زنان توانمند برای جریان‌سازی مشارکتهای اجتماعی در شهر تهران است.

مهم‌ترین ساز و کار شهرداری تهران در جلب مشارکت مردم در حال حاضر تاسیس و راهاندازی

سراهای محله هستند. در پژوهشی که برای تعیین میزان اثربخشی سراهای محله در جلب مشارکت

اهالی ۱۵ محله در ۵ منطقه شهر تهران صورت گرفته، نشان می‌دهد جوامع محلی در شهر تهران نیازمند درک بهتر مفهوم مشارکت، چه از ناحیه مردم و چه از ناحیه مسئولین هستند.



خوشبختانه وجود شورایاران، هیئت‌های امناء، کارگروه‌ها و مدیران در ساختار سراهای محله عرصه را برای چنین گامی مهیا کرده است. در عین حال حرکت در این مسیر می‌بایست با تکیه بر آگاهی نسبت به ماهیت کار مشارکتی صورت گیرد. چرا که عصاره فعالیت‌ها و برنامه‌ها در مدیریت محله محور فرآیند و یا روشی است که از طریق آن بایستی امور انجام شود و نه صرفاً حصول به نتیجه. یعنی مهم قادر ساختن افراد محلی و دست‌اندرکاران به تجزیه و تحلیل مسائل، شناسایی مشکلات و موقعیت محله خود و توانایی برنامه‌ریزی مشارکتی برای پیشبرد فعالیت‌های مربوط به محله توسط ساکنین آن محله است.

نتایج مصاحبه‌ها و مشاهدات تحقیق یاد شده نشانگر وجود شکاف‌هایی در بین دست‌اندرکاران، عدم نیازسنجی از مردم محله، عدم حضور جدی مردم محله در تصمیم‌گیری‌ها، عدم تشکیل یا فعالیت کارگروه‌ها است که البته شاید بتوان تازه تاسیس بودن سراها را از دلایل مهم این امر به حساب آورد.

جمع‌بندی نظرات ساکنین محلات در تحقیق یادشده نکات مهمی را در مورد زمینه‌های ایجاد شده برای جلب مشارکت مردم از طریق فعالیت سراهای محله ارائه می‌دهد که در اینجا به صورت تغییرات مثبت و نقاط قوت در زیر می‌آید:

- ایجاد همفکری و همدلی در میان اهالی محله به خاطر وجود سراهای محله
 - فراهم کردن زمینه آموزش و تفریحات سالم در محله
 - افزایش سطح آگاهی مردم
 - از بین رفتن پاتوق اراذل و اوباش
 - ایجاد امنیت و کاهش سرقت
 - زیباتر و تمیزتر شدن محله
 - ایجاد اشتغال به ویژه برای زنان سرپرست خانوار
 - حل بعضی از مشکلات با مشارکت یکدیگر
 - آموزش کودکان و پر کردن اوقات فراغت آنها
 - تغییر رویه مادران در تربیت فرزندان
 - حل مشکل افسردگی بعضی بانوان مراجعه کننده به سرای محله و افزایش مشارکت بانوان
 - ارتقاء روحیه مشارکت مردم
 - سرگرم شدن اهالی محله
 - ایجاد یا افزایش امنیت در محله
 - ایجاد ارتباط بهتر و بیش‌تر با شهرداری
 - به وجود آمدن احساس پیشرفت در محله
- نکات فوق نشان دهنده موفقیت سراهای محله در ارتقاء روحیه مشارکت و جلب اعتماد ساکنین محلات مورد بررسی است.



برگزاری جشن‌ها و مراسم مختلف از سوی سراهای محله با همکاری شهرداری مناطق

مطابق با یافته‌های این تحقیق، پایداری در فعالیتهای سرای محله تنها زمانی ممکن خواهد بود که فعالیت آن‌ها حاصل اتکا به مردم و مشارکت جامعه هدف در برنامه‌ریزی‌ها باشد. یعنی هر قدر سراهای محله در جهت از میان بردن احساس وابستگی مردم به شهرداری گام بردارند، موفق‌تر خواهند بود. این مهم انجام نمی‌شود مگر اینکه شهرداری منابع خود را بیش از پیش صرف ظرفیت‌سازی و آموزش کارگروهی و توانمندسازی برای تعمیق و گسترش فرآیند مدیریت محله محور کند. در این صورت مردم می‌توانند با هنرمندی هر چه تمام‌تر با همدلی به حل مشکلات محله خود بپردازند. اولین گام به این منظور آموزش و ایجاد توانایی کار گروهی است.

به طور کلی در مقایسه میان آنچه در کشور انگلستان رخ داده با فعالیت سال‌های اخیر شهرداری تهران در سپردن امور محله به مردم باید بر نکات زیر تاکید کرد:

در انگلستان بیش از یک دهه است که امر مشارکت و مدیریت محلی به صورت ملی و نهادینه با تکیه بر شاخص‌های کمی و کیفی تعیین شده با توجه به مقتضیات روز و شرایط متفاوت جوامع محلی صورت می‌گیرد.

در ایران سابقه این رویکرد کمتر بوده و نه به صورت ملی، بلکه در شهر تهران و هنوز بدون تعیین شاخص‌های لازم متناسب با هر محله در جریان است.^۱

ساز و کارهای اعمال مشارکت مردم در انگلستان متنوع، متکی به انگیزه‌های مردمی، برخوردار از بودجه و منابع مالی مشخص‌تر و مطمئن‌تری است.

در ایران اما هنوز اعتمادسازی لازم برای ارتقای انگیزه‌ها برای برنامه‌ریزی مشارکتی با حضور مردم در برنامه‌های سرای محله صورت نگرفته است، اگر چه سراهای محله در ایجاد جو همدلی و ایجاد احساس پیشرفت و امنیت در محلات بسیار مفید بوده‌اند. اما هنوز ساز و کار جلب مشارکت مردم برای توسعه و مدیریت محله از طریق سراها از وسعت، توانایی و منابع مالی لازم برخوردار نیست. عدم همکاری بین شورای یاری‌ها و مدیران و بین مدیران و کارکنان سراهای محله به ویژه مسئولان خانه سلامت در اکثر سراها، لزوم آموزش و ظرفیت‌سازی برای همکاری و ارتقاء آگاهی‌ها در خصوص مبانی مشارکت برای برنامه‌ریزی مشارکتی ضرورتی غیرقابل انکار است.



یکی از مهم‌ترین گروه‌های هدف در سراهای محله در شهر تهران زنان و کودکان هستند و برنامه‌های متعددی به منظور آموزش و ارتقاء مهارت‌ها برای آن‌ها برگزار می‌شود.

۱- البته در سطح ملی سازمان بهزیستی طرح توانمندسازی اجتماع محور را در محلات از سال ۱۳۸۶ در دست اقدام دارد. نیروی انتظامی و قوه قضاییه نیز طرح امنیت محله محور و کاهش آسیب‌ها را با مشارکت خود مردم پیگیری می‌کند. وزارت بهداشت نیز از سالیان گذشته ارتقاء شاخص‌های بهداشتی و تحقق نیازهای اولیه را با مسئولیت‌پذیری و مشارکت مستقیم مردم در دستور کار داشته داشت که تشکیل و تقویت رابطین بهداشت محلی زن در مراکز بهداشت در سطح ملی از نتایج موثر آن بوده است.

به علاوه تبدیل سراهای محله به مراکز ارتقاء مهارت‌های زندگی، حرفه‌آموزی، مشاوره و آگاهی‌های مربوط به سلامت گرچه به خودی خود بسیار سودمند است اما با هدف نهایی تاسیس سرای‌های محله که همان تعمیم مدیریت محله محور و برنامه‌ریزی مشارکتی محلی از طریق شورای یاری‌ها، مدیران محلات و نمایندگان ساکنین است فاصله زیادی دارد.



برنامه اعتباری و اجرایی سراهای محله شهر تهران تهیه شده توسط کارشناسان



معرفی خانه‌ها، اهداف و رسالت آن‌ها

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در ساماندهی مشارکت اجتماعی محلات تهران از طریق راه‌اندازی و تاسیس سراهای محله با طرح‌های مورد بررسی در کشور انگلستان این است که شهرداری تهران (مطابق با اسناد فوق) برای سراهای محله ساختار و بودجه از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی‌های قبلی دارد. در حالی که در طرح‌های اجتماع محور و مشارکتی در کشور انگلستان این فرآیند و روند است که مورد توجه قرار می‌گیرد. به طوری که امکان تغییر، اصلاح و ابتکار عمل در برنامه‌ها و فعالیت‌ها و حتی ایجاد ساختارهای متفاوت وجود دارد و اساساً جزو لاینفک این برنامه تنوع و تفاوت آن‌ها، معرفی شده است. تعداد افراد عضو در هیئت مدیره تیم‌های توسعه محلی در انگلستان می‌تواند از ۲۰ تا ۶۰ نفر متغیر

باشند. شاخص موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های محله محور در انگلستان، احساس رضایت و خوشحالی مردم محله در قبال مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و سهم آن‌ها در ایجاد تغییر است.



سرای محله امام زاده حسن در منطقه ۱۷



سرای محله شهادت در منطقه ۲۰

همچنین در انگلستان، اطلاع‌رسانی مستمر و ارتقاء آگاهی‌ها در زمینه بودجه‌های در نظر گرفته شده برای ارائه خدمات از سوی ارگان‌های مختلف دولتی در سطح محلات به عنوان اصلی زیربنایی برای جلب مشارکت مردم در تصمیم‌سازی محلی ذکر می‌شود. به طوری که مردم می‌بایست خود تعیین کننده بودجه‌ها بر اساس سطح و کیفیت خدمات ارائه شده یا قابل ارائه به محله خود باشند. در حالی که چنین امری در گردش امور سراهای محله متصور نیست.

از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین شباهت‌ها میان تحولات مربوطه به مشارکت محلی از طریق سراهای محله در ایران و تشکیل گروه‌های مشارکت محلی در انگلستان بهره‌مندی از هیئت‌های امنا و شوراهای محله و نیز انجمن معتمدین در مدیریت محله محور است. البته این شباهت شامل مشکلات این بخش نیز می‌شود. به این معنی که همانند آنچه در گزارش «تعیین الگوهای موفق مشارکت‌های اجتماعی و توسعه محلات در کشور انگلستان» آمده، در بعضی محلات تهران اعضای منتخب محلی مثل شورایاران خود را تنها نمایندگان حقیقی و قانونی محله‌ها می‌دانند. از نظر آنان حضور دیگر اقشار مردم در جلسات ضرورتی ندارد. شاید به همین دلیل در اکثر سراهای مورد بررسی، کارگروه‌ها که اهرم اصلی جلب مشارکت آحاد مردم و اهالی هستند، تاکنون فعال نشده‌اند.



ساختار در نظر گرفته شده برای سراهای محله از سوی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری

برگزاری نشستهای مشترک بین مسئولین و کارشناسان ارشد شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران (به ویژه دبیرخانه ستاد راهبری مرکزی ساماندهی مشارکتهای اجتماعی در محلات شهر تهران و ستاد امور هماهنگی و اجرایی شورایاریها زیر نظر شورای اسلامی شهر تهران) به منظور ظرفیتسازی هیئت امناءها در سراهای محله و اعضاء شورایاریها به ویژه در زمینه برنامه ریزیهای آموزشی زمانبندی شده و حمایت هدفمند از برگزاری دورههای آموزشی محله محور برای همه کارکنان سراهها، میتواند قدم اساسی به منظور ارزش افزایی فعالیتهای در حال انجام و استفاده بهینه از منابع مالی موجود در هر دو نهاد باشد.

منابع

- 1- An Action Plan for Community Empowerment: Bulding on Success, Local Government Association, Communities and Local Government, 2007
- 2- Active Governance, The value added by community involvment in governance through local strategic partnership, Kath Maguire and Fraces Truscott , Joseph Rowntree Foundation 2006
- 3- Communities in the driving seat: a study of Participatory Budgeting in england, Final report, SQW, Cambridge, Economic Associates, Geoff Forham Associates, Department for Communities and local Government, 2011
- 4- Community Led Planning Activity in the East of England, A report for the Regional Empowerment Partnership, Funded by the Department of Communities and Local Government supported by East of England Development Agency, Easet of England- space for ideas ,Inspire East: Ideas and Actions for sustaninable Communities, Rural Action East, National Empowerment Partnership
- 5- Councillor's Guid, The essential guid for all new councilors,Improvement and Fvelopment Agency for local Governmen, 2010/2011
- 6- Delivering improved outcomes for children, young people and their families: The crucial role of the new local performance network, Communities and Local Government, department for children, schoold, and families what is the new local performance framework?
- 7- Final Evaluation Report on the National Empowerment Programme 2010-2012 for the Regional Partnership for the East of England, Resources for Change , Easet of England- space for ideas ,Inspire East:Ideas and Actions for sustaninable Communities, National Empowerment Partnership
- 8- http://en.wikipedia.org/wiki/File:England_administrative_divisions_since_2009.svg
- 9- <http://en.wikipedia.org/wiki/Councillor>
- 10-http://en.wikipedia.org/wiki/British_Parliament
- 11-http://en.wikipedia.org/wiki/Lancashire_County_Council
- 12-National Empowerment Partnership (NEP) Programme, Final evaluation report, Helen Sender, Zoe Khor and Barbra Carlisle, Communities and Local Government, Community development foundation, july 2011
- 13-Participation Works, 21 techniques of community participation for the 21st century, UK Community Participation Network, 1999
- 14-Understanding and operationalising empowerment , Oversea Development Institute, Cecilia Luttrell and Sitna Quiroz with Claire Scrutton and Kate Bird, 2009
- ۱۵- تغییر رفتار و نگرش در ارزیابی مشارکتی، رابرت چمبرز و جمعی از نویسندگان، ترجمه منیژه مقصودی، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۰
- ۱۶- مجموعه دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌های ساماندهی مشارکتهای اجتماعی در محلات شهر تهران، مدیریت محله، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، دبیرخانه ستاد راهبری مشارکتهای اجتماعی در محلات (مدیریت محله) ۱۳۹۱

عناوین انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران از سال ۱۳۸۷ تاکنون:

کتاب:

- ۱- طراحی تفرجگاهی در نواحی رودکناری در محیط کلانشهرها
- ۲- مدیریت زیست محیطی فضای سبز شهری
- ۳- شهرها در فرآیند جهانی شدن (گزارش سکونتگاه‌های انسانی)
- ۴- مجموعه مقالات سمینار چالش‌ها و راهبردهای زیست محیطی کلانشهر تهران
- ۵- راهنمای توانمندسازی شهروندان و محلات شهر برای ارتقای سلامت
- ۶- آلودگی هوا (راهبردهای ملی، قوانین و مقررات)
- ۷- آلودگی هوا و صدا در حقوق ایران
- ۸- مدیریت بحران (اصول و راهنمای عملی دولت‌های محلی)
- ۹- برنامه‌ریزی شهری سالم
- ۱۰- فن‌آوری راهبردی مدیریت دانش
- ۱۱- امکان‌سنجی انتخاب مستقیم شهرداران توسط مردم در ایران
- ۱۲- مبانی پایداری کلانشهرها با تاکید بر کلانشهر تهران
- ۲۶- کلانشهرها و چالش‌های حمل و نقل
- ۲۷- کودکان و شهروندی
- ۲۸- شهروندی فعال و نظارت شهروندی
- ۲۹- مطالعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار
- ۳۰- جایگزینی مینی‌بوس‌های فرسوده شهر تهران، چالش‌ها و راهکارها
- ۳۱- لیزینگ زمین و مسکن
- ۳۲- نقش سازمان‌های بین‌المللی در جایگاه جدید جهانی کلانشهرها با تاکید بر مجمع شهرداران کلانشهرها
- ۳۳- مسئله‌یابی در حوزه مدیریت شهری
- ۳۴- بررسی جایگاه شهر استانبول در شبکه شهرهای جهانی (آموزه‌هایی برای تهران)
- ۳۵- شهروندی در دوران پسااملی
- ۳۶- رویکردهای جدید در طراحی پارک‌ها و فضاهای سبز شهری (پارک‌های موضوع‌محور)
- ۳۷- مفاهیم پدافند غیرعامل در مدیریت شهری با تمرکز بر شهر تهران
- ۳۸- رویکردهای جدید در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری: برنامه‌ریزی شهری سالم
- ۳۹- عوارض سبز: ابزاری جهت کنترل آلودگی هوا در شهرها و ایجاد درآمد‌های پایدار برای شهرداری‌ها
- ۴۰- بررسی تطبیقی طرح‌ها و برنامه‌های فضای سبز کلانشهر تهران و شهر گوانگژو چین
- ۴۱- وضعیت مسکن و کیفیت سکونت زنان سرپرست خانوار با تاکید بر مناطق ۲۲ گانه شهر تهران
- ۴۲- خطرهای محتمل بر تونل‌های درون شهری
- ۴۳- دولت و پایتخت: بررسی تجارب جهانی کمک دولت در تأمین مالی اداره پایتخت‌ها به عنوان منبع درآمدی پایدار در مدیریت شهری
- ۴۴- طراحی پیادمرایه‌ها در شهر تهران: با تمرکز بر نیازهای اجتماعی شهر
- ۴۵- سامانه فرماندهی حادثه در شهر تهران
- ۴۶- بررسی و ارائه سیاست‌های دست‌یابی به حمل و نقل پایدار در تهران
- ۴۷- الزامات تهیه دستورالعمل یخ زدایی معابر
- ۴۸- برنامه استمرار خدمات سازمان‌ها و مشاغل در حوادث
- ۴۹- مدیریت تقاضای سفر (TDM)
- ۵۰- مهندسی ارزش در حمل و نقل شهری
- ۴۲- شناسایی شاخص‌های اجتماعی به منظور تدوین مدل اولویت‌بندی موضوعات و مسائل حوزه شهری
- ۴۳- رنگ در شهر
- ۴۴- هویت شهروندی و راهکارهای ارتقاء آن در شهر تهران
- ۴۵- نحوه واگذاری خطوط BRT به بخش خصوصی
- ۴۶- بررسی تطبیقی تجارب مداخله در پهنه‌های فرسوده و ارائه راهبردهای مبتنی بر مشارکت مردم
- ۴۷- بررسی و مقایسه روش‌های نوین پایدارسازی شیروانی‌های خاکی در شرایط گوناگون
- ۴۸- تکنولوژی‌های جدید ساخت و ساز و تأثیر استفاده از آن‌ها در شهر تهران
- ۴۹- ارزیابی پیادمرایه بازار تهران
- ۵۰- ممیزی انرژی ساختمان در شهر تهران
- ۵۱- بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری
- ۵۲- توانمندسازی اقتصادی- اجتماعی زنان سرپرست خانوار (معرفی و ارزیابی
- ۱- چالش‌های تفرجگاهی در نواحی رودکناری در محیط کلانشهرها
- ۲- مدیریت زیست محیطی فضای سبز شهری
- ۳- شهرها در فرآیند جهانی شدن (گزارش سکونتگاه‌های انسانی)
- ۴- مجموعه مقالات سمینار چالش‌ها و راهبردهای زیست محیطی کلانشهر تهران
- ۵- راهنمای توانمندسازی شهروندان و محلات شهر برای ارتقای سلامت
- ۶- آلودگی هوا (راهبردهای ملی، قوانین و مقررات)
- ۷- آلودگی هوا و صدا در حقوق ایران
- ۸- مدیریت بحران (اصول و راهنمای عملی دولت‌های محلی)
- ۹- برنامه‌ریزی شهری سالم
- ۱۰- فن‌آوری راهبردی مدیریت دانش
- ۱۱- امکان‌سنجی انتخاب مستقیم شهرداران توسط مردم در ایران
- ۱۲- مبانی پایداری کلانشهرها با تاکید بر کلانشهر تهران
- ۲۶- کلانشهرها و چالش‌های حمل و نقل
- ۲۷- کودکان و شهروندی
- ۲۸- شهروندی فعال و نظارت شهروندی
- ۲۹- مطالعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار
- ۳۰- جایگزینی مینی‌بوس‌های فرسوده شهر تهران، چالش‌ها و راهکارها
- ۳۱- لیزینگ زمین و مسکن
- ۳۲- نقش سازمان‌های بین‌المللی در جایگاه جدید جهانی کلانشهرها با تاکید بر مجمع شهرداران کلانشهرها
- ۳۳- مسئله‌یابی در حوزه مدیریت شهری
- ۳۴- بررسی جایگاه شهر استانبول در شبکه شهرهای جهانی (آموزه‌هایی برای تهران)
- ۳۵- شهروندی در دوران پسااملی
- ۳۶- رویکردهای جدید در طراحی پارک‌ها و فضاهای سبز شهری (پارک‌های موضوع‌محور)
- ۳۷- مفاهیم پدافند غیرعامل در مدیریت شهری با تمرکز بر شهر تهران
- ۳۸- رویکردهای جدید در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری: برنامه‌ریزی شهری سالم
- ۳۹- عوارض سبز: ابزاری جهت کنترل آلودگی هوا در شهرها و ایجاد درآمد‌های پایدار برای شهرداری‌ها
- ۴۰- بررسی تطبیقی طرح‌ها و برنامه‌های فضای سبز کلانشهر تهران و شهر گوانگژو چین
- ۴۱- وضعیت مسکن و کیفیت سکونت زنان سرپرست خانوار با تاکید بر مناطق ۲۲ گانه شهر تهران
- ۴۲- خطرهای محتمل بر تونل‌های درون شهری
- ۴۳- دولت و پایتخت: بررسی تجارب جهانی کمک دولت در تأمین مالی اداره پایتخت‌ها به عنوان منبع درآمدی پایدار در مدیریت شهری
- ۴۴- طراحی پیادمرایه‌ها در شهر تهران: با تمرکز بر نیازهای اجتماعی شهر
- ۴۵- سامانه فرماندهی حادثه در شهر تهران
- ۴۶- بررسی و ارائه سیاست‌های دست‌یابی به حمل و نقل پایدار در تهران
- ۴۷- الزامات تهیه دستورالعمل یخ زدایی معابر
- ۴۸- برنامه استمرار خدمات سازمان‌ها و مشاغل در حوادث
- ۴۹- مدیریت تقاضای سفر (TDM)
- ۵۰- مهندسی ارزش در حمل و نقل شهری
- ۴۲- شناسایی شاخص‌های اجتماعی به منظور تدوین مدل اولویت‌بندی موضوعات و مسائل حوزه شهری
- ۴۳- رنگ در شهر
- ۴۴- هویت شهروندی و راهکارهای ارتقاء آن در شهر تهران
- ۴۵- نحوه واگذاری خطوط BRT به بخش خصوصی
- ۴۶- بررسی تطبیقی تجارب مداخله در پهنه‌های فرسوده و ارائه راهبردهای مبتنی بر مشارکت مردم
- ۴۷- بررسی و مقایسه روش‌های نوین پایدارسازی شیروانی‌های خاکی در شرایط گوناگون
- ۴۸- تکنولوژی‌های جدید ساخت و ساز و تأثیر استفاده از آن‌ها در شهر تهران
- ۴۹- ارزیابی پیادمرایه بازار تهران
- ۵۰- ممیزی انرژی ساختمان در شهر تهران
- ۵۱- بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری
- ۵۲- توانمندسازی اقتصادی- اجتماعی زنان سرپرست خانوار (معرفی و ارزیابی

- ۱۲- شناسایی وضعیت و ابعاد هویت اجتماعی شهروندان تهرانی و راهکارهای ارتقاء آن
- ۱۳- ضرورت‌ها و الزامات مدیریت یکپارچه در کلانشهر تهران (جدایی شهرستان‌های ری و شمیرانات از کلانشهر تهران؛ تهدید یا فرصت)
- ۱۴- بررسی ضوابط احداث، نگهداری و مدیریت سرویس‌های بهداشتی عمومی
- ۱۵- جهاد اقتصادی و نقش شهرداری در تحقق آن (با تأکید بر ضرورت‌ها و الزامات)
- ۱۶- ساماندهی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر با رویکرد محله‌محوری
- ۱۷- جایگاه فرم‌های ارگانیک در طراحی امان‌های شهری
- ۱۸- امکان‌سنجی تحقق اجرای فضای سبز عمودی در شهر تهران
- ۱۹- طرح دلوطلب واکنش اضطراری محله (دوام)
- ۲۰- ارزیابی عملکرد خانه‌های اسباب‌بازی مستقر در سرای محلات در شهر تهران
- ۲۱- شهر آموزش‌دهنده، ضرورت‌ها و راهکارها
- ۲۲- نظرسنجی و نیازسنجی از کارکنان شهرداری تهران درخصوص عملکرد شهرداری
- ۲۳- مطالعه تطبیقی پیرامون وظایف و مأموریت‌های شهرداری‌ها و انتخاب شهرداران در شهرهای مختلف جهان
- ۲۴- معرفی نمونه‌های موفق برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری و مقایسه آن‌ها با شهر تهران
- ۲۵- بررسی نظام مداخله بهینه برای بهسازی و نوسازی پهنه‌های فرسوده شهر تهران
- ۲۶- شناسایی و ارزیابی خرابی‌های پل‌های بتنی شهر تهران (مطالعه موردی: پل شهید صنیع‌خانی)
- ۲۷- بررسی مهم‌ترین چالش‌ها، فرصت‌ها و پیامدهای الکترونیکی شدن شهر تهران با استفاده از مدل SWOT
- ۲۸- بررسی مقایسه‌ای میزان آمادگی الکترونیکی ایران و کشورهای جهان با نگاهی ویژه به شهر تهران
- ۲۹- وضعیت محیط زیست شهر تهران (SoE) (۸۶-۱۳۷۷)
- ۳۰- بررسی مسائل و مشکلات موجود در مرزهای مناطق و نواحی از دیدگاه شهروندان (مطالعه موردی: مرزهای مناطق و نواحی ۱۴ و ۱۷ شهرداری تهران)
- ۳۱- شناسایی ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی با تأکید بر شبکه‌سازی در شهر تهران
- ۳۲- تحلیلی بر وضعیت اجتماعی رانندگان تاکسی در تهران و ارائه راهکارهایی برای افزایش اعتماد عمومی و مسئولیت‌پذیری آن‌ها
- ۳۳- بازیافت از ضایعات الکترونیکی بر منابع مواد
- ۳۴- بررسی وضعیت سلامت شهروندان و خدمات شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران
- ۳۵- ضرورت استفاده از سیستم‌های حمل و نقل هوشمند (ITS) در شهر الکترونیک
- ۳۶- مروری بر آسیب‌پذیری لرزه‌ای کلانشهر تهران در طرح مطالعاتی جایکا با نگاهی بر وضع موجود
- ۳۷- تدوین مفهوم توسعه اجتماعی در مقیاس شهری
- ۳۸- ارزیابی طرح جامع
- ۳۹- سلسله گزارش‌های شناسایی مسائل اجتماعی در اولویت (۱)؛ تعیین موضوعات اجتماعی مهم از نظر مردم
- ۴۰- اعتماد اجتماعی از دریچه مطالعات تجربی در سطح ملی و شهر تهران
- ۴۱- مفاهیم زیست محیطی در برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی حوضه آبخیز شهری
- عملکرد شهرداری تهران
- ۵۳- بررسی وضعیت اتاق‌های بحران (پایگاه‌های پشتیبانی) مناطق شهرداری تهران
- ۵۴- بررسی انواع روش‌های حمل و نقل پاک در شهرها
- ۵۵- تحلیل برنامه شهرداری در کاهش آلودگی هوای شهر تهران با توجه به نقش و چشم‌انداز شهرداری
- ۵۶- ارزیابی عملکرد شهرداری درخصوص مبارزه و پیشگیری از اعتیاد و ارائه رهنمودهای لازم
- ۵۷- مدخلی بر اقتصاد سیاسی نظام شهری در ایران با تأکید بر کلانشهر تهران
- ۵۸- امکانات، توانمندی‌ها و شیوه‌های خدمات‌رسانی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران
- ۵۹- «مروری بر نقش شهرداری تهران در مدیریت بحران»
- ۶۰- بررسی ضرورت‌ها و نیازهای گردشگری الکترونیک در ایران (تهران)
- ۶۱- ساماندهی و مدیریت ایجاد و توسعه مراکز آزمون‌های ادواری سامانه‌های سوخت‌رسانی CNG برای انواع خودرو (فاز اول پروژه)
- ۶۲- نقاط قوت و ضعف طراحی منظر شهری (بررسی موردی برنامه، طرح، اجرا و نظارت طرح منظر شهری نعمت آباد)
- ۶۳- بررسی نظرات شهروندان تهرانی درخصوص نحوه انتخاب شهردار تهران
- ۶۴- بازیگری طرح نوسازی ناوگان تاکسیرانی تهران (جایگزینی تاکسی‌های فرسوده)
- ۶۵- ارزیابی معایب و مزایای احداث زیرگذر عابر پیاده به جای پل‌های روگذر
- ۶۶- راهکارهای ساماندهی جا پارک حاشیه‌ای در محلات مسکونی شهر
- ۶۷- مدیریت زباله‌های بتنی
- ۶۸- مقایسه‌ی تطبیقی تهران با شهرهای اسلامی با ساختار مدرن
- ۶۹- معرفی عوامل موثر بر تأمین هزینه پروژه‌های حمل و نقل مانند تونل، پل و بزرگراه‌های دو طبقه از محل دریافت عوارض بهره‌برداری
- ۷۰- شاخص‌ها و ابزارهای سنجش رضایت شهروندان از شهرداری تهران
- ۷۱- خورندگی مواد در هوای شهری (فاز اول)
- ۷۲- بلندمرتبه‌سازی در شهر تهران؛ مطالعات، تحلیل و ارائه ضوابط پیشنهادی
- ۷۳- شاخص‌ها و ابزارهای سنجش رضایت شهروندان از شهرداری تهران
- ۷۴- عدالت در شهر (۱)- وضعیت مسکن و سرپناه در مناطق شهر تهران
- ۷۵- مبانی مدیریت طرح
- ۷۶- ساماندهی و حفاظت از باغات و اراضی مزروعی شهر تهران
- ۷۷- بررسی میزان بهره‌وری خانه سلامت در سرای محلات و ارائه رهنمودهای لازم
- ۷۸- بررسی وضعیت واگذاری فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به بخش خصوصی در شهر تهران
- ۷۹- بررسی مهم‌ترین عوام توسعه گردشگری در شهر تهران
- ۸۰- طرح ساماندهی محور جنوبی شهر تهران (حداصل شوش - بعثت)
- ۸۱- سیاست‌گذاری اجتماعی در مواجهه با پدیده: کارتن خوابی

در این مطالعه سعی شده به سابقه مشارکت، تنوع و تکثرگرایی برای فعالیتهای مشارکتی در سطح محله در کشور انگلستان اشاره شود. در دولت‌های مختلف طرح‌ها و برنامه‌های ملی و منطقه‌ای برای تعمیق و گسترش مشارکت اجتماعی مردم معرفی شده است. مهم‌ترین این برنامه‌ها از ده سال پیش تاکنون در این مطالعه مورد اشاره قرار گرفته و سعی شده آن دسته از استراتژی‌های مهم مورد نظر کارگزاران در سطوح مختلف برای رسیدن به مشارکت اجتماعی محلی پررنگ شود. برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و محلی برای توانمندسازی و ارتقاء مشارکت مردم، سیاست‌گذاری‌های استراتژیک را هدف قرار داده و در همه آنها سطح وسیعی از فعالیتهای ابتکاری برای آموزش و ایجاد فرصت‌های متعدد و متنوع به منظور ارتقاء مشارکت‌های محلی مورد نظر بوده است. در این مطالعه دستاوردها و نکات مهم در هر کدام از برنامه‌ها و اسناد ملی برای ارتقاء مشارکت محلی در دولت گذشته و دولت فعلی انگلستان مورد اشاره قرار گرفته است. سپس یک سری اصول زیربنایی برای تحقق فعالیتهای مشارکتی، محورها و اولویتهای کاری، درس‌های آموخته شده از دید کارشناسان طرح‌ها و الگوهای مشارکت محلی آورده شده است. در نهایت این گزارش به نتایج و توصیه‌های کلیدی خواهد رسید که در تحقق طرح‌های اجتماع محور و مدیریت محله در خور توجه هستند.

